

فصلنامه علمی-تخصصی (دو زبانه) شماره چهارم - تابستان ۱۴۰۴

# جهان نما



**شناسنامه**

صاحب امتیاز: اتحادیه انجمن های علمی دانشجویی علوم سیاسی ایران

مدیر مسئول: آروین تنها

سردبیر: امیرحسین کریمی

ویراستار: نیما یوسفی، متین همتی، نگار احمدی

طراح گرافیک: نگار قراباغی

مترجم: مرضیه صالحی

شماره چهارم - سال دوم

Owner: Union of Iranian Political Science Student Scientific Associations

Director: Arvin Tanha

Editor-in-Chief: Amirhossein Karimi

Editor: Nima Yousefi, Matin Hemmati, Negar Ahmadi

Graphic Designer: Negar Qarabaghi

Translated by: Marziyeh Salehi

Number 4 \_ Year 2

**فهرست مطالب**

مزایای سیاسی اقتصادی بریکس برای جمهوری اسلامی ایران

بررسی راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل

موانع سرمایه گذاری خارجی در ایران

تاثیر سیاست گذاری های توسعه بر بحران های زیست محیطی

**Contents**

The Political and Economic Advantages of BRICS for the Islamic Republic of Iran

Analysis of the Security Strategies of the Islamic Republic of Iran Towards Israel

Obstacles to Foreign Investment in Iran

Impact of Development Policies on Environmental Crises

**سخن سردبیر**

با سلام خدمت خوانندگان گرامی «جهان نما»

چهارمین شماره نشریه پیش روی شماست؛ در روزگاری که سیاست بین الملل با شتابی بی سابقه در حال تغییر است و ایران همچنان در مرکز این تحولات قرار دارد. فشارهای فزاینده قدرت های بزرگ و تهدیدهای حقوقی و سیاسی، از جمله استفاده ابزاری از سازوکارهایی نظیر «مکانیسم ماشه»، نشان می دهد که نظام جهانی بیش از آن که بر عدالت و برابری استوار باشد، بر منطق سلطه و تبعیض بنا شده است.

«جهان نما» بر این باور است که دفاع از استقلال و حقانیت ایران در چنین شرایطی نه فقط یک موضع سیاسی، بلکه ضرورتی ملی است. ایران باید بتواند ضمن مقاومت در برابر فشارها، افق های تازه ای برای تعامل سازنده با جهان و حفظ منافع ملی خود ترسیم کند.

در این شماره، ما کوشیده ایم با نگاه تحلیلی، تصویری از روندهای کلان و چالش های پیش روی کشور ارائه دهیم. امید است این تلاش جمعی، راهی برای تقویت اندیشه انتقادی و مسئولانه در میان دانشجویان و علاقه مندان به روابط بین الملل بگشاید.

با احترام

امیرحسین کریمی

سردبیر نشریه «جهان نما»

## مزایای سیاسی

## اقتصادی بریکس

## برای جمهوری

## اسلامی ایران

مریم قاسمی



## چکیده

این مقاله به بررسی مزایای گسترده سیاسی و اقتصادی عضویت ایران در بریکس با تمرکز بر نظریه چند جانبه گرایی می پردازد بریکس که شامل قدرت های نو ظهور اقتصادی است با ارائه مکانیسم های مالی و ساختارهای چند جانبه امکان تقویت جایگاه ایران در نظام بین المللی و مقابله با تحریم های غرب را فراهم می کند. از مزایای عضویت می توان به تقویت صادرات، دسترسی به سرمایه گذاری خارجی، ایجاد جایگزین های مالی و همچنین بهبود موقعیت سیاسی ایران اشاره کرد. پرسش اصلی پژوهش این است که عضویت در بریکس چه مزایای سیاسی و اقتصادی برای ایران دارد؟ فرضیه پژوهش این است که ایران با پیوستن به سازمان های منطقه ای و قطب های اقتصادی برای رسیدن به اهداف خود نیازمند مجموعه ای از عوامل سیاسی امقابله با یک جانبه گرایی آمریکا، تایید حقوق هسته ای و کاهش تحریم ها و عوامل اقتصادی انرژی ترانزیت کالا و حذف دلار است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** بریکس چند جانبه گرایی مزایای سیاسی اقتصادی، ژئوپلیتیک

## مقدمه

ایده تاسیس بریکس به دوران پسا نظم دو قطبی و آغاز جنگ پیش دستانه آمریکا با تروریسم سال ۲۰۰۱) باز میگردد دوره ای در دانش روابط بین الملل که برخی از چیره طلبی هژمونی ( و یک جانبه گرایی آمریکا در دوران پسا جنگ سرد سخن می گفتند. بریکس در نهایت طی مذاکرات سه ساله (۲۰۰۶) تا (۲۰۰۹) به ایجاد سازمان و ائتلافی بین المللی از قدرت های نو ظهور با هدف مقاومت و تاب آوری در برابر جهان تک قطبی و ایجاد رویه چند جانبه گرایی با رویکرد تحول خواهانه در نظام بین الملل انجامید (صادقی ۱۴۰۲) هدف هر یک از هر چه بود برای پیوستن به بریکس برآیند عضویت آنها در بریکس پیشینه کردن صدای آنها در صحنه بین المللی بدون چالش مستقیم با هژمون مسلط بوده است بنابر این بریکس هم یک طرح ضد هژمونیک و هم نتیجه منطقی تغییر اقتصاد سیاسی جهانی بوده است. شیرخانی وچیت ساز (۱۳۹۹) بریکس به عنوان یک ائتلاف فرا قاره ای، ساختار بندی جدیدی برای اقتصاد و سیاست جهانی و تنها ائتلاف قدرتمند جهانی بدون مشارکت اروپا و آمریکاست که این ظرفیت را دارد تا صدایی قوی در مجامع و مباحث مهم اقتصادی و سیاسی باشد و سیطره نظم مسلط

فعلی را به چالش بکشد (Francis ، ۲۰۱۳) تقریباً از سال ۲۰۱۳ در اجلاس پنجم بریکس در آفریقای جنوبی و در دوران موسوم به «یسا پسا جنگ سرد» تلاش های جمهوری اسلامی ایران برای پیوستن به بریکس در چارچوب مقابله با تحریم های و بدیل سازی ویلان دوم برای شکست احتمالی مذاکرات هسته ای شدت گرفت. در نهایت پس از ده سال تلاش دیپلماتیکی در سال ۲۰۰۳ ایران به همراه عربستان سعودی و امارات متحده عربی که هر دو رقیب منطقه ای ایران محسوب می شوند (یکی سیاسی و یکی اقتصادی) و سه کشور دیگر، به عضویت دائمی بریکس درآمدند. تایید عضویت ایران در این مجموعه حاصل تلاش های دیپلماتیکی جدی است و فرایند آن یک دهه به طول انجامیده است ایران با همراهی سایر قدرت های نو ظهور مانند روسیه و دیگر کشورهای عضو بریکس با رویکرد اقتصاد سیاسی و تکیه بر راهبرد چند جانبه گرایی و با استقبال از نظم نوین چند قطبی در نظام بین الملل و تلاش برای بی اثر سازی تحریم های اقتصادی علیه خود و تلاش برای گسترش روابط با کشورهای غیر جریان اصلی قدرت در نظام بین الملل در جهت گسترش ائتلاف ها و اتحادیه های منطقه ای و درون قاره ای در چارچوب تعمیق و توسعه سیاست همسایگی و آسیایی در راستای منافع و مصلحت ملی خود گام برداشت (صادقی، ۱۴۰۲) مهمترین اهداف و انگیزه ایران برای عضویت در بریکس شامل پرستیژ بین المللی، برقراری پیوندهای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران با قدرت های جدید جهانی پیشبرد برنامه توسعه اقتصادی کشور، افزایش جایگاه منطقه ای و بین المللی، جذب شرکای اقتصادی جدید در سطح منطقه ای و بین المللی، دسترسی به یافته ها و ابتکارهای جدید در حوزه های فناوری، تولیدات دانش بنیان، کشاورزی و امنیت غذایی، تجارت و افزایش امکان مقابله با تحریم های بین المللی، تلاش برای پایان یکجانبه گرایی غرب افزایش حجم تبادلات تجاری رفع مواقع مالی، توسعه فعالیت ها در حوزه ترانزیت و انرژی و تلاش برای دلار زدایی با توجه به این

موارد این سوال مطرح می شود. آیا ایران میتواند از تمام ظرفیت های موجود در بریکس استفاده کند؟ در پژوهش حاضر زمینه های شکل گیری نهادهایی مانند بانک توسعه و صندوق ذخیره ارزی مورد توجه قرار میگیرد و سپس مزایای سیاسی و اقتصادی بریکس برای ایران و در انتها، نتیجه مطالب گفته شده ارائه می شود.

## چارچوب نظری تحقیق

چند جانبه گرایی واژه ای است که توسط مایلز کاهتر با عنوان حکومت بین المللی یا حکومت جهانی با اشخاص بسیار مفهوم بندی شده است. رابرت کوهن چند جانبه گرایی را هماهنگ سازی میان سیاست های ملی در گروه های سه یا چند دولت می داند. هسته اصلی این مفهوم مخالفت با موافقت نامه های تبعیض آمیز دو جانبه بود که اعتقاد بر این بود که آن موافقت نامه ها، قدرت نفوذ قدرتمندان بر ضعفا را افزایش داده و موجب افزایش درگیری های بین المللی می گردد. جان راجی این مفهوم را بر مبنای اصول تفکیک ناپذیری و عمل متقابل گسترده همراه با توزیع در جهات مختلف در روابط بین الملل « که روابط میان سه یا چند دولت را بر اساس اصول عمومی و رفتاری به شکلی (نهادی تعریف می نماید. این رفتار از طریق یک گروه یا نوعی از اقدامات بدون در نظر گرفتن منافع خاصی از احزاب و یا نیازهای استراتژیک که ممکن است در هر وقوع وجود داشته باشد. تناسب خواهد داشت. چند جانبه گرایی به شکل عضویت در نهادهای بین المللی به منظور ملزم ساختن بازیگران قدرتمندی به خدمت گرفته می شود تا از روش یک جانبه گرایانه جلوگیری به عمل آید. چند جانبه گرایی به کشورهای کوچک کمک می نماید که با گرد هم آمدن بتوانند به صورت دسته جمعی اطمینان یابند که قدرت بزرگتر را ملزم به تعهدی مشخص نمایند. یک قدرت بزرگ نیز هنگامی که دست یافتن به اهداف خود را از طریق روابط دو جانبه با هزینه بالا ارزیابی نماید، با اتخاذ شیوه چند جانبه گرایانه بتواند پریک کشور

قدرتمند دیگری اعمال نفوذ نماید (احقاقی، ۱۳۹۸، ص ۱۳) اتحادیه اروپایی و دولت ایالات متحده آمریکا به منزله ی دو بازیگر مهم در عرصه ی حقوق بین الملل نقش یک جانبه گرایانه خاص گرایانه را در حقوق بین الملل ایفا می کنند این دو موجودید. با اتخاذ مواضع و اعمال متفاوت رویکرد یک جانبه گرایانه را در قبال حقوق بین الملل نهادینه کرده اند تسخیری ، ۱۳۹۷، ص ۱۶۳)

### نحوه شکل گیری بریکس

بریکس به مجموعه ای از قدرت های نو ظهور اطلاق میشود که از به پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو این گروه (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) تشکیل شده است. ایده شکل گیری این گروه در سال ۲۰۰۱ توسط جیم اونیل موسسه سرمایه گذاری گلدین ساکس به منظور پیش بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت های برتر آن مطرح گردید (اتیل ۲۰۰۱) سپس در شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ و وزرای امور خارجه کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین گفتگوهای مقدماتی را آغاز کردند. بعد از این اجلاس رهبران ارشد بریک در چهار نشست دیپلماتیک دیگر ایکاترینبورگ، سائوپائولو، ژاپن و لندن به منظور محکم ساختن پایه های شکل گیری این گروه شرکت کردند که نشان دهنده تبدیل بریک به چیزی فراتر از یک مفهوم شده و در سطح اجرایی مطرح شد. پس از نخستین نشست سران بریک در سال ۲۰۰۹، موضوع این گروه تبدیل به یک سازوکار میان دولتی شد. سپس آفریقای جنوبی تلاش های فراوانی در سال ۲۰۱۰ به منظور عضویت در گروه بریک از خود نشان داد که سرانجام وزرای خارجه کشورهای عضو در نشستی که در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ در نیویورک برگزار گردید، با عضویت آفریقای جنوبی موافقت کردند که عنوان بریک پس از پیوستن آفریقای جنوبی به بریکس تغییر نام یافت (مانشل ۲۰۱۱) کشورهای عضو بریکس بر موضوعاتی نظیر روش های بهبود وضعیت اقتصادی

و اصلاح نظام مالی جهان متمرکز گردیدند. همچنین این کشورها در خصوص برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر و ایفای نقش موثر و بیشتر در امور اقتصادی جهان به بحث و تبادل نظر می پرداختند. کشورهای عضو گروه بریکس از لحاظ اقتصادی دارای ساختار نسبتاً مشابه فی باشند و جزء وسیع ترین و پر جمعیت ترین کشورهای جهان محسوب می شوند و به پیشتازان اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه تبدیل شده اند. و به واسطه اقتصادهایی با رشد پرشتاب و فراگیر و نفوذ تاثیر گذار بر امور جهانی و منطقه ای از دیگر کشورها متمایز می شوند. (سعیدی، دهقانی (۱۳۹۳)، بزرگ ترین دستاورد بریکس تاسیس بانک توسعه و صندوق ذخیره ارزی است.

### بریکس و بانک توسعه

ایده ی بانک توسعه اقتصادی با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار که توسط ۵ عضو بریکس تامین می شد جهش مثبتی در مسیر این گروه اقتصادی بود. ایجاد بانک توسعه جدید (NDB) به عنوان جایگزینی برای بانکهای توسعه چند جانبه (MDB) موجود، مانند صندوق بین المللی پول بود. بسیاری از بازارهای نو ظهور در گذشته با چنین سازمانهایی روابط ناخوشایند

داشته اند به عنوان مثال، دولت برزیل قبلاً صندوق بین المللی پول را به دلیل درخواست ضمانت نامه های سختگیرانه در ازای دریافت کمک مالی، مورد انتقاد قرار داده است. ایجاد این بانک، بیانگر نقش رو به رشد بریکس و سایر بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه [ در اقتصاد جهانی و تمایل بیشتر آنها برای اقدام مستقل در امور حاکمیت اقتصادی بین المللی و توسعه است. این بانک چند جانبه توسط کشورهای این گروه برزیل، روسیه. هند، چین و آفریقای جنوبی تأسیس شد این بانک با داشتن دفتر مرکزی در شانگهای چین برای حمایت از اقتصادهای نو ظهور و ایجاد گزینه ای برای سلطه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ایجاد شده است. از زمان شکل گیری آن در سال ۲۰۱۵ NDB بیش از ۳۵ وام زیر ساختی صادر کرده است که مجموعاً ۱۰،۲ میلیارد دلار در بسیاری از بخش ها، از انرژیهای تجدیدپذیر تا حمل و نقل است. این بانک همچنین موفق به کسب رتبه های اعتباری بالا شده است یک عنصر مهم برای اطمینان از اینکه بانک می تواند سریع سرمایه را افزایش دهد. (۳ ۲۰۲۰ Ballard)، از این جهت عضویت ایران در بریکس می تواند راهی مطمئن در جهت گرفتن وام و کمک های مالی باشد که می تواند در دوره ی تحریم ها به شدت



به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران کمک کند. رویه ی تجارت بانک توسعه نوین بریکس نسبت به ایران می تواند به یک منبع جایگزین مالی در قیاس با صندوق بین المللی پول یا بانک جهانی تبدیل خواهد شد. این بخش به موارد کلیدی نیازهای اقتصادی ایران مانند توسعه سرمایه انسانی، فقر زدایی و مراقبت های بهداشتی و توسعه زیر ساخت ها اساسی میتواند پاسخ دهد.

### ایجاد ترتیبات ذخیره احتمالی بریکس

یکی دیگر از نهادهای کلیدی که همگرایی مالی میان کشورهای عضو را توسعه داده، ترتیبات ذخیره احتمالی بریکس است قرارداد ذخیره مشروط بریکس در سال ۲۰۱۴ به منظور ارائه کمک های مالی به کشورهای بریکس که با مشکلات تراز پرداخت ها مواجه می شوند، ایجاد شد. منابع این توافق در مجموع ۱۰۰ میلیارد دلار است و بودجه آن توسط کشورهای بریکس تامین می شود. ترتیبات ذخیره احتمالی بریکس یک مکانیسم همکاری مالی است که توسط کشورهای بریکس در سال ۲۰۱۴ ایجاد شد این صندوق به عنوان یک صندوق احتیاطی برای ارائه نقدینگی به کشورهای عضوی که با مشکلات پرداخت ها یا بحران های مالی مواجه شوند عمل می کند. هدف اولیه (CRA) ارائه یک شبکه ایمنی مالی برای کشورهای بریکس در مواقع استرس اقتصادی است هدف کلیدی آن حفظ ثبات مالی اعضا و تقویت انعطاف پذیری آنها در برابر شوک های خارجی است. هدف آن ارائه سطح جدیدی از حمایت مالی برای کشورهای عضو، به ویژه اقتصادی های نو ظهور، و کاهش اتکای آنها به موسسات مالی خارجی در طول بحران است. ایجاد قرارداد ذخیره مشروط بریکس نشان دهنده تعهد کشورهای بریکس به افزایش همکاری های مالی و کمک های متقابل است. توافق ذخیره مشروط مکانیسمی را برای کشورهای عضو فراهم می کند تا از یکدیگر در زمان فشارهای اقتصادی حمایت کنند و به ثبات و انعطاف پذیری کلی اقتصادهای بریکس کمک

می کند. مرکز پژوهش‌های اتاق ایران ۱۴۰۲)

### مزایای اقتصادی بریکس برای ایران

گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شد تا روابط و همکاری کشورهای در جهت تحصیل منافع در قالب همکاری های منطقه ای در دستور کار بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه کشور ایران قرار گیرد با توجه به روند کنونی اقتصاد که به سمت یکپارچگی و جهانی شدن پیش می رود همکاری های منطقه ای می تواند نقش مهمی در حضور گسترده تر کشورهای در صحنه های بین المللی ایفا نماید برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند منطقه گرایی می تواند موثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. (الغلامی ۱۳۸۵) در واقع بیش از نیمی از تجارت جهانی در قالب بلوک های تجاری انجام می شود. و اغلب کشورها نخستین تجربه خود در انعقاد موافقت نامه تجارت منطقه ای را با یک یا چند کشور همجوار خود پیدا می کنند. از آنجایی که کشورهای عضو گروه بریکس به عنوان قطب های اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه مطرح شده اند می توانند الگویی مناسب برای ایران بوده و حضور در این گروه ایران را به اهداف بلند مدت اقتصادی خود می رساند. (سعیدی، سعیدی، دهقانی، ۱۳۹۳) پیوستن به بریکس به ایران این امکان را می دهد که شرکای اقتصادی خود را فراتر از شرکای فعلی متنوع کند. کشورهای بریکس مجموعاً بیش از ۲ میلیارد نفر جمعیت دارند که بالقوه بازار مصرف گسترده ای را برای کالاها و خدمات ایرانی فراهم می کند. این تنوع وابستگی ایران به مجموعه ی محدودی از شرکای تجاری را کاهش داده و تاب آوری اقتصادی آن را افزایش می دهد (مرکز پژوهش های ایران، ۱۴۰۲) (۲۷) کشورهای عضو گروه بریکس به ویژه چین و هند جزء شرکای مهم تجاری ایران محسوب میشوند و اکمال تجاری بالایی در تجارت ایران با کشورهای مذکور وجود دارد بنابر این تعامل



با چنین کشورهایی الگوی مناسبی برای پیشرفت کشور ایران بوده و توسعه روابط تجاری با آنها می تواند زمینه های رشد اقتصادی ایران و حضور پررنگ تر آن در عرصه تجارت جهانی را ایجاد نماید با توجه به شرایط کشورهای عضو بریکس و جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه، داشتن منابع غنی معدنی و طبیعی و همچنین ذخایر فراوان نفت و گاز توسعه ارتباطات ایران و کشورهای مذکور به طور قطع موجب ارتقای تجارت منطقه ای و جهانی شده و کشورهای عضو بریکس می توانند بازارهای مناسبی در جذب صادرات ایران و تامین نیازهای وارداتی کشور باشند (سعیدی، دهقانی، ۱۳۹۳) و در این بخش به چند مورد مهم آن مانند انرژی و نقش ژئوپلیتیک ایران و دلار زدایی میپردازم .

### حذف دلار و جایگزین کردن پول بریکس

یکی از اهداف بریکس، ایجاد یک سیستم مالی چند جانبه و کاهش وابستگی به دلار آمریکا است. این امر به ویژه برای ایران که به دلیل تحریم ها از دسترسی

به سیستم مالی جهانی و استفاده از دلار در مبادلات تجاری خود محروم است. بسیار حائز اهمیت است. کشورهای عضو بریکس در تلاشند تا تصویب حساب های تجاری میان خود را به وسیله ارزهای ملی انجام دهند. در اولین اجلاس گروه بریکس در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در یکتاترینبورگ روسیه برگزار شد ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه تصریح کرد که بریکس یکی از عناصر کلیدی جهان چند قطبی در حال پیدایش است. انتقاد اعضای بریکس از سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، تصمیم به ایجاد ذخایر مشترک ارزی بین کشورهای عضو پیشنهاد طراحی پول جدیدی به نام بریکسو، تاکید اعضای بریکس بر لزوم نظارت بر نهادهای مالی بین المللی و... همه و همه دلایلی است که نشان می دهد اعضای بریکس در حال رویارویی در برابر قدرت هژمون بین الملل و یکجانبه گرایی او هستند (خرمشاد و سیقی، ۱۳۹۸) تلاش برای کنار گذاشتن دلار در مبادلات اقتصادی تنها برخی از مواضع مشترک ایران و اعضای بریکس است. اعضای بریکس در حال برداشتن گام های جدی برای حذف

دلار در مبادلات اقتصادی و صالی بین کشورهای خود و حتی کشورهای دیگر هستند؛ همچنین اجرای توافق برزیل و چین برای انجام بخشی از پرداخت های تجارت فی ما بین به پول ملی خود به جای دلار یا یورو، آغاز چشم انداز مهم در تضعیف دلار و کاهش سیطره ی آن خواهد بود ارضایی و اسکندری (۱۳۹۳) مسئله ای که جمهوری اسلامی در طول سال های سخت تحریم خود توسط غرب و آمریکا مطالبه می کند. همچنین اعضای بریکس درصددند تا با بالا بردن مجموع سهمیه های خود در صندوق بین المللی پول، آن را به حدی برسانند که بتوانند از حق وتو در این سازمان بهره ایران به لحاظ جغرافیایی در منطقه آسیای جنوب غربی قرار گرفته است که شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس است. ایران یک قدرت منطقه ای در جنوب غربی آسیا است و جایگاه مهمی را به دلیل در اختیار داشتن صنعت نفت صنعت پتروشیمی، گاز طبیعی برای خود در اقتصاد جهانی به دست آورده است و خطوط و مواصلات بین المللی شرق و جنوب شرق آسیا و اروپا توسط ایران فراهم می باشد. بنابر این به طور گسترده ای مورد توجه قدرت های اقتصادی قرار گرفته است و با توجه به این شرایط حضور فعال در مجامع و سازمانهای اقتصادی و تجاری منطقه ای و جهانی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است (رحمانی، عسکری، عابدین (۱۳۸۵) ایران به علت برخورداری از منابع غنی هیدروکربنی در کنار رشد اقتصادی آن در حوزه منطقه ای و حتی بین المللی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. بر همین اساس گسترش ارتباط با کشورهای حوزه بریکس نیز از اولویتهای جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود. رقابت چین و روسیه بر سر بازارهای منطقه در کنار رقابت در خصوص انرژی های هیدروکربن با اتحادیه اروپا و آمریکا، فرصت بهره وری و سیاست نزدیک شدن به ایران را بیش از پیش فراهم می آورد (۳۸-۳۱-۲۰۱۰ Glosny) بر همین اساس پیشنهاد عضویت نظارتی ایران در پیمان شانگهای توسط روسیه و چین مؤید این مطلب می باشد. در واقع نیاز رو به رشد و بلند مدت چین به واردات

نفت و گاز نیز باعث شده که این کشور در کنار حیات خلوت انرژی خود نگاهی استراتژیک به روابط انرژی با کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه ایران داشته باشد. در حال حاضر نزدیک به ۲۵ درصد از واردات نفت چین از خاورمیانه صورت میگیرد و ایران دومین صادر کننده بزرگ نفت به چین پس از عربستان است. ایران همچنین در سال ۲۰۰۸ دومین عرضه کننده بزرگ نفت هند به شمار می رود.

مناسبات رو به جلو میان چین، روسیه و هند همراه دیگر اعضای بریکس و رویکرد این گروه در قبال ایران به همراه تقاضای فزاینده دو قدرت بزرگ اقتصاد آسیا و ظهور دوباره روسیه ای مستقل در روابط بین الملل که قدرت آن با منابع انرژی تقویت شده است. این زمینه را برای ایران به وجود آورده است تا به شرکایی مهم در حوزه انرژی و اقتصادی بیاندیشد که البته با جهت گیری سیاست خارجی ایران و تمایل بیشتر به شرق به ویژه کشورهای چون روسیه، چین و هند همخوانی دارد و می تواند زمینه جذب سرمایه های بیشتر را در حوزه انرژی از طریق تشکیل کنسرسیوم شرکت های ملی نفت اوراسیا و همچنین توسعه بازارها در این عرصه را به همراه تقویت مناسبات منطقه ای در این ارتباط فراهم آورد. (۱: ۱۳۹۱ ذکر این نکته ضروری است که ایران علاوه بر داشتن ژئوپلیتیک مهم و برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک حیاتی در منطقه به عنوان پل ارتباطی خلیج فارس و خزر وجود انرژی های موجود نفت و گاز طبیعی) عامل مهمی در تامین منافع ملی خود و مرتفع نمودن دغدغه های امنیت انرژی مصرف کنندگان بزرگ انرژی به ویژه گروه بریکس به شمار می رود که می تواند با حضور فزاینده شرکای بزرگ اقتصادی مانند چین و هند آن را تقویت نموده ( مؤمنی، ۱۳۹۳: ۱ ) و وزن ژئوپلیتیک خود را ارتقاء بخشد.

#### موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در کریدور شمال جنوب

موقعیت جغرافیایی ایران اهمیت ویژه ای به این کشور به لحاظ جابه جایی کالا و عبور خطوط لوله های

نفت و گاز در اقتصاد جهانی بخشیده است (ایزدی، شاه محمدی ۱۳۹۳ (۱۵۳) برای ایران که یک دهه از تحریم های سازمان ملل را از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ تجربه کرده و بار دیگر هدف تحریم های ایالات متحده قرار گرفته است. اتصال مجدد به دنیای خارج یک اولویت ملی است. در حقیقت این کشور متعهد شده است ۱ درصد درآمدهای نفتی خود را برای سرمایه گذاری های جدید در راه آهن اختصاص دهد (کانتسی، ۲۰۲۰: ۲۰۲۰) (۱) کریدور شمال جنوب که بخش مهمی از آن از خاک ایران می گذرد؛ در حال حاضر یکی از کوتاه ترین کم هزینه ترین و سریع ترین مسیرهای ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا به شمار می رود (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۱۰) کریدور شمال به جنوب که می تواند کالاهای را به هند و بالعکس) منتقل کند یکی از مزایای ژئوپلیتیک ایران است. این مسیر می تواند درآمد قابل توجهی برای

ایران ایجاد کند. دستیابی به چنین درآمدی (سالانه حدود ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده مستلزم توسعه زیر ساخت های راه آهن و جاده ای است. (منشیپوری و حیران نیا، ۲۰۲۱: ۲۸۴)

کریدور یاد شده در حال حاضر از بندر بعیلی در حوزه اقیانوس هند آغاز و از طریق دریا به بندر عباس در جنوب ایران متصل می شود. در داخل خاک ایران کالا های ترانزیتی از طریق حمل و نقل جاده ای یا ریلی به بندر های شمالی کشور انتقال یافته و از مسیر دریای خزر به بندرهای روسیه حمل می شود. از آنجا که این کریدور ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی و روسیه را از طریق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا برقرار می سازد یزدانی و شاه محمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۳ نقش جغرافیایی ایران در این کریدور به نقش



ژئوپلیتیکی تبدیل می شود. قرار گرفتن در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال جنوب در نتیجه برقراری ارتباط ترانزیتی کشورهای روسیه اروپای شرقی مرکزی شمالی، آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و آسیای جنوبی، جنوب شرقی خاور دور، اقیانوسه و کشورهای حاشیه خلیج فارس از طرف دیگر می تواند به عنوان یک مزیت برجسته برای ایران قلمداد شود و به واسطه کوتاهی مسیر و آماده سازی امکانات وزیر ساخت ها و فراهم آوردن تسهیلات گسترده در بخش های مختلف حمل و نقلی، مسیر ایران از جذابیت های فراوانی برای ترانزیت کالا در چارچوب کریدورهای منطقه ای برخوردار است. (صادقی فر، ۱۳۸۸ (۱۳) تلاش های رو به جلوی ایرانی روسی حاکی از آن است که ایران با وجود گمانه زنی های زیادی مبنی بر پیش نویس یک همکاری استراتژیک ۲۵ ساله با یکن در بازی های ژئوپلیتیک آینده اوراسیا، کارت های زیادی را بازی خواهد کرد و این امر، جمهوری اسلامی را به صورت جدایی ناپذیر به چین وصل خواهد کرد (دورسی ۲۰۲۰: ۲) با این حال، ایران یک نقش کلیدی در ارتقای منافع هند در منطقه در مقابل چین و آسیای مرکزی ایفا می کند. به همین دلیل هند با سرمایه گذاری تا سقف ۶۳۵ میلیون دلار برای توسعه بندر عمیق چابهار ایران که تنها بندر ایرانی با دسترسی مستقیم به اقیانوس هند است و می تواند هند را به اوراسیا متصل کند، موافقت کرده است چالیکیان و تاشیجیان ۳۰۲۱: ۳) اگر چه ساختن پیوندهای مناسب در سراسر کشور به کندی پیش می رود، اما موقعیت جغرافیایی و روابط عالی با کلیه اعضای کریدور شمال جنوب، فرصت بی سابقه ای برای تبدیل شدن به یک بازیگر اصلی حمل و نقل به تهران می دهد (کانتسی ۲۰۲۰: ۱) همچنین مناطق آزاد و بندرهای دریایی در مسیر کریدور شمال عنوان پل های ارتباطی مهم از نظر ژئوپلیتیکی عمل می کنند. از طرف ایران در موقعیت خاص ژئوپلیتیکی می تواند به یک پل ارتباطی میان کشورهای عضو بریکس تبدیل شود. با این وجود چالش های نیز برسر را موقعیت ژئوپلیتیک ایران وجود دارد که مهمترین

از آنجا که بریکس جزو سازمانهای تحول طلب است ایران آن را در راستای منافع خود به کار میگیرد. در فضای چند قطبی ای که با کاهش قدرت و تاثیر گذاری ایالات متحده همراه است. جمهوری اسلامی ایران زمینه مساعدی را برای تامین منافع ملی خود در عرصه های سیاسی و اقتصادی فراهم می بیند در واقع می توان ادعا کرد، نظم چند قطبی را می توان به نوعی نظم مطلوب والبتنه نه آرمانی جمهوری اسلامی در فضای کلونی بین الملل دانست. شکل گیری زمینه های یک نظام چند قطبی می تواند از زیاده خواهی های تک قطب و رویکرد یک جانبه گرایی آن جلوگیری کند. یکی از پیامدهای مهم این تحولات برای جمهوری اسلامی ایران این است که می تواند بدون تحمل فشارهای آمریکا و در فضای توزیع قدرت نقش منطقه ای و حتی جهانی خود را افزایش دهد. نتیجه دیگر استفاده از مؤلفه های ژئوپلیتیکی و ژنو استراتژیکی، به ویژه منابع عظیم نفت و گاز و قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران است که امکان بازیگری و نقش آفرینی بیش از پیش ایران را در عرصه ی بین المللی فراهم می کند. (نویسی ۱۳۹۳)

### نتیجه گیری

این مقاله به بررسی زمینه های شکل گیری بریکس، اهداف و روش های تاثیر گذاری بریکس بر سیاست و اقتصاد ایران و اختصاص یافته است. همانگونه که ذکر گردید بریکس از سال ۲۰۰۹ فعالیت خود را شروع کرده و گروهی از اقتصادهای نو ظهور که گسترش پدیده جهانی شدن اقتصاد سبب شده تا با روابط و همکاری چند جانبه در جهت تحصیل منافع خود در قالب همکاری های منطقه ای گام بردارند. پیوستن جمهوری اسلامی ایران به بریکس فرصت های بسیاری را برای کشور در زمینه های اقتصادی و سیاسی و بین المللی به وجود می آورد این پیوستن می تواند به تقویت روابط تجاری کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم ها کاهش وابستگی به دلار، با استفاده از ارزهای ملی کشور های عضو، جذب سرمایه گذاری

# BRICS



خارجی بود. (سیمبر، رضا پور، فاضلی (۱۳۹۸) مهمترین مسئله سیاست خارجی ایران طی ۲۰ سال اخیر مخالفت بریکس با تحریم ها و تایید حقوق هسته ای ایران و نیز موضوع همسویی ایران و بریکس در بحران سوریه حاکی از جبهه واحد ایران و اعضای بریکس در مقابل غرب بود. البته مواضع همسویی های ایران و بریکس بسیار بیش از این هاست. تجربه سیاست ایران در مواردی همچون قطع نامه های شورای امنیت در زمان جنگ تحمیلی و پرونده هسته ای نشان داده است که هر گاه ایران با سازمان های بین المللی همکاری بهتری داشته، امنیت ملی و منافع اقتصادی و سیاسی این کشور به شکل مطلوبی تأمین شده است مشیرزاده، ۱۳۹۳، ص ۸۰) تجربه بیش از چهار دهه سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکی از این است که سیاست همگرایی و همکاری جویانه ایران با سازمان های بین المللی ضمن ارتقای جایگاه و بهبود چهره ایران در جهان علاوه بر مشارکت کارگزاران ایرانی در تصمیم سازی این سازمانها، منفعت ملی و امنیت ملی را بهتر تامین می کند. (کریمی فرد، ۱۳۹۲)

وعدم مداخله است زیرا تغییر رژیم و مشروعیت زدایی سیاسی مسئله ای است که آمریکا حتی در قبال خود اعضای بریکس همچون روسیه و چین هم پیگیری کرده است. موضوع مهم دیگر اصلاحات در سازمان های بین المللی به ویژه شورای امنیت است. هند و برزیل دو مورد از محتمل ترین گزینه های ورود به شورای امنیت هستند مهمترین مزیت این است که صدای ایران منفرد صدای نیم درصد اقتصاد جهان است، اما صدای ایران در چارچوب بریکس صدای ۲۵ اقتصاد جهان است ایران با به تاخیر انداختن مقابله فوری با آمریکا و با داشتن صبر راهبردی، می تواند از طریق تعامل راهبردی با نهادهایی همچون بریکس و شانگهای و به کارگیری قدرت آنها، فشارهای آمریکا را کمتر کند. البته این نکته هم مهم است که سازمان هایی همچون بریکس و شانگهای نشان داده اند نه تنها همچون سازمان های تاتو و اتحادیه اروپا به دنبال ادغام امنیتی و اقتصادی اعضای خود نیستند. بلکه اهمیت حق حاکمیت کشورها از اصول آنهاست؛ از این رو نباید نگران از دست رفتن استقلال در سیاست

آنها، بالا بودن ریسک سرمایه گذاری در ایران به عند تحریم های گسترده، قوانین دست و پاگیر گمرکی، توسعه نیافتگی بندرها و مناطق آزاد شمالی و جنوبی ایران است. تحریم های گسترده بین المللی بر علیه ایران احداث کریدور ایران از مبدا چابهار تا سال ۲۰۱۶ به تعویق انداخت. با رفع تحریم های بین المللی با مشارکت کشورهای عضو بریکس اقدامات لازم را برای فعال سازی کریدور جنوبی - شمالی از خاک ایران فراهم شده است که علاوه بر اتصال کشورهای محصور در خشکی اوراسیا در منطقه آسیای مرکزی باعث اتصال بازارهای جنوب آسیا و شبه قاره هند به فدراسیون روسیه و جمهوری های پیرامون آن خواهد شد و حتی توان اتصال هسته مرکزی اوراسیا یا قاره آفریقا را دارد. اویسی (۱۳۹۵) ایران با همکاری در پروژه های نظیر کریدور شمال - جنوب، می تواند به یک هاب ترانزیتی برای تجارت جهانی تبدیل شود این مسیر ها که هند را به روسیه و اروپا متصل می کنند، می توانند از بستر بریکس برای تقویت جایگاه جغرافیایی ایران بهره مند شوند.

### مزایای سیاسی بریکس برای ایران

در بعد سیاسی، همکاری و عضویت ایران در بریکس یعنی همکاری با جمعیت های اول و دوم جهان، سه قدرت هسته ای، دو عضو دائم شورای امنیت وسیع ترین کشور جهان قدرت های اول آمریکای لاتین و آفریقا، دومین اقتصاد جهان و مزیت های بسیار دیگر هر چند مهمترین مسئله سیاسی مشترک بین ایران و بریکس تک روی و یک جانبه گرایی آمریکا است. حوزه های همسویی در مسائل بین المللی بسیار متنوع تر از این است. اعضای بریکس، غیر از روسیه، عضو اصلی یا ناظر جنبش عدم تعهد هستند. یکی از همسویی های مشترک بین ایران و بریکس مخالفت با مسئله تغییر رژیم است. همان طور که اشاره شد، رمیران بریکس بارها مخالفت خود را با رویکرد غربی ها در مورد تغییر رژیم های مخالف اعلام کرده اند. رویکرد بریکس به بحث ساختارهای سیاسی کشورها، داخلی دانستن



## بررسی راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران

### در قبال اسرائیل

یکتا شفیعی

روش اصلی این پژوهش تحلیلی-توصیفی است. واژگان کلیدی: ایران - اسرائیل - امنیت ملی - تهدیدات اسرائیل - راهبردهای امنیتی

مقدمه

امنیت ملی یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست‌گذاری هر کشوری است که تحت تأثیر تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. در این میان، روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل به دلیل تضادهای عمیق ایدئولوژیک، سیاسی و امنیتی، به یکی از مهم‌ترین موضوعات عرصه سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را تهدیدی جدی برای امنیت منطقه‌ای و ملی خود قلمداد کرده و راهبردهای متنوعی را برای مقابله با این تهدیدها اتخاذ کرده است.

اهمیت و ضرورت این تحقیق در آن است که رفتارهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل در قبال یکدیگر تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت منطقه و فراتر از آن دارد و می‌تواند درکی از آینده تحولات امنیتی و سیاسی منطقه ایجاد کند.

در مرور پژوهش‌های پیشین، تأکید بر ارتباطات تاریخی و سیاسی دو کشور و همچنین تحلیل رفتارهای امنیتی

چکیده

راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل مسئله‌ای مهم و حائز اهمیت در عرصه بین‌الملل است؛ چراکه تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت منطقه و فراتر از آن دارد. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، جمهوری اسلامی ایران با توجه به تهدیدات مختلفی که از سوی رژیم اسرائیل صورت گرفته، مجموعه‌ای از استراتژی‌ها را برای مقابله با این تهدیدات اتخاذ کرده است. مقاله حاضر سعی در بررسی این استراتژی‌ها دارد.

سؤال اصلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که جمهوری اسلامی ایران چه راهبردهای امنیتی را در قبال اسرائیل اجرا می‌کند؟

فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال مطرح می‌شود این است که پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران راهبردهای امنیتی متعددی اتخاذ کرده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حمایت از گروه‌های نیابتی در سطح منطقه، تقویت ظرفیت‌های دفاع سایبری، به‌کارگیری ابزار نظامی و بازدارندگی اشاره کرد. این راهبردها در راستای حفظ امنیت ملی و مقابله با تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم اسرائیل اعمال شده‌اند.

(برنامه ریزی منطقه ای). شماره ۰۴ صص ۱۱۸ - ۱۰۷  
۱۰ مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۲). مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهشی.

۱۱ خرمشاد محمد باقر، سیفی، عبدالرضا (۱۳۹۸). بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - فصلنامه تحقیقاتی سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۰، صص ۲۶ - ۵۳

۱۲ ایزدی، جهانبخش مطهری خوشیانی، مصطفی (۱۳۹۴). ائتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران

۱۳ کریمی فرد، حسین. (۱۳۹۲) جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.

۱۴ ویسی، هادی (۱۳۹۵). بررسی رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی جنوبی اوراسیا: مزیت پاکستان و ایران در ایجاد کریدور شمالی ها و تهدید ها (

WWW.paydary melli.ir, ۱۳۹۴

گروه بریکس چیست اهمیت و زمینه های همکاری با ایران

16. Glosny Michael A. (2010) «china and the Brics: A Real (but limited)

17. O'Neill, J.(2001). Building Better of global economic BRICS. Global Economics paper, 66, 1 16. Rachman, AMERICAN DECLINE. PP.43. Available at: <https://foreignpolicy.com/2011/01/03think-again-american-decline> short History BRICS Available at:<http://forum.china.org.cn>.

19. Ballard, Narclay (2020) «Failure to welcome new members could render the BRICS association irrelevant\_here's why», Word Finance, <https://b2n.ir/781222>

خارجی در حوزه انرژی و ترانزیت کالا و تقویت موقعیت ایران در سطح جهانی با کمک و حمایت کشورهای عضو بریکس مانند روسیه و چین که دو عضو دائم شورای امنیت هستند و مقابله با یک جانبه‌گرایی آمریکا و پیشینه کردن صدای ایران در سازمان‌های بین‌المللی و مشارکت در تصمیم‌سازی این نهادها و سازمان‌ها تا بتواند در راستای تامین هر چه بیشتر منافع ملی گام بردارد. ایران با رعایت این موارد می‌تواند از ظرفیت‌های موجود در بریکس به اهداف بلند مدت خود دست پیدا کند.

منابع

۱ نور علی، حسن احمدی، سید عباس (۱۴۰۱). (واکاوی نقش ژئوپلیتیکی ایران در کریدور های بین‌المللی و ارائه مدل ایران مارتند کریدوری جهان

۲ جعفری، علی اکبر، فلاح، مهرداد. (۱۳۹۵). (قدرت اقتصادی بریکس و بدیل برای اقتصاد لیبرال غرب)

۳ صادقی، سجاد. (۱۴۰۲). نگاه ایرانی به بریکس و تحولات نظام بین‌الملل: رویکرد سنجی مقالات علمی پژوهشی ایرانی در حوزه روابط بین‌الملل)

۴ شیرخانی محمد علی چیت‌ساز محسن (۱۳۹۹). روسیه، بریکس و تأثیر گذاری بر ساختار نظام بین‌الملل)

۵ اشتری، مهدی پور قصاب امیری، علی، ابوبی، فخر الدین. (۱۳۹۹). تقابل چند جانبه‌گرایی و یکجانبه‌گرایی در جامعه جهانی فصلنامه علمی جامعه‌شناسی ایران شماره اول، صص ۲۲۸۰ - ۲۳۶۷

احمدی، حسین، ریاضی، مهدی (۱۴۰۲). (آینده گروه بریکس و تأثیر راهبردی آن بر نظم پولی و مالی جهان سیمبر، رضا، پور، دانیال، فاضلی، سامان (۱۳۹۸). فرصت‌های ایران در قبال نقش آفرینی گروه بریکس در نظام بین‌الملل چند قطبی).

۸ سعیدی، رضا سعیدی، خلیل، دهقانی، علی. (۱۳۹۲). (امکان سنجی ایجاد موافقتنامه تجارت ترجیحی ایران با کشورهای بریکس) فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۹، صص ۱۳۰

و خردمندان، آرزو، یوسفی بهرام شهابی، روح اله اجلال پور شیوا، (۱۳۹۹). عضویت جمهوری اسلامی در بریکس محدودیت‌ها و فرصت‌ها فصلنامه جغرافیا

ایران در مقابل تهدیدات اسرائیل مشاهده می‌شود؛ با این حال، خلأهایی در تحلیل‌های موجود وجود دارد که نیازمند توجه بیشتر است و این مقاله تلاش دارد با نگاهی منسجم و مستند، این خلأها را پر کند.

این مقاله به ساختاری منظم تقسیم شده است: در بخش اول به تاریخچه و زمینه‌های تاریخی درگیری‌های ایران و اسرائیل پرداخته می‌شود؛ در بخش دوم راهبردهای امنیتی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و در بخش سوم به چالش‌های امنیتی پیش‌روی ایران در منطقه اشاره می‌شود.

امید است این پژوهش بتواند بینش‌های جدیدی در حوزه روابط ایران و اسرائیل ارائه داده و به غنای دانش موجود کمک کند.

#### ۱. تاریخچه روابط بین ایران و اسرائیل

##### ۱-۱. حضور یهودیان در ایران

به لحاظ تاریخی، یکی از نخستین همکاری‌ها و تماس‌های مشترک و متقابل میان ایرانیان و یهودیان به سال ۸۹۷ قبل از میلاد بازمی‌گردد. زمانی که بخت‌النصر، پادشاه بابل، به اورشلیم حمله کرد، آنجا را غارت نمود و هزاران یهودی را اسیر کرده به بابل برد. در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، کوروش کبیر، امپراتور هخامنشی، حکومت بابل را سرنگون کرد و یهودیان را آزاد ساخت. کوروش به یهودیان و خانواده‌های آنان اجازه داد به سرزمین خویش بازگردند؛ اما برخی از یهودیان در بابل باقی ماندند و گروه‌هایی نیز به تدریج وارد ایران شدند.

انعطاف و تساهل حاکمان ایرانی بسیاری از یهودیان را قادر ساخت در کارهای مختلف اشتغال یابند. تعداد زیادی از آنان رشد کردند، از دارایی فراوان برخوردار شدند و استقلال مذهبی داشتند. اما در زمان حکومت ساسانیان و با افزایش مداخله روحانیون زرتشتی در امور دولت، نفوذ قوم یهود تضعیف شد و محدودیت‌هایی برای آنان وضع گردید.

در اواسط قرن هفتم میلادی، با سقوط امپراتوری ساسانی، وضعیت یهودیان نیز متحول شد. آن‌ها به‌عنوان اقلیت‌های غیرمسلمان از حقوق برابر با مسلمانان برخوردار نبودند، ولی حکومت تأمین امنیت آن‌ها را بر عهده داشت.

با روی کار آمدن صفویان در قرن شانزدهم میلادی، مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی برگزیده شد و طبقه‌ای مذهبی با قدرت گسترده ایجاد گردید که در

تمامی حوزه‌های زندگی تأثیرگذار بود.

دوران سخت‌گیری‌های مختلفی نسبت به یهودیان اعمال شد که با سقوط صفویان این سخت‌گیری‌ها کاهش یافت، اما مجدداً در زمان سلسله قاجار این فشارها احیا شد. (شهبازی، ۱۳۹۳: ۹۲)

##### ۱-۲. روابط ایران و اسرائیل در دوران پهلوی

در فاصله ماه مه ۱۹۲۸، زمان تأسیس رژیم اسرائیل، تا ماه مارس ۱۹۵۰، زمانی که ایران دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت، سیاست ایران در قبال اسرائیل نامشخص بود.

از سویی، با توجه به قدرت نیروهای اسلامی در داخل کشور و احساسات عمیق اسلامی که در تار و پود جامعه ریشه دوانده بود، حکومت پهلوی نمی‌توانست تا مدت‌ها هیچ‌گونه حرکتی برخلاف منافع مسلمانان انجام دهد.

وضعیت نیروهای موافق و مخالف رژیم اسرائیل به گونه‌ای بود که حکومت پهلوی جسارت شناسایی اسرائیل را نداشت. هرچند در اظهارنظرهای رسمی، به طور قطعی درباره شناسایی یا عدم شناسایی سخنی گفته نمی‌شد، با این حال دولت شاهنشاهی ایران در اسفندماه ۱۳۲۸، یعنی یک سال و اندی پس از برپایی رژیم اسرائیل، آن را به‌صورت دو فاکتو به رسمیت شناخت.

بخشی از نیروها، مخالف روابط ایران و اسرائیل و شناسایی دو فاکتو بودند. این مخالفت‌ها شامل مخالفت‌های مردمی، علما و روحانیون و احتمالاً بخشی از درون حاکمیت از جنبه داخلی، و نیز مخالفت و فشار کشورهای عربی و اسلامی از جنبه خارجی می‌شد.

تا اینکه در سال ۱۹۵۱، دکتر مصدق با توجه به اصل موازنه منفی و نیز اعتراضات مردم و برخی نمایندگان مجلس، شناسایی دو فاکتوی اسرائیل را پس گرفت و طی اعلامیه‌ای، قطع رابطه با رژیم اسرائیل را به اطلاع عموم رساند.

قطع روابط ایران و اسرائیل، اسرائیلی‌ها و طرفداران انگلیسی آن‌ها را در مقابل مصدق و نهضت ملی شدن صنعت نفت قرار داد. اما با سقوط دولت ملی و متعاقب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و قدرت‌یابی مجدد محمدرضا پهلوی، به تدریج مناسبات ایران و اسرائیل برقرار شد.

روابط ایران و اسرائیل در واقع نمودی برجسته از پنهان‌کاری‌های سیاسی و ظاهرسازی‌های عوام‌فریبانه بود و در این دوره، سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل بر این اساس قرار داشت که ایران و اسرائیل در پایتخت‌های یکدیگر نمایندگان فعال و حضور جدی داشتند؛ اما حتی زمانی که روابط به بالاترین سطح خود رسیده بود نیز برای جلوگیری از اعتراضات اعراب، روابط به‌طور غیررسمی و محرمانه دنبال می‌شد و هیچ‌گاه رسمیت نیافت.



در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲، به دلیل بی‌ثباتی سیاسی کشور و حرکت‌های مذهبی مردم علیه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید - که در نهایت به قیام ۱۵ خرداد انجامید - اتحاد استراتژیک آمریکا، ایران و اسرائیل با چالش بزرگی روبه‌رو شد و مناسبات دو جانبه ایران و اسرائیل بیش از پیش به حالت مخفیانه درآمد؛ به‌گونه‌ای که محرمانه بودن روابط به ویژگی اصلی آن تبدیل شد.

پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، امام خمینی (ره) همراه جمعی از مراجع حوزه علمیه قم اعلامیه‌ای صادر کردند که در آن، علما موظف دانسته شدند از اسرائیل برائت جویند و خطرهای به رسمیت شناختن اسرائیل را به جهان اسلام گوشزد کنند.

آنچه مسلم است این است که مناسبات ایران و اسرائیل یکی از مهم‌ترین مسائلی بود که بر نارضایتی مردم از رژیم پهلوی دامن زد و به همین جهت سهم بزرگی در پیروزی انقلاب اسلامی داشت. در نهایت با پیروزی انقلاب اسلامی، اسرائیلی‌ها ناچار شدند برای همیشه ایران را ترک کنند و به این ترتیب، روابط سی‌ساله ایران و اسرائیل پایان یافت. (شهبازی، ۱۳۹۳: ۹۴)

۱-۳. روابط ایران و اسرائیل بعد از انقلاب اسلامی  
وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، جهت‌گیری سیاست خارجی کشور را دگرگون کرد. ایران از غرب و آمریکا فاصله گرفت و به سوی حمایت از مسائل جهان سوم، ضدیت با استعمار و عدم تعهد حرکت کرد. در این راستا، شناسایی دو فاکتوی حکومت قبل از رژیم اسرائیل را پس گرفت و آن را غده سرطانی نامید که باید از میان برداشته شود. همچنین هرگونه رابطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با این رژیم را قطع کرد. از آن زمان تاکنون، دولت ایران موجودیت اسرائیل را نپذیرفته و به‌طور طبیعی با آرمان فلسطین در مبارزه علیه اسرائیل همدلی جدی نشان می‌دهد. از پیروزی انقلاب تاکنون، مبارزه با رژیم اسرائیل در صدر برنامه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است.

از دیدگاه امام خمینی (ره)، اگر تشکیل حکومت اسلامی اولویت نخست در داخل کشور بود، در خارج از کشور، آزادی بیت‌المقدس و سرزمین فلسطین مهم‌ترین دغدغه فکری و سیاسی ایشان را تشکیل می‌داد. ایشان با اشاره به پیوند صهیونیست‌ها با بزرگ‌ترین

سرمایه‌داران غرب، به‌ویژه آمریکا، خاستگاه و علت پیدایش اسرائیل را چنین بیان می‌کنند: که اسرائیل با تبنی و هم‌فکری دولت‌های استعمارگر غرب و شرق ایجاد شد، برای سرکوب و استعمار ملت‌های اسلامی به وجود آمد و امروز از سوی همه استعمارگران حمایت و پشتیبانی می‌شود.

انگلیس و آمریکا با تقویت نظامی و سیاسی اسرائیل و قرار دادن سلاح‌های مرگبار در اختیار این رژیم، آن را به تجاوزات پی‌درپی علیه اعراب و مسلمانان تحریک می‌کنند.

با این حال، اسرائیل در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی مایل به قطع رابطه با ایران نبود و جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران، زمینه‌ای مناسب برای تداوم این رابطه فراهم آورد؛ اما رفتار و الگوی سیاست خارجی ایران با تأکید بر ارزش‌های اسلامی در برخورد با رژیم اسرائیل همچنان پابرجا بود.

در آن زمان بسیاری از دست‌اندرکاران اسرائیلی بر این باور بودند که از آنجا که برقراری صلح با کشورهای عربی ناممکن است، اسرائیل باید پیوندها و ارتباطاتش با ایران را ادامه دهد. اما مذاکرات صلح نشان داد که برقراری صلح با اعراب غیرممکن نیست و از این زمان، اسرائیل رویکرد جدیدی نسبت به جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد.

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرصت مناسبی در اختیار اسرائیل قرار داد تا دشمنی خود با ایران را تشدید کند. به اعتقاد اسرائیل، محیط بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر این امکان را فراهم کرد تا این رژیم مبارزه خود با فعالیت‌های حماس و حزب‌الله را از مرزهای اسرائیل و حتی خاورمیانه فراتر ببرد و در سطح بین‌المللی دنبال کند. هدف اصلی این روند، حذف دولت‌هایی بود که از این گروه‌ها حمایت می‌کردند؛ یعنی ایران، سوریه و عراق.

در نهایت، پس از سرنگونی رژیم به‌ظاهر ضداسرائیلی صدام حسین در سال ۲۰۰۳، ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین قدرت‌های منطقه‌ای، دشمن اصلی اسرائیل تلقی شد. (شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۰۰)

۲. راهبردهای امنیتی ایران در قبال اسرائیل

۱-۲. حمایت ایران از گروه‌های نیابتی

کشورهایی که دارای اهداف راهبردی معطوف به تغییر وضع موجود باشند یا با اهداف قدرت‌های



بزرگ هماهنگ نباشند، در وضعیت تهدید امنیتی قرار می‌گیرند.

جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهای دارای ژئوپلیتیک تهدید است و به دلیل اهداف امنیتی و راهبردی متفاوت، قدرت‌های بزرگ درصدد کنترل فضای امنیتی آن هستند. همچنین بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان و اسرائیل تلاش زیادی برای محدودسازی و مقابله با راهبردهای امنیتی ایران انجام داده‌اند. موقعیت ژئوپلیتیک ایران، منابع نفت و گاز، توجه به مشکلات امت اسلامی، استکبارستیزی و مبارزه با سلطه غرب موجب شد تا پس از انقلاب، غرب به‌ویژه آمریکا تهدیدات گسترده‌ای را—از جنگ گرفته تا تحریم‌های گوناگون—برای مقابله با ایران طراحی و اجرا کند.

از نظر غرب، نظام جمهوری اسلامی سرسخت‌ترین دشمن آمریکا و اسرائیل در منطقه و جهان است. این کشور جریان انرژی خاورمیانه به سمت غرب را به چالش می‌کشد، روند صلح خاورمیانه را مختل می‌کند، اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و موجودیت آن را زیر سؤال می‌برد و به گروه‌های جهادی کمک‌های مادی و معنوی ارائه می‌دهد. همچنین ایران منادی و ترویج‌دهنده «اسلام سیاسی» است که ارزش‌های

آمریکایی را زیر سؤال می‌برد.

به همین سبب آمریکا تحریم‌های بسیاری علیه ایران وضع کرد و این کشور را به جنگ پیش‌دستانه تهدید نمود و بارها از تغییر نظام در ایران سخن گفت. این اقدامات ایران را تشویق کرد تا قدرت بازدارندگی خود را افزایش دهد.

ایران برای پیشبرد سیاست خارجی خود و مقابله با کشورهای محافظه‌کار منطقه و متولیان «اسلام آمریکایی» و دولت‌های مخالف آرمان فلسطین، در دوره جنگ سرد از ابزارهای متعارف روابط بین‌الملل استفاده نکرد.

دشمنی با دو ابرقدرت در نظام اعتقادی تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران موجب شد بدون استفاده از ابزارهای رایج سیاست خارجی در نظام دو قطبی—مانند اتحاد با یکی از ابرقدرت‌ها علیه دیگری—به اتخاذ سیاست‌های تهاجمی و مقابله‌جویانه منطقه‌ای روی آورد.

سیاست رادیکال صدور ارزش‌های انقلاب به مناطق مختلف و دفاع از مسلمانان جهان و نهضت‌های آزادی‌بخش، ضمن برانگیختن سوءظن ابرقدرت‌ها، نگرانی عمیقی در دولت‌های اسلامی—که عمدتاً رژیم‌های غیردموکراتیک داشتند—ایجاد کرد و

موجب انزوای بین‌المللی ایران شد. در واقع ایران با توانایی‌های محدود در برابر نظام بین‌الملل قرار گرفت. در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، نه تنها کشورهای عربی بلکه دو ابرقدرت شرق و غرب نیز به حمایت از صدام پرداختند. یکی از مهم‌ترین نتایج این جنگ آن بود که زمامداران جمهوری اسلامی دریافتند نمی‌توانند هم‌زمان در تمامی جبهه‌ها به مبارزه بپردازند.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، ساختار دو قطبی نظام بین‌الملل از بین رفت و ایالات متحده در موقعیت تنها ابرقدرت جهان قرار گرفت. بسیاری از کشورهای بلوک شرق راهی جز پذیرش لیبرال‌دموکراسی آمریکایی نداشتند و در این میان، وضعیت کشوری همچون ایران که خود را در تعارض با ابرقدرتی مانند آمریکا می‌دید، دشوارتر شد؛ زیرا بر اساس اصول اعتقادی و آرمانی خود نمی‌توانست با استقرار نظام تک‌قطبی که در ناعدالتی‌های نظام پیشین سهیم بود، موافقت کند.

از آن پس، عامل تعیین‌کننده سیاست خارجی ایران ضدیت ایدئولوژیک با آمریکا بود؛ اما ایران با استفاده از تجربه‌هایی که در جنگ با عراق به دست آورده بود، دریافت برای مقابله با تهدیدات آمریکا و غرب، نیازمند ابزارهای جدید است و برای مبارزه با دشمن اصلی خود—یعنی آمریکا و متحد منطقه‌ای‌اش، اسرائیل—باید به سیاست ائتلاف با دیگر بازیگران روی آورد.

پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۹ از یک‌سو و فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ از سوی دیگر این زمینه را فراهم ساخت.

در واقع، پایان نظام بین‌الملل دو قطبی، شرایط جدید امنیتی را در محیط منطقه‌ای ایران به وجود آورد و موجب شد سمت‌گیری سیاست خارجی ایران از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی و ائتلاف‌سازی تغییر کند. به عبارتی، اهداف جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر تحولات نظام بین‌الملل و به‌منظور تأمین ضرورت‌ها و نیازمندی‌های فوری کشور تغییر شکل داد؛ گرچه در داخل، همچنان گفتمان تکلیف‌محور مبتنی بر اصول ایدئولوژیک غالب بود.

برای مثال، ایران در قبال تحولات آسیای مرکزی و قفقاز با در نظر گرفتن ملاحظات روسیه، سیاست خارجی عمل‌گرایانه‌ای اتخاذ کرد که در جنگ داخلی تاجیکستان، بحران چین و مسأله قره‌باغ قابل مشاهده است.

از سوی دیگر، پس از جنگ سرد، کشورهای انقلابی

و ناراضی برای مقاومت در برابر فشار نظام بین الملل و تأثیرگذاری بر محیط منطقه‌ای ناچار بودند ابزارهای متنوع‌تری به دست آورند.

کشورهای انقلابی به دلیل محدودیت‌های گسترده، به راحتی قادر به تأمین چنین ابزارهایی نبودند و نمی‌توانستند به سراغ انعقاد پیمان‌های دفاع منطقه‌ای بروند. اگر کشوری دارای رویکرد تجدیدنظرطلبانه باشد، تنها قادر است بازیگران فراملی و نیروهای اجتماعی را تحت تأثیر اراده سیاسی، دفاعی و امنیتی خود قرار دهد.

بنابراین، کشورهایی که دارای جهت‌گیری‌های رهایی‌بخش هستند، برای تحقق اهداف خود باید استراتژی و مخاطبان جدیدی بیابند.

بر این اساس، ایران تلاش کرد برای پیشبرد راهبرد سیاست خارجی مقابله‌گرایانه خود، بر گروه‌ها و جنبش‌های ضد استکباری و ضد صهیونیستی منطقه سرمایه‌گذاری کند.

ایران با رویکردی عمل‌گرایانه به سیاست متعارف اتحاد و سپس موازنه‌بخشی برای مقابله با آمریکا روی آورد تا از پذیرش الزامی شرایط نظام تک‌ابردتی پس از جنگ سرد اجتناب کند. به بیان دیگر، جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه حکومت اسلامی و خصومت با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل، برای رعایت اصل خودیاری و ایجاد بازدارندگی در برابر آمریکا و متحدانش—که از نظر توان متعارف نظامی دست برتر را داشتند—به راهبرد تأسیس و حمایت از گروه‌های نیابتی روی آورد تا این گروه‌ها را به‌عنوان ابزارهایی نامتقارن برای تأمین منافع و جلوگیری از تهدید خارجی به‌کار گیرد.

به بیان دیگر، بسیج گروه‌های همسو با ایدئولوژی جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای ایران به‌عنوان یک راهبرد در سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفت و ایران تلاش کرد با تشکیل و ساماندهی متحدان غیردولتی، در برابر سیاست‌های خصمانه آمریکا ایستادگی کند. به‌گونه‌ای که ورود گروه‌های نیابتی به رقابت ایران و غرب، به داستانی طولانی تبدیل شد که از فردای فروپاشی شوروی تاکنون ادامه دارد.

در واقع، کارویژه دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران—به‌عنوان نمادی از قدرت انتقادی در برابر قدرت‌های سلطه‌جو—مبتنی بر نقد و مخالفت با تحرکات قدرت هژمون در نظام بین‌الملل است و گروه‌ها و جنگ‌های نیابتی بخشی از واقعیت



سیاست‌گذاری راهبردی ایران در خاورمیانه را تشکیل می‌دهند.

ایران دارای مرزهای جغرافیایی گسترده است و در جوار همسایگان تهدیدکننده قرار دارد و به همین دلیل نیاز بیشتری به توازن قوا در برابر دشمنان احساس می‌کند. از این رو، در غیاب دولت‌های مستقل و مخالف هژمون منطقه‌ای، به همکاری استراتژیک با گروه‌های غیردولتی مخالف نظام سلطه در خاورمیانه نیاز داشته تا بتواند در برابر فشارهای همه‌جانبه ایالات متحده و متحدانش از موجودیت، امنیت و منافع ملی خود دفاع کند.

در مجموع، فروپاشی نظام دو قطبی و پایان جنگ تحمیلی با رژیم صدام باعث شد که جمهوری اسلامی ایران ورود مستقیم به جنگی دیگر را در اولویت آخر

نفوذ موساد و سایر سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل در ایران، تأثیرات منفی بر اقتصاد کشور دارد. این نفوذها می‌توانند باعث افزایش فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران شوند که در نهایت به تضعیف اقتصاد کشور می‌انجامد. علاوه بر این تحریم‌ها، عملیات‌های خرابکارانه در تأسیسات استراتژیک می‌تواند به کاهش تولید و صادرات نفت و گاز و افزایش هزینه‌های امنیتی منجر شود. (جعفری، ۱۴۰۳: ۱۳-۱۴)

#### نتیجه‌گیری

بررسی راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل، نشان‌دهنده پیچیدگی‌های طولانی‌مدت و تنش‌های مستمر میان این دو کشور است که بر اساس نیازهای امنیتی، ایدئولوژیک و استراتژیک شکل گرفته است.

این راهبردها، که شامل:

حمایت از گروه‌های نیابتی،

تقویت قابلیت‌های دفاع سایبری،

اقدامات نظامی و بازدارندگی

است، با هدف کاهش تهدیدات امنیتی اسرائیل و حفاظت از منافع ملی ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی طراحی شده‌اند.

ایران تلاش می‌کند تا با ایجاد توازن در قدرت‌های منطقه‌ای و کاهش تهدیدات احتمالی، امنیت خود را تأمین کند؛ با این حال، راهبردهای امنیتی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که می‌توانند بر موفقیت و کارآمدی آن‌ها تأثیر بگذارند.

تهدیدات اطلاعاتی و سایبری و آسیب‌پذیری‌های امنیت داخلی، عواملی هستند که می‌توانند کارآمدی این راهبردها را تضعیف کنند. از سوی دیگر، اقدامات موساد و دیگر سازمان‌های اطلاعاتی در قالب نفوذ جاسوسی و تهدیدات امنیتی، به ویژه در حوزه‌های اطلاعاتی و سایبری، همواره یک عامل تهدیدکننده برای ایران بوده است.

این تهدیدات علاوه بر تأثیر بر امنیت ملی ایران، می‌توانند توازن امنیتی در خاورمیانه را به چالش کشیده و تنش‌های سیاسی داخلی، چالش‌های اقتصادی و پیچیدگی در روابط بین‌المللی ایران ایجاد کنند.

در نهایت، تحلیل حاضر نشان می‌دهد که ایران باید با رویکردی چندوجهی:

سیاست امنیتی-دفاعی خود قرار دهد و راهبرد بهره‌گیری از گروه‌ها و ایدئولوژی‌های مقاومت غیردولتی را متناسب‌ترین گزینه برای مقابله با خطرات خارجی بداند.

چالش‌های امنیتی و اطلاعاتی ایران، تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست‌های داخلی کشور دارند. این چالش‌ها می‌توانند به افزایش فشار بر دولت و نهادهای امنیتی برای انجام اصلاحات و تقویت امنیت داخلی منجر شوند. همچنین، این چالش‌ها ممکن است باعث تغییرات در سیاست‌های امنیتی و اطلاعاتی و افزایش تمرکز بر مقابله با تهدیدات خارجی شوند.

تأثیر بر اقتصاد کشور



## موانع سرمایه گذاری خارجی در ایران

### فاطمه امرایی

گذاری خارجی در ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می باشد چرا که با ورود سرمایه های خارجی منابع مالی جدیدی وارد چرخه ی اقتصادی کشور میشود که این خود منجر به توسعه ی زیر ساختها میشود و علاوه بر آن زمینه های ورود فناوری های پیشرفته در کشور ایجاد فرصتهای شغلی جدید و کاهش نرخ بیکاری و... را به دنبال دارد. با این حال موانع و چالشهای متعددی در مسیر جذب این سرمایه ها وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد این مقاله به تحلیل عمیق موانع و زمینه های توسعه سرمایه گذاری خارجی در ایران پرداخته و در صدد شناسایی عوامل مؤثر در این حوزه است. تحقیق در زمینه سرمایه گذاری خارجی و شناسایی موانع آن نه تنها ضرورت اقتصادی دارد بلکه به دلیل اهمیت آن در بهبود وضعیت معیشتی جامعه و توسعه پایدار کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. هدف اصلی این پژوهش تبیین موانع موجود و معرفی زمینه های مساعد برای جلب سرمایه گذاران خارجی به ایران است. با شناسایی این موانع میتوان سیاست ها و راهکارهای مناسبی برای جذب هر چه بیشتر سرمایه گذاری خارجی تدوین نمود. پژوهشهای پیشین در این حوزه عمدتاً به بررسی جنبه های مختلف سرمایه گذاری خارجی و تحلیل اثرات آن بر رشد اقتصادی کشورها پرداخته اند اما بسیاری از این مطالعات به طور خاص بر روی ایران و موانع توسعه سرمایه گذاری خارجی در این کشور تمرکز نداشته اند. این مقاله سعی دارد تا با

چکیده  
سرمایه گذاری خارجی یکی از عوامل کلیدی توسعه ی اقتصادی کشورها به شمار میرود در دهه های اخیر بسیاری از کشورها با جذب سرمایه های خارجی توانسته اند به رشد پایدار اقتصادی دست یابند و موقعیت خود را در بازارهای جهانی تقویت کنند. ایران نیز با داشتن منابع غنی و بازار بزرگ ، پتانسیل بالایی برای جذب سرمایه گذاران خارجی وجود دارد. اما در عمل موانع متعددی بر سر راه این جذب سرمایه وجود دارد که میتواند روند توسعه اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. پرسش اصلی این پژوهش این است که چه موانعی بر سر راه توسعه ی سرمایه گذاری خارجی قرار دارد؟ فرض تحقیق مذکور بر این است. که با شناسایی موانع موجود ایران، در مسیر یک توسعه ی اقتصادی پایدار قرار بگیرد. روش مورد استفاده در این تحقیق تحلیلی - توصیفی است

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، زیر ساخت ها، سرمایه گذاریهای خارجی، تحریم اقتصادی، توسعه ی اقتصادی

### مقدمه

توسعه سرمایه گذاری خارجی به عنوان یکی از ارکان اساسی اقتصادهای مدرن نقشی حیاتی در پیشبرد اهداف توسعه ای کشورها ایفا میکند در این راستا ایران با پتانسیلهای منحصر به فرد خود میتواند مکانی جذاب برای سرمایه گذاران خارجی باشد. توسعه ی سرمایه

۳۳، ص ۱۶۵  
شکوری، ابوالفضل وزیربان و امیرحسین (۱۳۹۸)، احیای قدرت منطقه ای ایران (۲۰۰۵-۲۰۱۷)، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۳۸، ص ۱۶-۱۸  
زمانیان، علیرضا، اسماعیلی، محسن و ابراهیمی میثم (۱۴۰۲)، دفاع در عمق راهبردی ایران برای مقابله با رژیم صهیونیستی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه نظریه پردازی، شماره سوم، ص ۱۲۴  
قیصری، نوراله خضری و احسان (۱۳۹۵)، سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی، شماره ۳۷، ص ۷۰  
غلامی، سعید (۱۳۹۸)، دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۷، شماره ۱۰۷، ص ۱۴۲  
عسگرخانی، ابومحمد حق شناس و محمدرضا (۱۳۹۰)، تهدیدهای منطقه ای و راهبردهای تسلیحاتی-امنیتی ج.ا.ا، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۹، شماره ۳۳، ص ۹۰-۹۱  
کرمی، رضا جوادزاده و محمد (۱۳۹۱)، چالش های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر مجموعه امنیتی پیرامونی، فصلنامه علمی پژوهشی، سال ۱۱، شماره ۴۰  
جعفری هزارانی، نورالدین (۱۴۰۳)، چالش های امنیتی و اطلاعاتی ایران در منطقه با نفوذ موساد و سایر سازمان های اطلاعاتی اسرائیل، ص ۱۰-۱۴

زیرساخت های دفاعی و امنیتی خود را تقویت کند، همکاری های بین المللی و منطقه ای را بهبود بخشد، و به ویژه در حوزه های اطلاعاتی و سایبری از ظرفیت های بیشتری بهره برداری کند.

در غیر این صورت، چالش های موجود می توانند اثرات منفی و عمیقی بر امنیت ملی ایران و ثبات منطقه ای داشته باشند.

### فهرست منابع

شهبازی، الهام (۱۳۹۳)، ایران و اسرائیل: از همکاری تا نزاع، خردنامه، شماره ۱۲، ص ۹۳  
رومی، فرشاد کاظمی و احسان (۱۴۰۰)، جایگاه گروه های نیابتی در راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی سیاست جهانی، شماره اول، ص ۱۴۲-۱۴۶  
سجادی، وحید آذر و داوود (۱۳۹۹)، ارتقای توان مقابله ارتش جمهوری اسلامی ایران با عملیات سایبری ارتش آمریکا، فصلنامه علوم و فنون نظامی، شماره ۵۱، ص ۱۳

سپهری، محمد (۱۴۰۰)، تدوین راهبردهای دفاع سایبری در برابر تهدیدهای آتی دشمن در افق چشم انداز ۱۴۰۵، آینده پژوهی دفاعی، سال ۶، شماره



بررسی دقیق تر و جامع تر به این خلاء پژوهشی پردازد

ساختار مقاله به گونه ای طراحی شده که در بخش اول به شناسایی موانع کلیدی پیش روی سرمایه گذاری خارجی در ایران پرداخته خواهد شد. در بخش دوم بررسی زمینه های مثبت و فرصت های موجود برای توسعه سرمایه گذاری خارجی مورد توجه قرار خواهد گرفت. همچنین در انتهای مقاله جمع بندی و پیشنهادات عملی برای ارتقاء وضعیت سرمایه گذاری خارجی و رفع موانع موجود ارائه خواهد شد. با توجه به این رویکرد امید است که این تحقیق بتواند به عنوان منبعی مفید برای سیاستگذاران و پژوهشگران در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد.

۱- تعریف مفاهیم

### اقتصاد مقاومتی

اقتصادی تاب آور و پایدار بهترین و مناسب ترین تعریفی که میتوان از اقتصاد مقاومتی ارائه داد یک اقتصاد تاب آور و پایدار است. به عبارت دیگر هر دو مفهوم تاب آوری و پایداری مفاهیمی هستند که در ق الب واژه ی اقتصاد مقاومتی تجمیع یافته اند. بر این اساس میتوان گفت اقتصاد مقاومتی آنچنان اقتصادی است که ظرفیت مقابله با نا اطمینانها و تکانه های داخلی و خارجی، اعم از تکانه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بلاای طبیعی را در خود ایجاد کرده است و میتواند تحت وقوع شرایط دشوار به روند رشد و شکوفایی خود در حد قابل قبولی ادامه داده و به سرعت به سوی تعادل پایدار اولیه باز گردد. با توجه به تعریف فوق، امر چگونگی تخصیص بهینه ی منابع محدود جامعه که چنانچه تکانه ای وارد شود کمترین آسیب رسانی را داشته باشد تاب آوری اقتصادی ( )، به همراه مسئله چگونگی متن خسارت تحمیل شده و بازسازی سریع ظرفیتهای تولیدی و منظور بازگشت به شرایط تعادل اولیه پایداری اقتصادی، در مجموع اقتصاد مقاومتی را شکل می دهند. (نوفرستی، ۱۶۰، ۱۳۹۵)

۱-۲- زیر ساخت ها

زیر ساختها شاهر گهای تعیین کننده ی بقای جوامع در دنیای امروز هستند. این شریان ها برای تولید و توزیع کالاها و خدمات در سکونتگا هها به کار میروند و امکان زندگی در شهرها و روستا ها نیز بستگی به کیفیت و کمیت کارکرد این شریانها دارد (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۴).

۳-۱- سرمایه گذاری خارجی

تعاریف زیادی درباره سرمایه گذاری خارجی وجود دارد که برخی عبارتند از:

الف- منظور از سرمایه خارجی تولید فرآورده هایی است که بتوان آن را در بازار عرضه کنیم یعنی تولید کا لایی که برای بنگا ههایی که سرمایه گذاری کرده اند تولید درآمد کنند.

ب- انتقال وجوه یا مواد از یک کشور به کشور دیگر جهت استفاده از تاسیسات یک بنگاه اقتصادی در کشور میزبان در برابر مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم در سود بنگاه معادل است با بکارگیری سرمایه خارجی در یک بنگاه اقتصادی موجود یا جدید پس از اخذ مجوز سرمایه گذاری که به صورت سرمایه گذاری در تولید و ساخت کالا استخراج مواد خام تاسیس و گسترش نهاد مالی و ... در فراسوی مرزهای ملی انجام میشود بنابراین اهمیت سرمایه گذاری خارجی بر توسعه کشور قابل انکار نیست تا حدی که بدون آن توسعه حداقل در کشورهای در حال توسعه امکان پذیر نیست امروز حتی کشورهای صنعتی هم برای جذب سرمایه گذاران در هر کشوری پس از مالکیت خصوصی دارای بیشترین اهمیت است. حسین امامی روزنامه ایران باید توجه نمود که برای استفاده بهتر از سرمایه گذاری خارجی باید شرایط و محیط آماده باشد میتوان در کنار آماده کردن محیط برای سرمایه گذاری داخلی از سرمایه گذاری خارجی نیز به عنوان مکمل سرمایه گذاری داخلی استفاده کرد.

برخی از قوانین سرمایه گذاری خارجی عبارتند از

الف- پذیرش سرمایه گذاری خارجی با رعایت سایر

قوانین و مقررات جاری کشور می بایست به منظور عمران و آبادانی و فعالیت تولیدی اعم از صنعتی معدنی، کشاورزی و..... باشد

ب- سرمایه گذاری دولت یا دولتهای خارجی در جمهوری اسلامی ایران بر حسب مورد، منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی میباشد.

ج- نرخ ارز مورد عمل به هنگام ورود یا خروج سرمایه خارجی همان نرخ رایج در شبکه رسمی کشور است. در غیر این صورت نرخ آزاد روز به تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در اصل سرمایه خارجی با منافع آن یا آنچه که از اصل سرمایه در کشور باقی مانده باشد با دادن پیش آگهی سه ماهه هیئت و بعد از انجام کلیه کسورات و تعهدات قانونی و تایید وزیر امور اقتصادی قابل انتقال به خارج است

ه- سود سرمایه گذاری خارجی پس از کسر مالیات و عوارض و اندوخته قانونی و تصویب و تایید وزیر اقتصادی و دارایی قابل انتقال به خارج است

خ- اختلاف بین دولت و سرمایه گذاران خارجی در خصوص سرمایه گذاریها چنانچه از طریق مذاکره حل و فصل نگردد در دادگاه داخلی مورد رسیدگی قرار میگیرد.



ی- هر سرمایه گذار خارجی موظف است هر گونه تغییر در نام و شکل حقوقی و تابعیت و تغییرات بیش از ۳۰ درصد را در مالکیت را به اطلاع هیعت برساند (گلینی و همکاران، ۱۳۹۲)

۳-۱- تحریم اقتصادی

بطور کلی تحریم اقتصادی از آن دسته مفاهیمی میباشد که گرچه دارای ماهیتی سیاسی در سطح روابط بین الملل میباشد ولی همواره خود را به شکل حقوقی متجلی میکند اینگونه تحریم ها که در عرصه اقتصاد بین الملل ظهور می یابد به عنوان حربه ای از سوی دولتها و سازمانهای بین المللی علیه یک کشور به کار میرود در نگاه سنتی تحریم ها به منظور کاهش منابع در دسترس دولت هدف و نتیجه آن کاهش دارایی عمومی و ایجاد حس محرومیت در جامعه هدف اعمال میشدند و عقید بر این بود که اگر مردم به اندازه کافی رنج ببرند به دولت خود فشار خواهند آورد تا با تغییر رفتار موجب برجیده شدن تحریم ها شود. افزون بر این تحریمهای اقتصادی به ابزاری محبوب برای دولتها برای حل مناقشات بین المللی تبدیل شده است. این تحریمها که شامل محدود کردن یا توقف فعالیت اقتصادی با یک کشور هدف است میتواند بطور قابل توجهی بر اقتصاد سیاست و جامعه کشور هدف تاثیر بگذارد. ایران کشوری است که دهه ها مورد تحریم اقتصادی جامعه بین المللی بوده است. (زمانیان فر و همکاران، ۱۴۰۳: ۵۸)

۵-۱- توسعه اقتصادی

تعریف توسعه اقتصادی معادل این جمله است: شرایطی که منجر به افزایش سطح کیفیت زندگی انسانها در یک جامعه میشود. توسعه اقتصادی مفهومی گسترده تر از رشد اقتصادی است. برای سنجش میزان شاخص FGT شاخص (HDI) توسعه اقتصادی انواع شاخصهای توسعه اقتصادی شامل شاخص توسعه انسانی شاخص برابری قدرت خرید و .... استفاده میشوند هر کدام از این شاخصها نمودار بخشی از فرآیند توسعه اقتصادی در جوامع هستند. بنابراین آشنایی با مجموعه ای از این شاخصها میتواند درک بهتری از سطح رفاه مردم به دست دهد. (نشاط، ۱۴۰۳: ۳)

۲۵ موانع سرمایه گذاری خارجی در مسیر جذب و توسعه  
۲۵ ی سرمایه گذاریهای خارجی و به دنبال آن رقم خوردن  
یک اقتصاد پایدار و پویا در ایران چالشهایی وجود دارد  
که این چرخه را دچار مشکل کرده و از بسیاری مزایای  
نهفته در برقراری ارتباط با دیگر کشورهای دنیا باز

داشته است. حال در یک دسته بندی به متن بیان موانع موجود پرداخته میشود.

#### ۱-۲- موانع اقتصادی

شرکتهای فراملیتی در واقع حق انتخاب دارند که داراییها فنون توان مدیریتی و کارآفرینی خود را به هر جا که برایشان سود بیشتری دارد منتقل سازند این بنگاهها از همه نظر کشورهای جهان را ارزیابی میکنند تا با توجه به اهداف و اولویتهای مشخص خود جایگاه سرمایه گذاری را تعیین نمایند یکی از عمده ترین شرایط اقتصادی کشور میزبان است ایران با توجه به جمعیت زیاد ثروت نفت که FDI معیارهای ارزشیابی هنوز هم وجود دارد بهره مندی از موقعیت ویژه جغرافیایی و همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی خلیج فارس گزینه بسیار مطلوبی برای سرمایه گذاری است در مورد ساختار بازارها مشکل حمایت و انحصارات در برخی صنایع همچون نبود بازارهای پولی و مالی فعال و کارا مطرح است که باید زمینه های لازم برای رفع این کاستی ها فراهم شود.

برای بنگاههای جویای منابع و دارایی نیز ایران میتواند در برخی موارد حمله مناسبی باشد زیرا سرمایه گذاران خارجی میتوانند از مواد اولیه ارزان کارگر کم هزینه و نیروی کار ماهر بهره مند شوند. در حالی که به لحاظ دارایی فنی ابتکار نوآوری و خلاقیت و امکانات زیربنایی (فیزیکی) بنادر، جاده ها، انرژی و ارتباطات مخابراتی جذابیت چندانی به چشم نمی خورد از دید بنگاههای جویای بهره وری شرایط ایران برای سرمایه گذاری چندان مساعد نیست. چنانچه هزینه های منابع و داراییهای تولید با توجه به بهره وری نیروی کار تعدیل گردد هزینه چشمگیر تولید در ایران مشخص میشود بر پایه آمارها تولید هر هزار تن فولاد در ژاپن به عهده یک نفر است؛ در اروپا همین مقدار تولید به وسیله ۳ تا ۵ نفر در اروپای شرقی توسط ۱۰ نفر و در ایران با ۲۶ نفر انجام میشود بهای فولاد ایران نزدیک به یک و نیم برابر بهای جهانی است. این در حالی است که انرژی ارزان برای جبران بین بودن بهره وری نیروی کار صرف میشود بر اساس آمارهای موجود میزان کار مفید و اداره های ایران در حدود ۲۰ دقیقه در روز است. بهره وری اندک به معنای بالا بودن هزینه تمام شده کالاها و پایین بودن کیفیت تولید است و بها و کیفیت تولید و بها و کیفیت عمده ترین عامل تعیین کننده مزیت رقابتی یک شرکت است. سیاستهای کلان اقتصادی دولت گمان نقش تعیین کننده ای در جذب سرمایه گذاران خارجی دارد یاستهای مناسب پولی مالی و ارزی به هنگام و



بپیوندند. (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۹۲)

#### ۳-۲- موانع تاریخی و سیاسی

فعالیت اقتصادی بخش خصوصی تنها در پرتو امنیت و قانون شکوفا میگردد در ایران از نظر تاریخی گذشته از عوامل بیرونی عوامل درونی از نظر ماهیت استبدادی و ناپایدار حکومتها و جابجا شدن سریع آنها شورش های گوناگون ناامنی نبود انجمنهای صنفی مستقل و موجب سستی و ناپایداری همه گونه های ثروت و مالکیت خصوصی در گذشته بوده است. جیمز فریزر که در اوایل دوره قاجار از ایران دیدن کرده است در این باره مینویسد مانع عمده بهبود و رونق کشور ایران ناامنی جان و مال و ناموس مردمان این سرزمین است و از سرشت حکومت و نیز از انقلابهایی که چنین حکومتی به طور مداوم در معرض آنهاست نشئت میگیرد این وضع همواره مانع کوششهای مردم در راه تولید صنعتی است. هانری رنه آلمانی مینویسد در جهان ملتی نیست که به اندازه ایرانی از نشان دادن سرمایه خود بیم داشته باشد زیر او همواره در حالت بیم از دولت به سر میبرد ایرانی مجبور است و دوست دارد که همیشه سرمایه اش را دسترس خودش باشد. و آن را در جایی پنهان کند فقدان امنیت قضایی باعث شده است که سرمایه دار نتواند شرکتی تشکیل دهد به همین دلیل سرمایه ها تبدیل به طلا و جواهر شده است در زیر

متنوع دولت سیاست های آزادسازی تجاری سالم به اجرا در آوردن هر چه پرشتاب تر برنامه خصوصی سازی سیاست های مالی از ملزومات سیار مهم جذب سرمایه گذاری خارجی است. (طاهری، ۴۲، ۴۱)

#### ۲-۲- اقتصاد مقاومتی

بر اساس صحبت هایی که مقام معظم رهبری مطرح کرده است اقتصاد مقاومتی را به طور خلاصه این گونه می توان تعریف کرد اقتصادی که در شرایط دشواری، تهدید و دشمنی به اهداف خودش برسد. در واقع اقتصاد مقاومتی همان است که با وجود تلاطمها، دشمنی ها با وجود فضای ناملایمی که در درون خودش یا به صورت تحمیلی از خارج بر آن حاکم می شود بتواند ان اهدافی را که برای خودش تنظیم کرده، محقق کند و به آنها برسد چنین اقتصادی اقتصاد مقاومتی خواهد بود. مقام معظم رهبری نیز چندین بار تاکید کردند که ساختن چنین اقتصادی به طور منطقی و در دستور کار همه کشورها و همه حکومت ها طبیعی خواهد بود.

ماهیت اقتصاد مقاومتی، میتوان گفت که اقتصاد مقاومتی نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام است نظام اقتصادی اسلام در واقع خروجی مکتب اقتصادی اسلام برای زمانی است که در یک شرایط واقعی و در يك شرایط زمانی و مکانی خاص، می خواهد به وقوع

خاک جایی دیگر پنهان می ماند معاملات تجاری به کندی صورت میگیرد و گاهی روزها به حرف و تعارف میگذرد از سوی دیگر به چوب بستن و سوراخ کردن دماغ و کوبیدن گوش تجار با میخ به دیوار کارهای بسیار عادی بوده است رباب جمشید یکی از بزرگترین سرمایه داران دوره قاجار بارها با توطئه علاء الدوله حاکم تهران حبس شده و با صرف مبالغ هنگفتی آزاد گردید. از نظر تاریخی احساس ناامنی مانعی در راه توسعه اقتصادی کشور بوده است از میان بردن مشکلات تاریخی که در فرهنگ یک کشور ریشه دوانیده نیازمند کار فرهنگی بلند مدت و کارشناسانه است تا با رشد فرهنگ عامه به اجرا درآوردن درست قانون اساسی و آگاه ساختن مردم از حق و حقوق خود زمینه برای برقراری جامعه مدنی فراهم گردد هم اکنون با توجه به امنیت سیاسی اقتصادی موجود سرمایه گذاران داخلی دغدغه خاطری از این بابت ندارند در حالی که جو سازیهای خارج از کشور و مطرح شدن کشمکشهای سیاسی درون کشور میتواند سرمایه گذاران خارجی را نگران سازد وجود تفاهم و هماهنگی در مسائل سیاسی و بین المللی ثبات سیاسی کشور را افزایش میدهد و انگیزه برای جذب سرمایه گذاری مستقیم را فراهم میکند برای اعتماد سرمایه گذاران خارجی باید فعالیتهای گسترده ای در زمینه های گوناگون انجام گیرد بر پایه برآورد موسسه های تخصصی اقتصادی لندن ایران در بالاترین رده ها در میان کشورهای برای ریسک سرمایه گذاری قرار دارد درجه بندی یکی از این موسسه ها گویای آن است که ایران در میان ۶۰ کشور همگونی رتبه ۵۸ را به دست آورده است سرمایه گذاری هزاران شرکت ایرانی در دبی در سال های اخیر خروج سرمایه و بالا بردن ریسک سرمایه گذاری در ایران را نشان میدهد. (طاهری، ۴۲ و ۴۳)

#### ۴-۲- موانع فرهنگی و اجتماعی

مشکلات فرهنگی موجود در کشور نه تنها مانعی در راه تشویق سرمایه گذاری داخلی بلکه در واقع جلوی جذب سرمایه گذاری خارجی را نیز میگیرد عدم شکل گیری و ترویج نیافتن فرهنگ تکنولوژی و بهره گیری درست از منابع کشور نبود شبکه اطلاعاتی و ارتباطاتی کارآمد در سطح گسترده نبود انگیزه برای کار و کوشش بیشتر و مشارکت مردم نهادینه نشدن احترام به قوانین در ایرانیان و بروکراسی دست و پاگیر وضع نابسامان ترافیک در شهرها اتلاف وقت اهمیت قائل نشدن برای زمان و وقت شناسی و غیره از مواردی است که موجب کاهش چشمگیر بهره وری در کشور گردیده است این



بودن بهره وری در سطح کلان و خرد بیانگر ناتوانی ما در بهره گیری بهینه از منابع است ترویج فرهنگ اسراف در جامعه پس از افزایش بهای نفت در سال ۱۳۵۳ عامل به هدر رفتن منابع کمیاب بوده است و پایه آمارهای موجود نزدیک به ۳۰ درصد از مواد خوراکی در ایران ضایع میشود که این مقدار برابر با خوراک ۱۵ میلیون نفر است در طول ۱۰ سال یعنی از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ از پروانه های صادر شده و بخش تولیدی صنعتی به بهره برداری رسیده و ۷۵ درصد دیگر آن به دلایل گوناگون به بهره برداری نرسیده است سترش فرهنگ بهینه سازی در سطح خل و کلان جامعه مستلزم پژوهش و آموزشهای علمی لازم از دوران ابتدایی تا دانشگاه است از دیگر موانع فرهنگی خطر گسترش فساد است پیشگیری از گسترش فساد روش و خواری در سطح جامعه از موارد مهمی است که باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد فساد اداری موجب بی اعتباری قوانین و مقررات شده و هزینه های شخصی و اجتماعی بسیاری به بار می آورد گسترش فرهنگ دلالی و انحراف از تولید اقتصاد کشور را فلج میکند زمینه مساعد برای جذب اف دی آی را از بین می برد. (طاهری ۳۰، ۳۱)

جریان ورود سرمایه منجر به افزایش ارزش پول رایج داخلی میشود. کاهش میل افراد یک کشور جهت خرید داراییهای خارجی باعث میشود که آنها جهت تبدیل دارایی های خود به بازارهای خارجی وارد نشوند و تقاضای ارز و نرخ ارز کاهش می یابد و موجب قوت ارزش پول رایج داخلی میشود پس قدرت خرید پول داخلی زیاد میشود و تورم کاهش می یابد

۲ کاهش نرخ بهره جریان ورود سرمایه باعث افزایش نقدینگی در سیستم شده بنابراین نرخ بهره را کاهش میدهد کاهش نرخ بهره تقاضا برای داراییهای داخلی را افزایش میدهد پول رایج داخلی و به دلیل رابطه معکوس بین نرخ بهره و سرمایه گذاری افزایش میابد و امکان کسب سود افزایش میابد که خود مجدداً مشوقی برای ورود سرمایه خارجی شود

۳ - توسعه صادرات و کاهش واردات با افزایش سرمایه گذاری خارجی و راه اندازی کارخانجات مختلف حجم تولیدات افزایش یافته و ضمن اینکه نیاز کشور به واردات آن کالای خاص مرتفع میشود میتوان مازاد تولید را نیز به کشورهای دیگر صادر نمود شرکتهای سرمایه گذاری میتوانند دسترسی به بازارهای صادراتی برای کالاها و برخی از خدمات که هم اکنون در کشور میزبان تولید میشود را به وجود آورند و به آنان کمک کنند که از بازارهای داخلی به بازارهای بین المللی روی آورند و آنان را به وادی فعالیت های جدید بکشانند

- مزیت ها و تاثیرات مثبت سرمایه گذاری خارجی در ایران جذب و توسعه ی سرمایه گذاری های خارجی در کشورها مزیت های بسیاری با خود به همراه دارد که برخی از عمده ترین آنها عبارتند از:

۱-۳ کاهش نرخ ارز تحت شرایط رژیم نرخ شناور ارز ،

۴-افزایش اشتغال: با ورود سرمایه گذاری خارجی و مشارکت جهت ایجاد و راه اندازی کارخانجات مختلف، جذب نیرو و سطح اشتغال افزایش میابد

۵- افزایش رشد اقتصادی ورود سرمایه باعث کاهش قیمت سرمایه عامل) کمیاب تولید در کشور در حال توسعه شده بنابراین هزینه های تامین مالی برای سرمایه گذاری کم و امکان کسب سود افزوده می شود پس تولید اشتغال را میشود و با توجه به ویژگی جمعیت و نرخ رشد آن بیکاری کاهش میابد همچنین افزایش نرخ رشد اقتصادی باعث کاهش خروج سرمایه میشود (قاعدی و همکاران ، ۱۳۸۵، ۳۹)

جمع بندی علمی از تاثیرات سرمایه گذاری خارجی سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت می گذارد و ضریب این تاثیر بر رشد اقتصادی از لحاظ آماری با معنی است. ممکن است تاثیر مثبت سرمایه گذاری خارجی به دلایل زیر میباشد.

از آنجا که سرمایه گذاری خارجی بصورت مجموعه ای از سرمایه ارزان مدیریت کارا و تکنولوژی پیشرفته تعریف میشود بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت داشته است.

ورود سرمایه گذاری خارجی به یک کشور از طریق افزایش ذخایر ارزی منجر به آن میشود که اعطای اعتبارات به بخش خصوصی افزایش یابد و به این ترتیب افزایش

تولید صورت میگیرد

از آنجا که سرمایه گذاری خارجی به بخش خصوصی کشور میزبان وارد میشود لذا در سطح سرمایه گذاری خصوصی اثر قابل ملاحظه ای میتواند داشته باشد و به این ترتیب تاثیر خود بر رشد را افزایش می دهد.

تولیدات سرمایه گذاری خارجی در کشور میزبان میتواند به عنوان داده تولید برای سرمایه گذاران داخلی مورد استفاده قرار گیرد و باعث افزایش رشد شود

سایر ضرایب متغیرهای توضیحی رشد) سرمایه گذاری ناخالص داخلی رشد صادرات و رشد دوره قبل نیز بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت دارند و از لحاظ آماری با معنی هستند

بررسی اثر جمعی سرمایه گذاری خارجی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی نشان میدهد که این اثر بر رشد اقتصادی مثبت و از لحاظ آماری با معنی است. به عبارت دیگر تاثیر سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی متاثر از سرمایه انسانی است

نتایج نشان میدهد که تاثیر جمعی سرمایه گذاری ناخالص داخلی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی نیز مثبت و از لحاظ آماری با معنی است بطور خلاصه تاثیر سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی



مثبت و همچنین از نظر آماری طرفی این تاثیر مثبت تحت تاثیر سرمایه انسانی و ميزبان باز بودن اقتصاد کشورهای ميزبان است.

در پژوهش حاضر هدف اصلی بررسی موانع سرمایه گذاری خارجی در ایران و شناسایی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاران خارجی بوده است. با توجه به اهمیت سرمایه گذاری خارجی در توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور این تحقیق تلاش کرده است تا نکات کلیدی و چالشهای موجود را شناسایی و تحلیل نماید.

در بخشهای مختلف مقاله نتایج نشان داد که موانع متعددی در برابر سرمایه گذاری خارجی در ایران وجود دارد. این موانع شامل مشکلات اقتصادی نظیر ناپایداری اقتصادی ریسکهای سیاسی و قانونی فساد اداری و عدم شفافیت مالی و عدم وجود زیر ساختهای مناسب برای جذب سرمایه گذاران هستند. همچنین عدم اطلاع رسانی کافی درباره فرصتهای سرمایه گذاری و کمبود حمایتهای دولتی نیز به عنوان عوامل بازدارنده شناسایی شدند.

در نتیجه گیری از یافته های مهم پژوهش مشخص شد که برای جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران نیازمند تغییرات بنیادین در سیاستها و راهبردهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور هستیم. تقویت ثبات سیاسی و اقتصادی ایجاد یک محیط قانونی شفاف و پویا و فراهم آوردن زیر ساخت های مناسب از جمله الزامات جذب سرمایه گذاران خارجی به شمار میرود.

در نهایت پیشنهاد میشود که دولت ایران به منظور بهبود وضعیت سرمایه گذاری خارجی اقداماتی نظیر اصلاح قوانین مربوط به سرمایه گذاری کاهش بروکراسیهای زائد و ترویج شفافیت و مسئولیت پذیری در بخش عمومی را در اولویت قرار دهد. همچنین لازم است که برنامه های آموزشی برای آشنایی سرمایه گذاران خارجی با فرصت ها و چالشهای سرمایه گذاری در ایران طراحی و اجرا شود. با این اقدامات می توان به جذب سرمایه های خارجی و در نتیجه تقویت بنیه اقتصادی کشور امیدوار بود

همچنین برخی دیگر از راهکارهای برداشتن موانع سرمایه گذاری خارجی و جذب و توسعه ی آن عبارتند از

تامین امنیت سرمایه ایجاد اطمینان از حفاظت از سرمایه

گذاریها و حقوق سرمایه گذاران به ویژه از طریق معاهدات بین المللی و قوانین محلی

ارائه مشوقهای مالی ایجاد تخفیفهای مالیاتی تخصیص یارانه و ارائه تسهیلات مالی به سرمایه گذاران خارجی میتواند جذابیت سرمایه گذاری را افزایش دهد.

توسعه زیر ساخت ها بهبود زیر ساختهای حمل و نقل انرژی و ارتباطات میتواند زمینه ای مناسب برای سرمایه گذاری فراهم کند.

ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی این مناطق میتوانند با قوانین و مقررات خاص شرایط مناسبی برای سرمایه گذاران خارجی فراهم کنند.

توجه به صنایع و فناوریهای نوین حمایت از صنایع جدید و فناوریهای پیشرفته میتواند به جذب سرمایه گذاریهای خارجی در این حوزه ها کمک کند

افزایش همکاریهای بین المللی تقویت روابط دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای دیگر و ایجاد

توافقات تجاری میتواند به تسهیل سرمایه گذاری ها کمک کند



با اجرای این راهکارها ایران میتواند شرایط مناسبی برای جذب سرمایه گذاری خارجی فراهم کند و از این طریق به توسعه اقتصادی پایدار دست یابد

فهرست منابع

طاهری ابولقاسم موانع جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران پژوهش حقوق و سیاست (۴۰-۴۳)

عبدالملکی حجت الله ۱۳۹۳ تحلیل تاثیر فعاليتها و مشارکتهای بخش خصوصی بر توسعه منطقه ای در ایران رهیافت اقتصاد سنجی داده های تلفیقی ۱۹۲، کنفرانس بین المللی حسابداری اقتصاد و مدیریت مالی

گلینی رحمن امسیا المیرا ۱۳۹۲ اثرات تحریم بر سرمایه گذاری خارجی در ایران کنفرانس ملی جایگاه مدیریت و حسابداری در دنیای نوین کسب و کار اقتصاد و فرهنگ علی آباد کتول دانشگاه آزاد اس لامی واحد علی آباد کتول ۱۵

فایدی ، مهنوش موسوی سید علیرضا ۱۳۷۵ بررسی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران ژورنال تدبیر ش ۱۷۳ ص ۱۰

فطرس ، محمد حسن نسرين دوست میثم ۱۳۸۸ بررسی رابطه آلودگی هوا آلودگی آب ، مصرف انرژی و رصد اقتصادی در ایران از ۱۳۵۹-۸۳ ش ۲۱

سلطانی ، علی . زالی سید رضا ۱۳۹۶ تحلیل و ارزیابی ریسک زیر ساختهای منطقه ای از نظر پدافند غیر عامل فصلنامه برنامه ریزی منطقه

نوفرستی ، محمد ۱۳۹۵ اقتصاد مقاومتی و راههای دستیابی به آن فصلنامه سیاست های راهبردی کلا ۱۶۸، ۱۵۷

زمانیان لیلا پاک نیت یکتا سراج ، شهرزاد ۱۴۰۳ راهکارهای ارتقاء تاب آوری در قبال تحریم های اقتصادی علیه ایران به عنوان ابزار سیاست خارجی نشریه علمی پدافند غیر عامل . ص ۵۸

نچار زاده رعنا ملکی مهران ۱۳۸۴ بررسی تاثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تاکید بر کشورهای صادر کننده نفت ش ۲۳ فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایرانگ



## تأثیر گذاری های توسعه بر بحران های زیست محیطی

### نسبیم فیضی

• چکیده:

داشته‌اند؟

• و فرضیه اصلی این است که سیاست‌گذاری‌های توسعه در ایران به دلیل رشد بدون برنامه فعالیت‌های صنعتی

• و اهداف کوتاه‌مدت توسعه اقتصادی در ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی تأثیر داشته است. در این پژوهش با

• استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تلاش شده است تا ضمن استفاده از منابع و تحقیقات پیشین صورت گرفته، از آمار و داده‌های معتبر ارائه شده از سوی سازمان‌ها و دستگاه‌های مرجع (نظیر برنامه‌های توسعه به عنوان اسناد بالادستی توسعه در ایران) مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

• واژگان کلیدی: محیط‌زیست، بحران‌های زیست‌محیطی، توسعه، سیاست‌گذاری‌های توسعه، ایران

• محیط زیست و حفظ آن به عنوان زیست‌گاه بشری به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز بشر، از جمله مسائل مورد توجه برنامه‌ریزان و پژوهشگران در حوزه‌های مختلف بوده است. طی دهه‌های اخیر کشور ایران با چند بحران محیط‌زیستی مهم روبه‌رو بوده است که می‌تواند زندگی ایرانیان در آینده را از خود متأثر سازد. در نتیجه شناسایی ریشه‌های این بحران‌ها و تلاش برای رفع آن‌ها از اهمیتی بیش از پیش برخوردار شده است. همزمانی برنامه‌های توسعه در ایران به ویژه توسعه بخشی از صنایعی که به نوعی آلوده‌کننده محیط‌زیست به شمار می‌روند، افزایش جمعیت شهری و توسعه محصورزی کشاورزی آبر، می‌تواند به تأثیر منفی این اقدام‌ها در ایجاد و گسترش بحران‌های محیط‌زیستی انجامیده باشد. در اینجا پرسش اصلی که مطرح می‌شود این است که آیا سیاست‌گذاری‌های توسعه در ایران در ایجاد یا تشدید بحران‌های زیست‌محیطی نقش

• مقدمه:

• انسان امروزه با چالش‌های زیادی از جمله بحران‌های زیست‌محیطی مواجه است و رابطه انسان با محیط زیست هیچ‌وقت تا به امروز به این اندازه نگران‌کننده نبوده است. به اعتقاد برخی پژوهشگران توسعه یکی از عواملی است که باعث بحران‌های زیست‌محیطی و تخریب محیط زیست می‌شود.

• بدون تردید جهان کنونی بشر بیش از هر زمان دیگری به اهمیت و ارزش محیط زیست پی برده و به دنبال راهکارهایی برای حفظ و نگهداری محیط زیست است. این سیر شتابنده تغییرات و تحولات در الگوهای زندگی و خطراتی از جمله صنعت، بازی مخرب در کشورهای صنعتی و فقر اقتصادی و فرهنگی در کشورهای در حال توسعه که محیط زیست را تهدید می‌کنند، نگرانی‌هایی را به وجود آورده است.

افزایش جمعیت، رشد اقتصادی، فعالیت‌های زیست‌محیطی و پیشرفت‌های حاصل از فناوری باعث شده تا بشر برای رفع نیازهای بی‌انتهای خود دست به بهره‌برداری بی‌رویه و به دنبال آن تخریب محیط زیست بزند. واقعیت این است که انسان امروزه محیط را تحت تأثیر رفتار خود قرار داده است و با رشد علوم و تکنولوژی‌های جدید روزبه‌روز دامنه دخالت‌های خود را در محیط زیست افزایش داده است.

باید در نظر داشت که در مسیر پیشرفت توسعه، صنعتی شدن ضرورتی انکارناپذیر برای افزایش تولید است و از طرفی اگر فعالیت‌های صنعتی گسترش پیدا کند علاوه بر رشد اقتصادی چالش‌های زیست‌محیطی را به دنبال دارد. اما کارشناسان راه‌حل‌هایی استراتژیک برای جلوگیری از تخریب محیط زیست پیشنهاد داده‌اند مانند حفظ سازوکارهای محیط زیست.

ایران امروزه با مشکلات زیست‌محیطی زیادی روبه‌رو است. به نظر می‌رسد اجرای سیاست‌گذاری‌های توسعه نقش مهمی در افزایش آلودگی و بعضاً بحران‌های محیط‌زیستی در ایران داشته است. در واقع، برخی سیاست‌های توسعه‌ای به این بحران‌ها دامن زده‌اند؛ عملیاتی پالایشگاه‌ها و پسماندهای صنعتی، سدسازی‌های افراطی که موجب خشکیده شدن تالاب‌های کشور شده و بحران آب و ریزگردها را به دنبال داشته که خود ریزگردها یک چالش جدی برای کشور

محسوب می‌شود. راه‌اندازی صنایع مختلف و بعضاً بزرگ نیز باعث شکل‌گیری مهاجرت از روستا به شهر شده که رشد وسایل نقلیه بی‌کیفیت و تولید گازهای گلخانه‌ای را در پی داشته و از طرفی تخریب جنگل‌ها و مراتع برای رشد صنعت موجب اختلال در اکوسیستم و شرایط بد آب‌وهوایی را در پی داشته است. مشکلات عدیده دیگری از جمله آلودگی خاک و آب‌های زیرزمینی در اثر استفاده از کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها در صنعت کشاورزی، فرسایش خاک، کمبود آب و هدررفت بیش از اندازه آن در بخش صنعت و کشاورزی و... محیط زیست ایران را درنور دیده است.

در حال حاضر متأسفانه ایران از نظر شاخص‌های پایداری و حفاظت از محیط زیست در جایگاه مناسبی قرار ندارد. آمارها نشان از نابودی بسیاری از گونه‌های جانوری و پوشش گیاهی در ایران دارد و آگاهی‌های لازم در سطح پایینی قرار دارد. اجرای برخی برنامه‌ها نیز در ایران با وجود لطمه‌های زیادی که به محیط زیست وارد می‌کند همچنان پابرجاست. لذا در این پژوهش بر آن هستیم که تأثیرات سیاست‌گذاری‌های توسعه در ایران را بر روی بحران‌های محیط‌زیستی مورد بررسی قرار دهیم. در صورت مثبت بودن این ارتباط، تغییر در سیاست‌گذاری‌های توسعه و تأکید بر توسعه پایدار که بتواند ضمن غلبه بر بحران‌های موجود، محیط زیست را از آسیب‌های بعدی در امان بدارد ضروری به نظر می‌رسد.

تعریف مفاهیم:

سیاست‌گذاری توسعه:

توسعه: بر اساس تعریف، توسعه به تمامی فعالیت‌ها و کارهای انسان گفته می‌شود که برای بهتر کردن زندگی خود در محیط زیست انجام می‌دهد (کوستو، ۱۳۷۰). حال اگر قرار باشد این توسعه در بلندمدت پایدار باشد باید تنگناهایی را که محیط زیست و منابع طبیعی برقرار کرده است، مدنظر قرار دهد. معمولاً توسعه در ابعاد گوناگون می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی. وقتی در یک جامعه از توسعه به طور مطلق صحبت می‌شود در واقع منظور توسعه در ابعاد گوناگون می‌باشد. بدون تردید جامعه توسعه‌یافته به جامعه‌ای است که در آن توسعه در ابعاد گوناگون تحقق یافته باشد.

به نظر می‌رسد توسعه یک پدیده کلی است که فقط

شامل بعد اقتصادی نمی‌شود. اگرچه رشد و کمک، نیروهای محرکه توسعه می‌باشند، اما از این پس باید سایر ابعاد توسعه که محیط زیست، عدالت اجتماعی، دموکراسی و صلح باشند نیز لحاظ شوند (پطروس غالی، ۱۳۸۱).

سیاست‌گذاری‌های توسعه: شامل برنامه‌ریزی‌های کلان و خط‌مشی‌های کلی که جهت‌گیری توسعه را مشخص می‌سازد و به‌ویژه برنامه‌های اول تا هفتم توسعه را در بر می‌گیرد.

بحران‌های زیست‌محیطی:

به مجموعه‌ای از مشکلات و چالش‌هایی اشاره دارد که سلامت و پایداری محیط زیست را تهدید می‌کنند؛ مانند: آلودگی هوا، کمبود آب، گرم شدن زمین، از بین رفتن جنگل‌ها و مراتع و...

تأثیر انسان بر محیط زیست:

اگرچه انسان‌ها فقط درصد بسیار کمی از بیوماس (وزن یا حجم) موجودات زنده کره زمین را تشکیل می‌دهند، ولی گونه غالب‌اند. در ابتدای دوره پلیستوسن انسان نیز همچون سایر موجودات تحت تأثیر کامل عوامل محیطی بوده است. از آن پس انسان پیشرفت کرده و به‌تدریج قادر شد محیط فیزیکی اطراف خود را به‌شدت تغییر دهد (کیانی، ۱۳۸۵: ۶).

در واقع رابطه انسان و محیط زیست با روند تکاملی انسان و تکنولوژی‌های مورد استفاده او کاملاً تغییر کرده است؛ درحالی‌که انسان در روزگاران گذشته و به‌خصوص انسان اولیه تحت تأثیر محیط پیرامون خود بود، امروزه این انسان است که محیط را تحت تأثیر رفتارها و کردارهای خود قرار داده است.

وجود رابطه متقابل و رشدیابنده بین طبیعت و جامعه سازمان‌یافته و مجهز به وسایل فنی که بدون وقفه منابع لازم و ضروری را از طبیعت می‌گیرد و مصرف می‌نماید و مواد زائد ناشی از فعالیت‌های حیاتی و تولیدی را به آن برمی‌گرداند، واقعیتی غیرقابل انکار است.

بررسی نظام "انسان-جامعه-محیط زیست" از نظر مبادله دائمی و همواره شدید مواد و انرژی میان عوامل نظام، که از تولید اجتماعی دائمی و فزاینده، ساختار همواره پیچیده‌تر و استفاده از مواد اولیه از سرزمین‌هایی که به حال دگرگونی مستمر هستند حاصل می‌شود، اهمیت زیادی دارد (گراسیموف و دیگران، ۱۳۷۲: ۸).

اما تأثیری که انسان بر محیط زیست می‌گذارد ناشی از رفتار و عمل او در محیط پیرامون خویش است؛ اعمالی همچون بهره‌برداری از منابع طبیعی، قطع درختان، خانه‌سازی، احداث کارخانه‌ها و... در محیط‌های طبیعی باعث تغییر چهره محیط زیست شده و می‌تواند در صورت ادامه این روند به‌صورت بی‌رویه در تخریب محیط مؤثر باشد.

واقعیت امر این است که انسان‌ها با توسعه علوم و تکنولوژی توانسته‌اند روزبه‌روز دامنه دخالت‌ها و تأثیرات خود را بر محیط زیست بیفزایند تا آن را در جهت دستیابی به سود و رفاه مادی بیشتر مهار کنند. گرچه فناوری احتمال بحران جمعیت را به تأخیر انداخته است، اما در نهایت تأثیر انسان را بر محیط زیست افزایش داده است. فناوری نه تنها استفاده از منابع را افزایش داده، بلکه موجب شده تا در مقایسه با انسان

شکارچی و جمع‌آورنده غذا که از ابزارهای ساده سنگی و چوبی استفاده می‌کرد، انسان امروزی با راه‌های جدیدی بر محیط زیست تأثیر بگذارد (داودیان و ثانی، ۱۳۹۶: ۱۴). توسعه در ایران:

مفهوم توسعه یکی از مفاهیمی است که بیشترین بحث و جدال را در متون علوم سیاسی و اقتصادی پدید آورده است. فقط زمانی می‌توان به طرح راهبردهای خاص توسعه یا انتقاد از آنها پرداخت که مفهوم توسعه با دقت مشخص و تعریف گردد. فقط در این زمان است که می‌توان فواید و نقایص بینش‌ها و نظریه‌های توسعه را بررسی کرد.

توسعه یک فرآیند چندبعدی شامل سازماندهی و جهت‌دهی مجدد کل نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد. توسعه ملی به‌منزله یک مفهوم جامع، به توسعه انسانی از یک‌سو و توسعه اقتصادی از سوی دیگر توجه دارد. هدف عمده توسعه انسانی «گسترش دادن انتخاب‌های مردم» می‌باشد. این در حالی است که توسعه اقتصادی فرآیندی است که طی آن صرفاً ظرفیت‌هایی برای تولید ثروت ایجاد می‌شوند.

توسعه ملی موفق به معنی ایجاد رفاه همه‌جانبه طی فرآیندی است که بهره‌وری فردی و اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ به عبارتی دیگر، توسعه اشاره به افزایش



انتخاب‌های موجود مردم دارد. البته پیش شرط افزایش انتخاب‌های مردم، ایجاد توسعه اقتصادی یعنی ستاده بیشتر با نهاده‌های کمتر و ایجاد محصولات و خدمات جدید می‌باشد (امیرمحمد حاجی یوسفی، ۱۹۹۹: ۷).

متأسفانه ایران از نظر شاخص‌های توسعه در جایگاه مناسبی قرار ندارد و رشد اقتصادی پایینی را تجربه می‌کند و در عین حال همچنان با مشکلات زیست‌محیطی زیادی مواجه است که پیش‌تر چند مورد را بررسی کردیم.

تأثیر سیاست‌گذاری‌های توسعه بر بحران‌های زیست‌محیطی:

به طور کلی می‌توان سیاست‌گذاری‌های توسعه را در ابعاد زیر شاخص‌سازی کرد:

شاخص‌های اقتصادی:

- اندازه‌گیری رشد اقتصادی کشور (GDP): رشد تولید ناخالص داخلی
- نرخ بیکاری: درصد جمعیت فعال که شغل ندارند
- نرخ تورم: تغییرات قیمت کالاها و خدمات در یک دوره زمانی مشخص
- میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و افراد خارجی در کشور (FDI): سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم

شاخص‌های اجتماعی:

- شاخص توسعه انسانی (HDI): ترکیبی از امید به زندگی، سطح تحصیلات و درآمد سرانه
- نرخ فقر: درصد جمعیت زیر خط فقر
- دسترسی به خدمات بهداشتی: تعداد مراکز درمانی و دسترسی مردم به خدمات پزشکی
- نرخ سواد: درصد جمعیت بالای ۱۵ سال که قادر به خواندن و نوشتن هستند

شاخص‌های زیست‌محیطی:

- آلودگی هوا: میزان آلاینده‌ها در هوا مانند PM<sub>۲,۵</sub>
- استفاده از منابع تجدیدپذیر: درصد انرژی تولید شده از منابعی مانند خورشیدی و بادی

- تنوع زیستی: تعداد گونه‌های گیاهی و جانوری موجود در یک منطقه

شاخص‌های حکمرانی:

- شفافیت و مبارزه با فساد: رتبه کشور در شاخص فساد اداری (CPI)
- کیفیت نهادها: ارزیابی کارایی نهادهای دولتی و خصوصی
- مشارکت عمومی: میزان مشارکت مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری

شاخص‌های فناوری و نوآوری:

- سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D): درصدی از GDP که صرف تحقیق و توسعه می‌شود
- تعداد پتنت‌های ثبت‌شده: نشان‌دهنده سطح نوآوری

شاخص‌های فرهنگی:

- دسترسی به آموزش عالی: تعداد دانشگاه‌ها نسبت به جمعیت
- تنوع فرهنگی: وجود اقلیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف

این شاخص‌ها می‌توانند به عنوان ابزارهایی برای سنجش و ارزیابی اثربخشی سیاست‌های توسعه مورد استفاده قرار گیرند (ناصح، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۷).

ایران در اوایل دهه ۱۳۵۰ برای ایجاد محیط زیستی سالم تمایل جدی نشان داد. هرچند کسی انتظار نداشت که ایران، رشد اقتصادی را فدای محیط زیست کند، لذا برخی اصول در قانون اساسی لحاظ شدند که باعث شد برنامه‌های کنترل آلودگی و حفاظت محیط زیست با برنامه‌های جاری توسعه ترکیب شود تا اطمینان حاصل گردد که فعالیت‌های زیست‌محیطی بخشی از توسعه ملی تلقی می‌شوند.

ارتباط بین پیشرفت اقتصادی و محیط زیست همیشه بحث‌برانگیز بوده و هست. از اهداف اصلی برنامه‌های عمرانی و توسعه در ایران، دستیابی به رشد اقتصادی بوده است. زمانی که برنامه‌ریز رشد اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد، معمولاً منافع فراوان حاصل از آن در



در این کشورها برنامه‌های توسعه توأم با آثار بسیار مخرب نسبت به محیط زیست بوده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان از استقراض این کشورها از کشورهای صنعتی به بهانه توسعه اقتصادی نام برد (ریسی، ۱۳۹۶: ۷). فاجعه بدهی‌های این کشورها تحت لوای توسعه، آنها را به تخریب هرچه بیشتر محیط‌زیست واداشته است؛ بدون آن‌که نشانه ارزنده‌ای از بهبود شرایط آنها حاصل شده باشد. به‌عنوان نمونه در کشور سنگاپور، به دلیل بدهی‌های فراوان، زمین‌های کشاورزی آنچنان مورد تهاجم و بهره‌برداری قرار گرفته‌اند که راه برای ایجاد کویر باز شده است (لواسانی، ۱۳۷۵: ۹).

در دیدگاه دیگری آمده که توسعه نه تنها امر مضر برای محیط زیست نیست، بلکه توسعه پایدار موجب استفاده بهینه از تمام امکانات و توانمندی‌های محیط زیست می‌گردد و در نتیجه ارتقای سطح زندگی بشر را

ذهن متبادر می‌شود: افزایش امید به زندگی، کاهش مرگومیر نوزادان، درآمدهای بیشتر، گسترش دامنه کالاها و خدمات در دسترس و موارد مشابه.

اما در مورد هزینه‌های رشد اقتصادی چطور؟ در صدر این هزینه‌ها، مسائل زیست‌محیطی مانند آلودگی، تحلیل منابع طبیعی و گرمایش زمین قرار می‌گیرند (دهشیری، ۱۳۹۳: ۹-۱۱).

تا کنون توسعه نه تنها توأم با حفظ و نگهداری محیط زیست نبوده است، بلکه باعث تخریب و نابودی آن نیز گردیده است. در کشورهای در حال توسعه مثل ایران، افزایش جمعیت باعث شده که بیش از ظرفیت زمین از منابع آن بهره‌برداری شود و آثار زیانباری برای محیط زیست ایجاد گردد.

به طور واقعی و پایدار به دنبال خواهد داشت. آنچه در اینجا مهم است این است که توسعه بدون توسعه پایدار برای محیط زیست آثار مخربی بر جای خواهد گذاشت. اگر می‌خواهیم سیاست‌گذاری‌های توسعه موجب آسیب به محیط زیست نشود، باید سیاست‌ها در جهت توسعه پایدار باشد (بشیرزادگان، ۱۳۸۰: ۱۷).

بحران‌های زیست‌محیطی در ایران:

در هزاره سوم، محیط زیست مفهوم دیگری پیدا کرده و دیگر نمی‌توان با الگوها و مدل‌های قدیمی آن را تبیین کرد. محیط زیست امروز در برگزیده تمامی مسائلی است که در صنعت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست مطرح است. در این صورت وقتی می‌گوییم محیط زیست، مثل گذشته مختص آلودگی‌ها یا حیات وحش نیست؛ بلکه شامل تمام جلوه‌ها و جنبه‌هایی است که به نوعی زندگی ما انسان‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

این روند تا آن حد پیش رفته که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، برنامه‌ریزی محیط زیست در چارچوب برنامه‌ریزی کشوری مطرح می‌شود. مثلاً در کشوری مثل کانادا یا استرالیا، در برنامه‌های پنج‌ساله، برنامه‌ریزی برای محیط زیست را در تمامی جنبه‌ها اعم از روش کار، راهکارها، بودجه‌بندی، زمان‌بندی و ساختار تشکیلاتی لحاظ می‌کنند (مخدوم، ۱۳۷۷: ۵).

یکی از ابرچالش‌ها یا ابر بحران‌های ایران، بحران محیط زیست است. این را تقریباً بدون شواهد و اسناد تجربی نیز می‌توان پذیرفت. بیش‌تر قلمرو ایران از چرای بیش از حد، بیابانی شدن یا جنگل‌زدایی رنج می‌برد. آب‌های زائد صنعتی و شهری، رودخانه‌ها، آب‌های ساحلی و زیرزمینی را آلوده کرده‌اند. تالاب‌ها و آب‌های شیرین با گسترش صنعت و کشاورزی به‌طور فزاینده‌ای در حال نابودی هستند و نفت و نشت مواد شیمیایی به زندگی موجودات دریایی خلیج فارس و دریای خزر آسیب رسانده است.

خشکسالی یکی دیگر از مخاطرات طبیعی است که عمدتاً ناشی از مدیریت نادرست منابع آب است (مراد حاصل حسین، ۱۳۸۵: ۸).

ایران ادعا می‌کند هجوم بین‌المللی برای توسعه

ذخایر نفت و گاز دریاچه خزر، آن منطقه را با تهدیدهای زیست‌محیطی جدید روبه‌رو خواهد کرد (بهرام‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰). گرچه سازمان حفاظت محیط زیست ایران از سال ۱۹۷۱ وجود دارد، اما به خاطر این‌که اهداف کوتاه‌مدت اقتصادی در اولویت قرار گرفته‌اند، ایران هنوز سیاست توسعه پایدار را گسترش نداده است (باباوغلی، ۱۳۹۲: ۱۵).

در ادامه به چند بحران زیست‌محیطی در ایران اشاره می‌کنیم.

#### بحران آب:

از مجموع کل آب‌های جهان، ۴/۹۷ درصد آن را آب شور دریاها و اقیانوس‌ها تشکیل می‌دهد که به دلیل شوری، در عمل قابل استفاده نیستند. ذخایر آب شیرین تنها ۲/۶ درصد کل حجم ذخایر آب‌های سطح زمین را تشکیل می‌دهد که بخش بیشتر آن به‌صورت یخ در قطب‌های کره زمین و یخچال‌های طبیعی و آب‌های زیرزمینی وجود دارد.

به این ترتیب، از مجموع آب‌های کره زمین تنها ۰/۱۴ درصد آن قابل استفاده بوده و در واقع، حیات آدمی وابسته به همین مقدار ناچیز آب است. ملاحظه می‌شود باوجود اینکه بخش بیشتر سطح زمین را آب پوشانده، تنها بخش ناچیزی از آن برای بشر قابل استفاده بوده و در واقع، تمام برنامه‌ریزی‌های بشر باید با توجه به این محدودیت‌ها صورت پذیرد (محمدجانی و یزدانیان بهار، ۱۳۹۳: ۳).

محدودیت ذاتی منابع آب، زمینه را برای بروز خشکسالی‌های شدید در بخش‌هایی از کشور بیشتر کرده است و یکی از عوامل ظهور خشکسالی، مدیریت نادرست منابع آب است. خشکسالی پدیده‌ای غیرطبیعی نیست، اما ابعاد و آثار تخریبی آن به‌نسبت شدت و موقعیت جغرافیایی متفاوت است. کشور ما یک دوره خشکسالی اقلیمی دارد که غالباً در دوره‌های ۱۰ و ۳۰ ساله اتفاق می‌افتد و جلوگیری از آن در دست ما نیست، اما باید با پیامدهای خشکسالی مقابله نمود.

مقابله با پیامدهای خشکسالی زمانی موفق است که

با پیش‌بینی و برنامه‌ریزی دوره‌های خشکسالی و ایجاد ظرفیت‌های لازم، هم در بعد تأمین و هم در بعد مصرف، با روشی پایدار به عبور از دوره خشکسالی نائل آییم (روستا، ۱۳۸۸: ۱۹).

اهمیت این ماده حیاتی در همه مناطق یکسان نیست و در مناطق دارای کمبود آب، آن را به یک موضوع و منبع تنش تبدیل می‌کند که حتی می‌تواند منجر به درگیری‌هایی در مقیاس‌های مختلف شود.

به دنبال انقلاب صنعتی و افزایش قدرت سلطه انسان، طبیعت آب نیز به دلیل افزایش نیاز انسان‌ها که ناشی از افزایش جمعیت و گسترش فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی بود، مورد مداخلات وسیع انسانی قرار گرفت و از نظر کمی و کیفی دچار تنزل جدی شد؛ که این امر محیط زیست را هم از جهت کاهش حبابه و هم کاهش کیفیت آب دچار چالش اساسی نمود.

اگرچه در اثر افزایش آگاهی‌های بشر، این بی‌توجهی به تخریب محیط زیست در اثر کاهش کیفیت و کمیت آب در برخی نقاط جهان تا حد قابل توجهی مهار شده است، ولی هنوز در بخش‌های مهمی از جهان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، یک مسئله مهم تلقی می‌شود (لهسای‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳).

کشور ما نیز با مسائل متعددی در رابطه با منابع آب روبه‌رو است. از جمله: قرار گرفتن در منطقه خشک جهانی با متوسط بارندگی ۲۵۰ میلی‌متر در سال، عدم تقارن بارندگی در نقاط مختلف، افزایش بی‌رویه جمعیت و... که با بروز پدیده جهانی تغییرات آب و هوایی، این بحران شدیدتر هم شده است (روستا، ۱۳۸۸: ۶).

از طرفی ایران به دلیل بارندگی کم که از حد متوسط خاورمیانه نیز پایین‌تر است. از آب زیرزمینی که آب غیرقابل تجدید است استفاده می‌کند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۷: گزارش ۱۸).

به دلیل استفاده بی‌رویه از آب چاه‌های زیرزمینی برای کشاورزی، اکنون در برخی نقاط کشور برای دستیابی به آب باید تا عمق ۲۰۰ و ۲۵۰ متری زمین چاه حفر شود. با توجه به اینکه میزان متوسط بارندگی سالانه در جهان ۸۳۳ میلی‌متر بر مترمربع است، این در حالی است که

این مقدار در برخی نقاط ایران به ۵۰ میلی‌متر می‌رسد.

از جمله مسائل دیگر مربوط به بحران آب در ایران می‌توان به تغییرات اقلیمی و گرمایش جهانی و همچنین از مهم‌ترین عوامل. هدررفت بیش از حد آب در بخش کشاورزی اشاره کرد.

در ادامه، مسئله بخش کشاورزی در رابطه با بحران آب به مثابه مهم‌ترین دغدغه به‌طور مشخص بررسی می‌شود.

#### بخش کشاورزی:

بخش کشاورزی در ایران یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی می‌باشد و این در حالی است که کمبود آب، اصلی‌ترین عامل محدودکننده تولید محصولات کشاورزی و غذایی می‌باشد.

در حدود ۹۳ درصد (۸۰ میلیارد مترمکعب) از منابع آب تجدیدشونده کشور در کشاورزی مصرف می‌گردد، ولی تولیدات کشاورزی حاصل از آن (۵۱ میلیون تن) تقاضای نیاز غذایی کشور را تأمین نمی‌نماید.

نتایج تحقیقات و مطالعات مختلف بیانگر آن است که در بخش کشاورزی کشور، آب به شکل‌های مختلف و به میزان زیادی تلف می‌شود؛ به نحوی که بازده کل آبیاری در کشور بین ۳۳ تا ۳۷ درصد تغییر می‌نماید. یعنی حدود ۷۰ درصد از منابع آب به‌صورت تبخیر، نفوذ عمقی، جریان‌های سطحی به زهکش‌ها و از طریق رودخانه‌هایی که به دریا ریخته یا از مرزهای کشور خارج می‌شوند، تلف می‌گردد (ادیب، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۴).

تلفات زیاد آب در مزارع کشاورزی، بهره‌برداری نامناسب از تأسیسات آبیاری موجود، نشت آب از کانال‌های انتقال آب، نامناسب بودن شکل و اندازه مزارع در ارتباط با مقدار آب و نحوه آبیاری، نبود آگاهی کشاورزان از اهمیت بهینه‌سازی و کارایی مصرف آب آبیاری، استفاده نکردن از روش‌های آبیاری مناسب، قیمت‌گذاری نامناسب منابع آب، نامناسب بودن کیفیت بعضی از اراضی، نامناسب بودن کیفیت منابع آب مورد استفاده. به‌ویژه آب‌های زیرزمینی (تهدید کمی و کیفی این منابع). نامناسب



بودن الگو و تراکم کشت محصولات زراعی و باغی، توجه نکردن به میزان مصرف آن در انتخاب تولید محصول کشاورزی، اعمال نکردن تعرفه‌های مناسب مصرف آب برای محصولات مختلف و نامناسب بودن نظام قیمت‌گذاری آب، از برخی عوامل پایین بودن کارایی در بخش کشاورزی است.

متوسط راندمان آب در بخش کشاورزی کمتر از ۳۰ درصد برآورد شده است. این در حالی است که ۹۳ درصد منابع آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود و از همین حیث برای ما حائز اهمیت است.

مصرف آب کشاورزی - که به شکل ساده می‌توان آن را مقدار تولید در واحد آب مصرفی تعریف نمود - وضعیت استفاده بهینه از آب را در تولید مشخص می‌نماید. کارایی مصرف آب را می‌توان با:

- تولید بیشتر به ازای همان مقدار آب مصرفی
- یا تخصیص آب به گیاهان با ارزش اقتصادی بالاتر
- یا تخصیص آب از بعضی بخش‌های کشاورزی به سایر بخش‌هایی که ارزش افزوده آب بیشتر است افزایش داد (زارعی، ۱۳۸۲).

در واقع بیشترین سهم در افزایش کارایی مصرف آب تنها از سیستم آبیاری مناسب نبوده، بلکه از افزایش عملکرد ناشی از مدیریت بهتر نیز منشأ می‌گیرد. در حال حاضر مقدار آن در کشور به‌طور متوسط ۷/۰ کیلوگرم بر مترمکعب می‌باشد. محدودیت منابع آب در کشور، ضرورت و اهمیت توجه به بحث صرفه‌جویی و کاهش تلفات و ضایعات آب در کشور را مشخص می‌نماید.

علاوه بر تمهیدات فنی که می‌توان در مرحله تولید (سیستم آبیاری) به‌منظور صرفه‌جویی در مصرف آب اعمال نمود، بر اساس مباحث مطرح‌شده، گزینه کاهش ضایعات محصول کشاورزی از راه‌های عملی، کم‌هزینه و مؤثر و در عین حال کم‌مخاطره نسبت به گزینه آب مجازی در این زمینه می‌باشد (ادیب، ۱۳۹۳: ۶-۷).

آلودگی هوا:

یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که امروزه بشر با آن روبه‌رو می‌باشد، آلودگی هواست و به دلیل افزایش

بی‌رویه فعالیت‌های صنعتی، مصرف سوخت‌های فسیلی و تراکم جمعیت در برخی از شهرها روزبه‌روز شدیدتر می‌شود.

آلودگی هوا تهدیدی جدی، مستمر و فراگیر علیه سلامت موجودات زنده و محیط زیست است که علاوه بر مشکلات زیست‌محیطی و به خطر انداختن سلامت انسان‌ها و سایر موجودات زنده، دارای تبعات سوء اقتصادی و اجتماعی نیز می‌باشد که به‌صورت آرام و تدریجی و گاهی غیرقابل جبران نمایان می‌شود.

عملکرد ناهماهنگ و ناکافی دستگاه‌های ذریب در انجام وظایف قانونی - خصوصاً پیشگیری و مقابله با عوامل آلاینده‌ها - روند رو به تزاید این پدیده مخاطره‌آمیز را تشدید کرده و به تشدید وضعیت نگران‌کننده کنونی منجر شده است.

آلودگی هوا را شاید بتوان مهم‌ترین معضل محیط‌زیستی در شهرهای کشور دانست که طی سالیان اخیر پیامدهای گسترده‌ای نظیر خسارات به سلامت شهروندان، کاهش کیفیت زندگی و تعطیلی مدارس، ادارات و کسب‌وکارها را به همراه داشته است.

با توجه به ماهیت پیچیده و پویای مسئله آلودگی هوا، اقدام‌های سیاستی و اجرایی کارا و اثربخش در این حوزه نیازمند تحلیل پویایی‌شناسی است. سازمان بهداشت جهانی اعلام می‌دارد که بیش از ۳ میلیون نفر در اثر تنفس در فضای شهری سالیانه جان خود را از دست می‌دهند، تا جایی که اگر اقدامی نشود، این رقم تا سال ۲۰۵۰ میلادی دو برابر می‌شود.

بیشتر شهرهای بزرگ که در کشورهای درحال توسعه‌اند، در حال نقض کردن راهبردهای کنترل آلودگی هوا هستند. در پنج سال اخیر، آلودگی هوا ۸ درصد افزایش یافته است. بر اساس تخمین‌های سازمان بهداشت جهانی، این آلودگی سالیانه ۳ میلیون مرگ نابالغ را رقم می‌زند که باعث شده آلودگی هوا یکی از بزرگ‌ترین خطرهای برای سلامتی انسان‌ها به شمار آید.

آخرین آمار آلودگی هوای شهری که از سال‌های ۲۰۱۱ تا

۲۰۱۵ جمع‌آوری شده، نشان می‌دهد ۹۸ درصد شهرها با بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در کشورهایی با درآمد متوسط و پایین، راهبردهای سازمان بهداشت جهانی (WHO) را رعایت نمی‌کنند (سلیمانی، ۱۳۹۶).

آمارهای وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد بیش از ۳۰ هزار ایرانی به‌طور مستقیم بر اثر آلودگی هوا جان خود را از دست داده‌اند. این عدد در تهران ۶۵۰۰ نفر برآورد شده است (مرکز سلامت محیط و کار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی).

به گفته عباس شاه‌سونی، رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت، هزینه‌ها و عوارض ناشی از آلودگی هوا به وزارت بهداشت به‌گونه‌ای است که سالانه ۴۰ تا ۵۰ همت در این خصوص برای درمان بیماران به نظام سلامت تحمیل می‌شود. راهکار مقابله با آلودگی هوا، درمان نیست؛ بلکه باید پیشگیری کرد.

نکته بسیار مهم درباره آلودگی هوا، تأثیر آن بر افزایش جمعیت و بارداری است. تقریباً همه پژوهشگران بر این موضوع که آلودگی هوا می‌تواند نقش مخربی در تولیدمثل داشته باشد، نظر مشابهی دارند (گزارش مرکز بهداشت شهرستان اراک، ۱۳۹۴).

شواهد بسیاری در ارتباط با تشدید آسم، بیماری انسدادی مزمن تنفسی، سرطان ریه و کاهش عملکرد ریوی با آلودگی هوا وجود دارد؛ ولی شواهد در زمینه ارتباط آلودگی هوا و بروز آسم کم و ناپایدار است.

بر اساس گزارش مؤسسه بین‌المللی تحقیقات سرطان وابسته به سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۳، آلودگی هوا و ذرات معلق در هوا به‌عنوان ترکیبات سرطان‌زا برای انسان (گروه یک) طبقه‌بندی شده است.

چهار گروه آسیب‌پذیر در مواجهه با آلودگی هوا وجود دارند:

- زنان باردار
- کودکان
- سالمندان
- ورزشکاران

بر اساس مطالعات انجام‌شده، مشخص می‌شود که آلودگی و آلاینده‌ها از دوران جنینی تا سالمندی، تهدیدی جدی برای سلامت محسوب می‌شوند.

تهران به‌عنوان یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان شناخته می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که مهم‌ترین آلاینده هوای شهر تهران ذرات معلق PM<sub>۱۰</sub> و PM<sub>۲٫۵</sub> هستند که در مقایسه با سایر آلاینده‌ها خطرناک‌تر و پیامدهای ناگوار بیشتری برای سلامت دارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که با کاهش آلودگی هوا می‌توان بار بیماری‌های ناشی از سگته مغزی، بیماری‌های قلبی، سرطان ریه و بیماری‌های حاد و مزمن تنفسی را کاهش داد (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۷ و ۱۱).



سطح بالای سلامت و بهداشت در جامعه که از عوامل توسعه پایدار به حساب می‌آید رابطه مستقیمی با سطح آلودگی هوا دارد. بررسی‌های انجام‌شده نشان از تأثیر آلودگی هوا بر سلامت انسان و سایر موجودات داشته و آثار سوء این پدیده مخرب علاوه بر آثار حاد، آثار بلندمدت و مزمن نظیر آسم، بیماری‌های تنفسی و قلبی، بیماری‌های ژنتیکی، افزایش مراجعه به اورژانس‌ها و افزایش مرگ‌ومیر را همراه با افزایش آلودگی هوا نشان می‌دهد.

علاوه بر این، رابطه آلودگی هوا و رشد اقتصادی مقوله‌ای نیست که از چشم پژوهشگران دور مانده باشد و در این زمینه تحقیقات متعددی نشان از رابطه آلودگی هوا و رشد اقتصادی دارند (البته برخی از این هزینه‌ها حتی قابل محاسبه نیز نخواهند بود).

در مجموع آلودگی هوا با تأثیر مخرب بر کلیه شاخص‌های کیفیت زندگی شامل میزان جذابیت، سلامت، رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و غیره (در هر دو قالب رویکرد ذهنی به کیفیت زندگی و کیفیت عینی) قابلیت زیست‌پذیری در شهر را کاهش می‌دهد (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۱۴).

ریزگردها:

گرد و غبار، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های جوی و بلایای طبیعی شناخته شده، توجه بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران را در شاخه‌های مختلف علوم از جمله علوم جوی به خود جلب کرده است. منشأ و مکانیسم تشکیل، انتقال، انتشار و همچنین پیامدهای وقوع این پدیده با تکنیک‌ها و روش‌های متعدد مطالعه می‌شود.

کشورهای واقع در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان از جمله ایران همواره با پدیده گرد و غبار درگیر بوده‌اند. وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی طی سال‌های اخیر و پیامدهای احتمالی تغییرات اقلیمی در زمینه بیابان‌زایی، امروزه طوفان‌های گرد و غبار را در کانون توجه بسیاری از پژوهشگران قرار داده است.

گرد و غبار در جو به مثابه یکی از آلاینده‌ها، آثار سوء و

پیامدهای منفی گوناگونی دارد؛ از جمله:

- کاهش رشد و بازدهی محصول کشاورزی
- تشدید خسارات ناشی از بروز آفات و بیماری‌های گیاهی
- افزایش تصادفات جاده‌ای به علت کاهش قدرت دید
- لغو پروازها و خسارات مالی ناشی از آن
- افزایش هزینه درمان
- افزایش کدورت در تصفیه‌خانه‌های آبی
- افزایش سهم هزینه درمان خانوار
- افزایش مصرف آب برای شست‌وشو
- تعطیلی واحدهای صنعتی، خدماتی و آموزشی
- زیان‌های مالی وارد شده
- افزایش مصرف بنزین
- آلودگی منابع آب
- اختلال در سیستم‌های برق‌رسانی
- افزایش فرسایش بناها و کاهش عمر مفید آنها
- افت بازدهی سیستم‌های فتوولتائیک
- خورشیدی به دلیل کدورت هوا
- مشکلات روحی و روانی انسان‌ها بر اثر کاهش قدرت دید (شفیعی، ۱۴۰۰: ۸-۱۰).

یکی از مشکلات زیست‌محیطی در مناطق غربی ایران، فعالیت طوفان‌های گرد و غبار و ریزگردها در اتمسفر شهرهاست. این پدیده از سال ۱۳۶۷ بیشتر استان‌های غرب و جنوب کشور را درگیر ساخته است.

گرد و غبار بر اثر دلایل مختلفی چون:

- دخالت‌های بشری در استفاده غیرمنطقی از منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی
- تخریب پوشش گیاهی
- تضعیف خاک ناشی از فرایندهای کشاورزی
- عوامل طبیعی مانند خشکسالی و تغییرات آب و هوایی رخ می‌دهد (شاهکویی و رحمانی، ۱۳۹۸: ۱۶).

میلیون‌ها شهروند ایرانی رنج می‌برند و زندگی‌شان در خطر است. یکی از مشکلات اساسی زیست‌محیطی در ایران هوای ناسالم است و در این میان افزایش و هجوم ریزگردها و غبار سنگینی است که بخش مهمی

از شهرها و مناطق روستایی ایران را فراگرفته است. گاه تمام فضای شهر از غباری زرد و سرخ آکنده شده و مردم در خیابان و کوچه با ماسک و بدون ماسک با شتاب حرکت می‌کنند و احساس نفس‌تنگی دارند. مردم از هوای سالم برای یک زندگی ساده محروم هستند، زیرا آلودگی‌های صنعتی و ریزگردها هوا را سنگین و مسموم کرده‌اند.

ریزگردها به ذرات کوچکتر از دو میکرون گفته می‌شود که در اثر پدیده فرسایش بادی به‌وجود می‌آید. این پدیده در دوره‌های خاص به‌طور روزافزون در شهرهای جنوبی، غربی، مرکزی و نیز تهران بیداد می‌کند. یکی از نتایج این آلودگی، به خطر افتادن جدی سلامت شهروندان کشور ماست.

مطابق بررسی سازمان بهداشت جهانی، چند شهر ایران از جهت میزان ذرات گرد و غبار معلق در هوا از میان ۱۱۰۰ شهر دنیا، در رده آلوده‌ترین شهرهای جهان قرار گرفتند. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۱۱ میلادی، سازمان بهداشت جهانی شهر اهواز را از نظر میزان ذرات گرد و غبار موجود در هوا، آلوده‌ترین شهر جهان معرفی کرد (ایجاد، ۲۰۱۲: ۹).

شواهد نشان داده است که در روزهایی که آلودگی هوای ناشی از ذرات معلق زیاد بوده، در بیمارستان‌ها موارد پذیرش افرادی که دچار مشکلات قلبی-عروقی و تنفسی شده‌اند، بیشتر بوده است.

نتایج یک تحقیق از سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان بهشت زهرا نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۳، ۵۱۵۸ نفر به دلیل مشکلات تنفسی جان خود را در شهر تهران از دست داده‌اند.

همچنین ارتباط معناداری بین مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های مورد مطالعه با آلودگی هوا وجود دارد. تعداد ۲۸۹۸ نفر از فوت‌شدگان مرد، ۲۱۵۶ نفر زن و ۱۵۴ نفر نوزاد هستند. از این میان، تعداد ۲۶۶۴ مورد مرگ، به‌خاطر نارسایی تنفسی بوده است.

گزارش مجله عصرنو (۱۳۹۴: ۵). خسارات این پدیده فقط به تهدید زمین‌های کشاورزی، صنعتی و... محدود نبوده است، بلکه با مختل کردن زندگی عادی مردم آشکارا به تهدید جدی زیست‌محیطی تبدیل شده و واکنش افکار عمومی را به دنبال داشته است.

خشکسالی‌های اخیر، جنگ تحمیلی، کشاورزی، سدسازی، جنگ آب و سیاست انتقال آب از مناطق پرآب به مناطق کم‌آب در خوزستان و ایلام، دو منطقه اثرپذیر از ریزگردها، از عوامل مؤثر بر پدیده ریزگردها در غرب و جنوب ایران‌اند و سلامت شهروندان ایرانی را به خطر انداخته‌اند (شاهکویی و رحمانی، ۱۳۹۸: ۱۱).

در بعضی موارد اجرای برخی سیاست‌ها به بحران ریزگردها دامن زده و موجب تشدید آنها شده است (برزگر، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۳).

نتیجه‌گیری:

امروزه مسئله توسعه هم در جهان توسعه‌یافته و هم در دنیای در حال توسعه مورد نظر و توجه است. اما توسعه بدون در نظر گرفتن محیط زیست و آثاری که بر آن می‌گذارد امکان‌پذیر نیست؛ چرا که توسعه نباید به بهای از دست رفتن منابع صورت بگیرد.

امروزه تشدید بحران‌های زیست‌محیطی که به چند مورد از آنها اشاره شد. در ایران وضعیت خطرناکی را به وجود آورده است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی، اگرچه می‌تواند به رشد و پیشرفت اجتماعی منجر شود، اما در عین حال تأثیرات منفی قابل توجهی بر محیط زیست دارد.

بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله نشان داد که افزایش فعالیت‌های صنعتی و شهری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، منجر به تخریب اکوسیستم‌ها، آلودگی هوا و آب، و کاهش تنوع زیستی شده است. از داده‌های جمع‌آوری‌شده مشخص است که مناطق با نرخ بالای توسعه اقتصادی معمولاً با بحران‌های زیست‌محیطی بیشتری مواجه هستند. برای مثال، افزایش تولید صنعتی در این مناطق همواره با افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای همراه بوده است. همچنین، تغییرات کاربری زمین برای مقاصد کشاورزی و شهری باعث کاهش مساحت جنگل‌ها و زیستگاه‌های

طبیعی شده است.

متأسفانه کشور با کمبود شدید منابع آبی مواجه است و اجرای برخی سیاست‌ها به این بحران دامن زده است. وجود برنامه‌هایی در رابطه با حفظ محیط زیست در کشور با ضعف اجرایی و نبود آگاهی عمومی به دلیل بی‌توجهی به آموزش درست، و شانه خالی کردن افراد و کارخانه‌ها از سیاست‌ها و قوانین و عدم تخصیص بودجه کافی به این بخش روبه‌رو است.

با این حال، نتایج نشان می‌دهد که توسعه پایدار می‌تواند راه‌حلی برای کاهش این بحران‌ها باشد. کشورهای که سیاست‌های محیط‌زیستی مؤثری را در کنار برنامه‌های توسعه‌ای خود پیاده کرده‌اند، توانسته‌اند تا حد زیادی از آسیب‌های زیست‌محیطی جلوگیری کنند. به‌عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پاک و انرژی‌های تجدیدپذیر نه تنها به حفظ محیط زیست کمک کرده، بلکه موجب ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی نیز شده است.

در ایران به دلیل بهادار شدن به فعالان محیط زیست و نبود هماهنگی بین فعالان اقتصادی و متولیان حفظ محیط زیست، از وضعیت مناسبی در این حوزه برخوردار نیستیم.

در نهایت، این مقاله تأکید می‌کند که برای دستیابی به توسعه پایدار ضروری است تا سیاست‌گذاران تعادل مناسبی بین نیازهای اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست برقرار کنند. همکاری بین دولت‌ها، بخش خصوصی و جامعه مدنی نیز کلید موفقیت در این راستاست.

به‌طور کلی، نتایج این تحقیق نشان‌دهنده ضرورت بازنگری جدی در رویکردهای توسعه‌ای کنونی است تا بتوانیم آینده‌ای پایدارتر برای نسل‌های آینده فراهم کنیم.

پس علاوه بر موقعیت جغرافیایی ایران، سیاست‌گذاری‌های توسعه در ایران در تشدید بحران‌های زیست‌محیطی نقش داشته‌اند.

ارائه راهکارها:

۱. آموزش درست و بالا بردن سطح آگاهی عمومی در رابطه با محیط زیست
  ۲. تدوین قوانین و مقررات جدی برای کارخانه‌های صنعتی جهت مدیریت پسماندها و زباله‌ها
  ۳. اختصاص بودجه بیشتر به بخش حفاظت از محیط زیست و به‌کارگیری افراد متخصص در این حوزه
- موسوی، فضل‌الله (۱۳۹۵) حقوق بین‌الملل محیط زیست.
- ۱- مخدوم، مجید (۱۳۸۵)، محیط زیست، توسعه پایدار آینده ایران، ماهنامه گزارش، شماره ۱۷۶: ۶۰-۶۵.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۹۰)، بحران محیط زیست و توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار، جامعه‌شناسی ایران، شماره ۶.

- ۲- پوراصغر سنگاچین، ف.؛ صالحی، الف.؛ دیناروندی، م. (۱۳۹۲)، مقایسه روش‌های سنجش توسعه پایدار منطقه‌ای با استفاده از شاخص‌های ترکیبی، پژوهش‌های محیط زیست، سال ۴، شماره ۷.

- ۳- قرخلو، ه.؛ حسینی، سمیرا (۱۳۸۶)، شاخص‌های توسعه پایدار شهری، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۸.

- روستا، زهرا؛ منوری، مسعود؛ درویشی، مهدی؛ فلاحتی، فاطمه (۱۳۹۱)، کاربرد داده‌های سنجش‌ازدور و سیستم اطلاعات جغرافیایی در استخراج نقشه‌های کاربری اراضی شهر شیراز، نشریه آمایش سرزمین، شماره ۱۴.

- ۴- میردیلیمی، زهره؛ حشمتی، غلامعلی؛ همت‌زاده، یلدا (۱۳۹۰)، آمایش حوضه آبخیز کوچک بر اساس مدل رایج در آمایش سرزمین به روش دوترکیبی، مجله کاربرد سنجش‌ازدور و GIS در علوم منابع طبیعی، شماره ۳: ۷۵.

- ۵- انجمن علوم مهندسی آب (۱۳۹۷)، گزارش با عنوان پدیده فرونشست زمین چیست؟

- ۶- باباوغلی، محمد (۱۳۹۲)، بررسی اجمالی بحران محیط زیست در ایران حول محور آلودگی هوا و تخریب منابع آب، مجله اقتصادی، شماره‌های ۵ و ۶.

- بوچانی، محمدحسین؛ فاضلی، داریوش (۱۳۹۰)،

چالش‌های زیست‌محیطی و پیامدهای ناشی از آن؛ ریزگردها و پیامدهای آن در غرب کشور ایران، فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۲۵-۱۴۵.

- ۷- بهرام‌پور، مرضیه (۱۳۸۸)، دین، طبیعت و بحران محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه گرایش غرب، صص ۱-۲، به راهنمایی دکتر سعید بینیای مطلق و مشاوره دکتر یوسف شاقول، دانشگاه اصفهان.

حیدرزاده، طاهره و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی حقوقی افزایش پدیده ریزگردها در ایران و کشورهای همسایه با تأکید بر کشور عراق، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ... (شماره در متن نبود).

- ۸- دزیزل ایجاد ریزگردها و راهکارهای مقابله با آن، شکوفه شفیع، کارشناسی ارشد

- مهندسی محیط زیست - ارزیابی آمایش سرزمین، ۱۴۰۰، پنجمین کنگره بین‌المللی توسعه کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری ایران.

- ۹- ارزیابی خطر ریزگردها در شمال غرب ایران، اسماعیل شاهکویی و طاهره رحمانی، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۸.

- ۱۰- رویکردی دوباره بر هدررفت آب در مراحل مختلف کشاورزی، اسفند ۱۳۸۸، سمیرا ادیب، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، عضو باشگاه پژوهشگران جوان.

- ۱۱- مقاله تغییرات آب و هوایی و بحران جدی آب، فخرالضحی روستا، همایش ملی بحران مدیریت آب، اسفند ۱۳۸۸.

- ۱۲- فصلنامه روند، سال بیست‌ویکم، شماره‌های ۶۵ و ۶۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۱۱۷-۱۴۴.

- اسماعیل محمدجانی؛ نازنین یزدانیان - تحلیل وضعیت بحران آب در کشور و الزامات مدیریت آن.

- ۱۳- پیامدهای زیست‌محیطی آلودگی هوا، نام دفتر: مطالعات زیربنایی گروه آب و محیط زیست.

- الهه سلیمانی؛ مدیر مطالعه: محدودی سامانی؛ ناظران علمی: حسین افشین، محسن صمدی؛

- متقاضی: علی محمد شاعری، عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی.



# The Political and Economic Advantages of BRICS for the Islamic

Maryam Ghasemi

## Abstract

This article examines the broad political and economic advantages of Iran's membership in BRICS, focusing on the theory of multilateralism. BRICS, which includes emerging economic powers, provides financial mechanisms and multilateral structures that can strengthen Iran's position in the international system and help counting to west sanctions. The benefits of membership include boosting exports, gaining access to foreign investment, creating financial alternatives, and improving Iran's political standing.

The main research question is: What political and economic advantages does BRICS membership offer to Iran? The research hypothesis suggests that Iran, by joining regional organizations and major economic blocs, requires a combination of political factors (such as countering U.S. unilateralism, affirming nuclear rights, and reducing sanctions) and economic factors (such as energy cooperation, trade tran-

sit, and de-dollarization) to achieve its goals.

This study employs a descriptive-analytical method.

Keywords: BRICS, Multilateralism, Political and Economic Advantages, Geopolitics, Energy

## Introduction

The idea of establishing BRICS dates back to the post-bipolar era and the beginning of the United States' preemptive "War on Terror" (2001) — a period in international relations when scholars discussed the rise of American hegemony and unilateralism after the Cold War. BRICS ultimately emerged through three years of negotiations (2006–2009), resulting in the creation of an international coalition of emerging powers aimed at resisting and adapting to the unipolar world order while promoting a transformative, multilateral approach to

ENGLISH



## Editor's Note

Greetings to the esteemed readers of Jahannama,

You are now reading the fourth issue of our magazine—at a time when international politics is undergoing unprecedented and rapid transformation, and Iran remains at the center of these developments. The intensifying pressure from major powers and the growing legal and political threats—including the instrumental use of mechanisms such as the so-called "snapback"—illustrate that the global order is shaped less by justice and equality than by the logic of domination and discrimination.

Jahannama maintains that, under such circumstances, defending Iran's independence and legitimacy is not merely a political position but a national necessity. Iran must be able to withstand external pressures while envisioning new horizons for constructive engagement with the world and safeguarding its national interests.

In this issue, we have sought to present, through an analytical perspective, a picture of the major trends and challenges facing the country. We hope this collective effort will help nurture critical and responsible thinking among students and those interested in international relations.

Sincerely,

Amirhossein Karimi

Editor-in-Chief, Jahannama

culture and food security initiatives, and trade opportunities. Moreover, Iran seeks to counter international sanctions, challenge Western unilateralism, increase trade exchanges, remove financial barriers, expand transit and energy cooperation, and promote de-dollarization. Given these objectives, a central question arises: Can Iran fully utilize all the potential capacities available within BRICS?

In this research, the focus will first be on the formation of BRICS institutions, such as the New Development Bank (NDB) and the Contingent Reserve Arrangement (CRA). Then, the political and economic benefits of BRICS membership for Iran will be analyzed, followed by a comprehensive conclusion summarizing the findings.

#### Theoretical Framework

Multilateralism is a concept initially elaborated by Miles Kahler as a form of international or global governance involving multiple actors. Robert Keohane defines multilateralism as the coordination of national policies among three or more states. The core of this concept lies in opposition to discriminatory bilateral agreements, which were believed to enhance the dominance of powerful states over weaker ones and increase the likelihood of international conflicts.

John Ruggie further conceptualized multilateralism as grounded in the principles of indivisibility and diffuse reciprocity, in which interactions among three or more states are structured by generalized norms of conduct and shared principles within the international system.

In essence, multilateralism emphasizes cooperation, institutionalized coordination, and the creation of global mechanisms to balance power asymmetries—values that align with the objectives of BRICS and Iran's foreign policy orientation toward a multipolar, cooperative international order.

This behavior operates through a set or pattern of actions not tied to the specific interests of particular parties, but rather shaped by strategic needs that may exist in any given circumstance. Multilateralism, as expressed through membership in international institutions, serves to bind powerful actors to established norms, thereby preventing unilateral behavior. Multilateralism also enables smaller states to collectively ensure that major powers commit to certain obligations. Likewise, a great power, when assessing the pursuit of its goals through costly bilateral relations, may adopt a multilateral approach to exert influence on another powerful state (Aḥqāqī, 2019, p.13).

The European Union and the United States of

the global system (Sadeghi, 2023).

The primary goal of each member state in joining BRICS, despite differing motivations, has been to amplify its collective voice in the international arena without engaging in confrontation with the dominant hegemon. Therefore, BRICS represents both an anti-hegemonic initiative and a logical outcome of shifts in the global political economy (Shirkhani & Chitsaz, 2020).

As a transcontinental coalition, BRICS introduces a new structure to global economic and political systems and stands as the only powerful international alliance without the participation of Europe and the United States. This enables BRICS to serve as a strong voice in major international economic and political discussions and to challenge the dominance of the prevailing global order (Francis, 2013).

Since around 2013, during the fifth BRICS summit in South Africa — in the period often referred to as the post-Cold War era — the Is-

lamic Republic of Iran intensified its efforts to join BRICS as part of its broader strategy to counter Western sanctions and prepare an alternative pathway in case of the failure of nuclear negotiations.

After a decade of diplomatic efforts, in 2023, Iran, along with Saudi Arabia and the United Arab Emirates — both regional rivals of Iran (one political, the other economic) — as well as three other countries, became permanent members of BRICS. Iran's accession to this group was the outcome of persistent diplomatic engagement that spanned over a decade.

Through cooperation with other emerging powers such as Russia, China, and India, and other BRICS members, Iran seeks to strengthen its geopolitical and geo-economic position by emphasizing economic diplomacy, multilateralism, and participation in a new multipolar world order. Moreover, Iran aims to neutralize economic sanctions, expand relations with non-Western powers, and deepen regional and continental alliances, all within the framework of its "Neighborhood and Asian Policy.

In line with its national interests and priorities, Iran has pursued membership in BRICS (Sadeghi, 2023). The main goals and motivations behind Iran's accession include enhancing its international prestige, establishing geopolitical and geo-economic ties with emerging global powers, advancing its national economic development plans, strengthening its regional and international standing, attracting new economic partners at both regional and global levels, and gaining access to technological innovations, knowledge-based industries, agri-



Economically, BRICS members share relatively similar structures — they are among the largest and most populous countries in the world and have emerged as leading economies among developing nations. Their rapidly growing and diversified economies, along with their significant influence on both global and regional affairs, distinguish them from other states (Saeedi, Saeedi, Dehghani, 2014). One of the most important achievements of BRICS has been the establishment of the New Development Bank (NDB) and the Contingent Reserve Arrangement (CRA).

## 2. BRICS and the New Development Bank

The idea of creating a development bank with an initial capital of \$100 billion, jointly funded by the five BRICS members, represented a major milestone in the evolution of this economic bloc. The establishment of the New Development Bank (NDB) was intended as an alternative to existing multilateral development banks (MDBs) such as the International Monetary Fund (IMF) and the World Bank.

Many emerging markets had previously experienced unfavorable relations with such institutions. For instance, the Brazilian government had criticized the IMF for demanding restrictive guarantees in exchange for financial assistance.

The creation of the NDB thus signified the growing role of BRICS and other emerging and developing economies in the global economy, as well as their desire to act more independently in international economic governance and development affairs.



The multilateral NDB, established jointly by Brazil, Russia, India, China, and South Africa, is headquartered in Shanghai, China, and was designed to support emerging economies by financing infrastructure and sustainable development projects, thereby promoting a more balanced and equitable international financial order.

It was established as an alternative to the dominance of the World Bank and the International Monetary Fund (IMF). Since its formation in 2015, the New Development Bank (NDB) has issued over 35 infrastructure loans, totaling approximately \$10.2 billion across various sectors, ranging from renewable energy to transportation. The bank has also achieved high credit ratings, an essential factor that enables it to rapidly raise capital when needed (Ballard, 2020, p. 3).

America, as two key players in international law, have often pursued unilateral and exceptionalist approaches toward the international legal order. Through their divergent positions and actions, they have effectively institutionalized unilateralism in the realm of international law (Taskhiri, 2018, p.163).

## 1. Formation of BRICS

BRICS refers to a coalition of emerging powers, formed from the initials of its member countries — Brazil, Russia, India, China, and South Africa. The concept was first introduced in 2001 by Jim O'Neill of Goldman Sachs Investment Bank, who used the term to describe the world's future leading economic powers and predict global economic trends (O'Neill, 2001).

Later, during the 61st session of the United Na-

tions General Assembly in 2006, the foreign ministers of Brazil, Russia, India, and China began preliminary discussions on formal cooperation. Following this meeting, the senior leaders of BRIC (as it was then called) participated in four additional diplomatic summits — in Yekaterinburg, São Paulo, Zhangzhou, and London — to strengthen the foundation for the group's creation.

These summits demonstrated that BRIC was evolving beyond a mere concept into a functional intergovernmental mechanism. Following the first BRIC leaders' summit in 2009, the group became a recognized interstate framework for cooperation. Subsequently, South Africa made extensive diplomatic efforts to join the coalition, marking the transition from BRIC to BRICS, and expanding the group's geopolitical and economic influence across multiple continents.

In 2010, South Africa expressed a strong interest in joining the BRIC group. Eventually, during a meeting of the foreign ministers of member countries held on September 21, 2010, in New York, the members approved South Africa's accession, and following its inclusion, the group's name officially changed from BRIC to BRICS (Hanschel, 2011).

The member states of BRICS have since focused on key issues such as strategies for improving global economic conditions and reforming the international financial system. They have also engaged in extensive discussions on strengthening monetary and trade relations among themselves and playing a more influential role in global economic affairs.

The expansion of global economic integration has encouraged many developing countries — including Iran — to pursue regional cooperation as a strategy for achieving mutual financial benefits. Given the current trend of economic globalization and interdependence, regional cooperation can play a crucial role in enabling wider participation of developing nations in international markets.

For countries such as Iran that are not yet fully prepared for sudden exposure to global free trade, regionalism serves as an effective path toward the gradual opening of national economies and their integration into the global economic system (Gholami, 2006).

In fact, over half of global trade takes place within regional trade blocs, and most countries begin their initial experience with regional trade agreements through partnerships with neighboring states. Since the BRICS countries have emerged as major economic hubs among developing nations, they can serve as a model framework for Iran. Participation in BRICS could help Iran achieve its long-term economic goals (Saeedi, Saeedi & Dehghani, 2014).

Joining BRICS would enable Iran to diversify its economic partnerships beyond its existing trade partners. The BRICS nations collectively represent more than 3 billion people, creating a vast potential consumer market for Iranian goods and services. This diversification would reduce Iran's dependency on a limited group of trade partners and increase its economic resilience (Iran Chamber of Commerce Research

Center, 2023, p.27).

Among BRICS members, China and India already stand as key trading partners for Iran, with a high level of trade complementarity between their economies. Strengthening trade relations with such countries offers Iran a strong basis for economic growth and greater participation in global commerce.

Considering Iran's strategic position in the Middle East, its abundant natural and mineral resources, and vast oil and gas reserves, enhancing economic ties with BRICS members would undoubtedly promote regional and global trade development.

Moreover, BRICS member states could

From this perspective, Iran's membership in BRICS could serve as a reliable channel for obtaining loans and financial assistance, which would significantly support the country's economy during periods of sanctions.

The New Development Bank's trade and lending mechanisms can provide Iran with an alternative source of financing compared to traditional institutions such as the IMF or the World Bank. The NDB could respond to Iran's key economic needs in areas such as human capital development, poverty alleviation, healthcare, and basic infrastructure improvement.

Establishment of the BRICS Contingent Reserve Arrangement

Another key financial institution that strengthens cooperation among BRICS members is the Contingent Reserve Arrangement (CRA). The CRA was established in 2014 to provide financial assistance to BRICS member countries facing balance of payments difficulties.

The total fund of this agreement amounts to \$100 billion, financed collectively by the BRICS nations. The CRA acts as a financial cooperation mechanism, functioning as a reserve fund that provides liquidity support to member countries encountering payment crises or financial instability.

3. The primary objective of the CRA is to offer a financial safety net for BRICS nations during periods of economic stress. Its core goal is to maintain financial stability among members and strengthen their resilience against external economic shocks.

Furthermore, the CRA aims to provide a new level of financial support for member states—particularly emerging economies—and to reduce their dependence on external financial institutions during crises.

The creation of the CRA reflects the commitment of BRICS countries to enhancing mutual financial cooperation and support. It offers a mechanism for member nations to assist one another during economic pressures, thereby contributing to the overall stability and resilience of BRICS economies. (Research Center of the Iranian Chamber of Commerce, 2023)

### 3. Economic Benefits of BRICS for Iran



Moreover, BRICS members are striving to increase their collective voting shares in the International Monetary Fund (IMF) to a level that would allow them to exercise veto power within the organization, further enhancing their influence in global financial governance (Paydari Melli, 2015).

#### 4-2. Energy

Geographically, Iran is located in Southwest Asia, a region that includes Central Asia, the Caucasus, the Middle East, and the Persian Gulf. Iran is a regional power in this area and has gained a significant position in the global economy due to its oil industry, petrochemical sector, and natural gas resources. Furthermore, Iran serves as a key transit corridor connecting East and Southeast Asia to Europe, making it strategically important to major economic powers. Therefore, active participation in regional and international economic and trade organizations is both essential and inevitable for Iran (Rahmani, Askari & Abedin, 2006). Due to its vast hydrocarbon reserves and growing regional and global economic influence, Iran's importance in the energy sector has increased substantially. As a result, expanding relations with BRICS countries has become one of the key priorities of the Islamic Republic of Iran.

The competition between China and Russia over regional energy markets, along with their rivalry with the European Union and the United States regarding hydrocarbon energy sources, has created an opportunity for increased engagement and strategic cooperation with

Iran (Glosny, 2010: 31–38). The proposal by Russia and China to grant Iran observer status in the Shanghai Cooperation Organization (SCO) further confirms this growing strategic importance.

China's long-term and rising demand for oil and gas imports has driven the country to look beyond its traditional energy sphere in Central Asia and adopt a strategic approach toward energy relations with the Gulf region, especially Iran. Currently, around 45% of China's oil imports come from the Middle East, and Iran is the second-largest oil supplier to China after Saudi Arabia.

Similarly, in 2008, Iran ranked as the second-largest oil supplier to India.

The growing relations among China, Russia, and India, along with the collective stance of BRICS toward Iran, combined with the rising energy demand of Asia's major economies and

serve as ideal markets for Iranian exports while also providing reliable sources for imported goods and technologies (Saeedi, Saeedi & Dehghani, 2014).

In the following sections, this study examines several key dimensions of BRICS' economic benefits for Iran, such as Energy cooperation, Iran's geopolitical role, and De-dollarization efforts.

#### 4-1. Eliminating the Dollar and Introducing a BRICS Currency

One of the main objectives of BRICS is to establish a multilateral financial system and reduce dependence on the U.S. dollar. This goal is particularly significant for Iran, which, due to Western sanctions, has been excluded from the global financial system and is unable to use the dollar in its international trade transactions. The BRICS member states have been work-

ing toward conducting trade settlements using their national currencies instead of the U.S. dollar. During the first BRICS summit in Yekaterinburg, Russia, in 16th June 2009, Vladimir Putin, then Prime Minister of Russia, stated that BRICS represents one of the key pillars of the emerging multipolar world.

The members' criticism of the World Bank and International Monetary Fund (IMF), their decision to establish joint currency reserves, their proposal to create a new currency called the "BRICSO," and their emphasis on the need for greater oversight of international financial institutions all highlight that BRICS countries are actively confronting the dominance of the global hegemonic financial order and U.S. unilateralism (Khorramshad & Seifi, 2019).

The effort to remove the dollar from economic transactions is among the shared objectives of Iran and the BRICS members. BRICS nations are taking serious steps toward de-dollarization in both intra-group and international trade. For example, the agreement between Brazil and China to conduct part of their bilateral trade payments in their national currencies (the real and the yuan) instead of the dollar or euro marks an important step toward weakening the dollar's dominance and reducing its global influence (Rezaei & Eskandari, 2014).

This issue directly aligns with the longstanding demand of the Islamic Republic of Iran, which has sought alternatives to the dollar during years of severe sanctions imposed by the United States and Western powers.



ridor transforms into a geopolitical advantage.

Being situated along the North-South transit corridors and connecting Russia, Eastern Europe, Central Asia, the Caucasus, Southern Asia, Southeast Asia, the Far East, and the Gulf states is considered a significant advantage for Iran. With the relatively short distance and the preparation of infrastructure facilities in various transport sectors, Iran's route has great appeal for goods transit in the context of regional corridors. These advantages make it a highly attractive route for transporting goods across the region (Sadeghi Far, 2015: 13).

Iranian, Indian, and Russian collaboration shows that, despite many challenges related to strategic cooperation over the past 25 years, Iran will play an important role in future Eurasian geopolitical dynamics. This can potentially create a key connection between Iran and China (Dorsi, 2020: 2). Iran plays a pivotal role in advancing India's interests in the region, particularly against China and Central Asia. This is why India has agreed to invest up to \$635 million in the development of the Chabahar Port in Iran, which is the only Iranian port with direct access to the Indian Ocean and can link India to Eurasia (Jalikian & Tashjian, 2021: 3).

Although developing infrastructure may take some time, Iran's geopolitical position and excellent relations with all the members of the North-South Corridor offer unprecedented opportunities for it to become a major trans-

portation hub in the region (Kantasi, 2020: 1). Furthermore, Free Zones and maritime ports along the North-South Corridor serve as critical geopolitical communication nodes. On the other hand, Iran's unique geopolitical position offers the potential to become a key player in regional and international transport networks. The relationship between the BRICS member countries can become increasingly interconnected. However, there are challenges regarding Iran's geopolitical position, the most important of which is the high investment risk in Iran due to extensive sanctions, cumbersome customs regulations, and the underdevelopment of northern and southern ports and free trade zones in the country. The extensive international sanctions imposed on Iran delayed the establishment of the Iran-India North-South Corridor until 2016. With the lifting of these international sanctions and cooperation with BRICS member countries, necessary steps have been taken to activate the North-South Corridor from Iranian soil. This will not only connect landlocked countries in Central Eurasia but also link the markets of South Asia and the Indian subcontinent to Russia and the surrounding republics. It could even potentially connect the core of Central Eurasia to Africa (Visi, 2016).

By participating in projects like the North-South Corridor, Iran can transform into a vital transit hub for global trade. These trade routes, which connect India to Russia and Europe, could benefit from the BRICS platform to strengthen Iran's geopolitical position.

the reemergence of Russia as an independent power in international relations—strengthened by its energy resources—provide Iran with an opportunity to view these nations as strategic partners in the energy and economic sectors. Aligned with Iran's foreign policy orientation and its pivot toward the East, particularly toward countries like Russia, China, and India, this approach can help attract greater investment in Iran's energy industry through the formation of Eurasian national oil consortiums. It can also expand markets in this sector and enhance regional cooperation related to energy development (Azimi, 2012: 1).

It is crucial to highlight that Iran, in addition to its significant geopolitical position and strategic location in the region, as a vital connection between the Persian Gulf and the Caspian Sea, possesses vast energy resources (oil and natural gas), which are key to securing its national interests and addressing the energy security concerns of major energy-consuming countries. This is particularly relevant in the context of BRICS, where Iran's presence, bolstered by increasing partnerships with major economic powers like China and India, can further strengthen its geopolitical weight and influence (Momeni, 2014).

#### 4-3. Iran's Geopolitical Position in the North-South Corridor

Iran's geographical location has greatly enhanced its strategic importance in the global economy, especially as a transit hub for goods and the passage of oil and gas pipelines (Izadi & Shahmohammadi, 2014). For Iran, which

endured United Nations sanctions from 2009 to 2019 and is once again facing U.S. sanctions, reconnecting to the global economy has become a national priority. In fact, Iran has committed to investing 1% of its oil revenues into new railway infrastructure (Kantasi, 2020: 1).

The North-South Corridor, a vital route passing through Iran, is currently one of the shortest, most cost-effective, and fastest transit routes between Asia and Europe (Khalili, 2011:110). This North-South Corridor, which can transport goods to India (and vice versa), is one of Iran's strategic advantages. This route can generate significant revenue for Iran. Achieving such revenue (estimated at \$30 billion annually) requires the development of railway and road infrastructure (Maneshiyouri & Heiran-Nia, 2021: 284-292).

The North-South Corridor currently starts from the Port of Mumbai in the Indian Ocean and connects via sea to the Port of Bandar Abbas in southern Iran. Within Iran, transit goods are transported via road or rail transport to the northern ports of the country, and from there, they are shipped via the Caspian Sea to the ports of Russia. This corridor establishes a transit connection between the countries of Northern Europe, Scandinavia, and Russia, via Iran, with countries in the Gulf region, the Indian Ocean, and Southeast Asia (Yazdani & Shah Mohammadi, 2014). Iran's geographical role in this cor-

rience of the Islamic Republic indicate that Iran's cooperative approach with international organizations has not only enhanced Iran's position and improved its image globally, but also better secured its national and economic interests, along with the participation of Iranian diplomats in decision-making in these organizations (Karimi Tard, 2013).

Since BRICS is an organization focused on transformation, Iran utilizes it in line with its own interests. In a multipolar world, where the power and influence of the United States is waning, the Islamic Republic sees a favorable environment for securing its national interests in political and economic fields. In fact, it can be argued that the multipolar order represents an ideal, though not an idealistic, system for the Islamic Republic in the current international arena. The formation of a multipolar system could curb the excessive ambitions of the unipolar order and its one-sided approach. One important consequence of these transformations for Iran is that it can enhance its regional and even global role without bearing the pressures of the United States, within the framework of a more evenly distributed global power structure. Another result is the use of geopolitical and geostrategic elements, particularly Iran's vast oil and gas resources and regional power, which enable Iran to play an increasingly active and influential role on the international stage (Navaei, 2014).

## Conclusion

This article examines the foundations of BRICS, its objectives, and the impact it has

on Iran's politics and economy. As mentioned, BRICS began its activities in 2009 as a coalition of emerging economies. The phenomenon of global economic integration prompted these countries to adopt multilateral relations and cooperation in order to pursue their own interests within regional collaborations. Iran's accession to BRICS presents numerous opportunities for the country in political, economic, and international spheres. This membership can strengthen trade relations, reduce the economic pressures arising from sanctions, decrease dependency on the U.S. dollar by utilizing the national currencies of member countries, attract foreign investment in energy and transit sectors, and enhance Iran's position on the global stage with the support of BRICS members such as Russia and China, both permanent members of the UN Security Council. It also provides Iran an opportunity to counter U.S. unilateralism and amplify its voice in international organizations and decision-making processes. By participating in these institutions, Iran can better secure its national interests. Through these avenues, Iran can leverage the existing capacities in BRICS to achieve its long-term goals.

## References

1. Noor Ali, Hassan, Ahmadi, Seyed Abbas. (2021). "Analysis of Iran's Geopolitical Role in International Corridors and Presentation of the Model 'Iran, the Heartland of Global Corridors.'"
2. Jafari, Ali Akbar, Falah, Mehrdad. (2016). "BRICS Economic Power and Alternatives to Western Liberal Economy."

## Political Advantages of BRICS for Iran

From a political perspective, Iran's cooperation and membership in BRICS mean cooperation with the first and second largest economies of the world, three nuclear powers, two permanent members of the UN Security Council, the largest country in the world, and the leading powers of Latin America and Africa, as well as the second-largest economy in the world, among many other benefits. Although the main political issue shared between Iran and BRICS is the confrontation with the unilateralism of the United States, the areas of alignment in international issues are much broader. The BRICS members, except for Russia, are main or observer members of the Non-Aligned Movement. One of the key areas of shared interests between Iran and BRICS is opposition to the "regime change" agenda. As mentioned, BRICS leaders have repeatedly expressed their opposition to the Western approach regarding regime change in countries opposed to Western policies. The BRICS approach to political structures of countries is based on internal matters and non-interference, as the issue of "regime change" and political legitimacy removal is something the U.S. has even considered against BRICS members like Russia and China.

Another important issue is the reforms needed in international organizations, especially the United Nations Security Council. India and Brazil are two of the most likely candidates to enter the Security Council. The most signifi-

cant advantage is that Iran's voice, alone, represents just 0.5% of the global economy, but within BRICS, Iran's voice represents 25% of the global economy. By delaying confrontation with the U.S. and exercising strategic patience, Iran can reduce U.S. pressure through strategic engagement with institutions such as BRICS and the Shanghai Cooperation Organization (SCO), leveraging their collective power. It is also important to note that organizations like BRICS and SCO have demonstrated that, unlike NATO and the European Union, they do not seek economic or security integration of their members. Instead, they emphasize the importance of national sovereignty, which is one of their key principles. Therefore, there is no need to fear the loss of independence in foreign policy. (Simbar, Reza Pour Fazeli, 2019)

One of the most important foreign policy issues for Iran in the last two decades has been the disagreement of BRICS with Iran, regarding sanctions and supporting Iran's nuclear rights, as well as Iran's coordination with BRICS during the Syrian crisis. This reflects a unified stance of Iran and BRICS members against the West. However, the areas of alignment between Iran and BRICS go far beyond these issues. Iran's experience with international organizations, in matters such as UN Security Council resolutions during the Iran-Iraq War and the nuclear issue, has shown that when Iran has better cooperation with international organizations, its national security and economic and political interests are better secured (Moshirzadeh, 2014, p. 80).

Over four decades of foreign policy expe-



## Analysis of the Security Strategies of the Islamic

### Republic of Iran Towards Israel **Yekta Shafiei**

#### Abstract:

The security strategies of the Islamic Republic of Iran towards Israel are a significant issue in the international arena, as they have widespread impacts on regional security and beyond. Since the beginning of the Islamic Revolution, the Islamic Republic of Iran has adopted a set of strategies to counter the various threats posed by the Israeli regime. This article attempts to examine these strategies. The main question raised here is: What security strategies does the Islamic Republic of Iran implement towards Israel? The hypothesis proposed in this article is that since the Islamic Revolution in 1979, the Islamic Republic of Iran has had multiple security strategies, the most important of which include supporting resistance groups at the regional level, strengthening cyber defense capabilities, and employing military tools and deterrence. It implements these

security strategies to preserve national security and counter direct and indirect threats from Israel. The primary method of this research is descriptive-analytical.

Keywords: Iran, Israel, National Security, Israeli Threats, Security Strategies

#### Introduction:

National security is one of the most important policy priorities for any country, influenced by regional and international interactions. Meanwhile, the relationship between the Islamic Republic of Iran and the Israeli regime, due to deep ideological, political, and security conflicts, has become one of the most important topics in international politics. Since the victory of the Islamic Revolution, the Islamic Republic of Iran has considered Israel a serious threat to its regional and national security and has adopted diverse strategies to counter these threats.

3. Sadeghi, Sajjad. (2022). "Iranian Perspective on BRICS and Transformations in the International System: An Analytical Approach to Iranian Scholarly Articles in International Relations."
4. Shirkhani, Mohammad Ali, Jeet Saz, Mohsen. (2020). "Russia, BRICS, and Their Impact on the Structure of the International System."
5. Ashtari, Mahdi, Yoorqasab Amiri, Ali, Abouei, Fakhr al-Din. (2020). "Multilateralism vs. Unilateralism in Global Society." *Iranian Sociology Scientific Journal*, Issue 1, pp. 2347-2380.
6. Ahmadi, Hossein, Riazi, Mahdi. (2022). "The Future of BRICS and Its Strategic Impact on the Global Political and Financial Order."
7. Simber, Reza, Reza Yoor, Daniel, Fazeli, Saman. (2019). "Iran's Opportunities Regarding BRICS' Role in the Multipolar International System."
8. Saeedi, Reza, Saeedi, Khalil, Dehghani, Ali. (2013). "Possibility of a Preferential Trade Agreement between Iran and BRICS Countries." *Journal of Economic Research and Policies*, Issue 99, pp. 107-130.
9. Khordmandan, Arzu, Yousefi, Bahram, Shahabi, Rouhollah, Ejlal Yoor, Shiwa. (2019). "Iran's Membership in BRICS: Limitations and Opportunities." *Journal of Regional Planning*, Issue 2, pp. 107-118.
10. Iran Chamber of Commerce Research Center. (2022). "Macroeconomic Management and Future Prospects."
11. Khormashad, Mohammad Baqer, Seifi, Abdolreza. (2019). "BRICS and the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran." *Political and International Research Quarterly*,

Issue 20, pp. 34-53.

12. Izadi, Jahangir, Motahari Khushiani, Mostafa. (2013). "BRICS' Incomplete Coalition and Its Relation with the Islamic Republic of Iran."

13. Karimi Fard, Hossein. (2013). "The Role of International Organizations in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran."

14. Visi, Hadi. (2016). "Geopolitical and Geo-economic Competitions between Pakistan and Iran in Creating the Eurasian North-South Corridor: Advantages and Threats."

15. WWW.paydarymelli.ir, 2015. "BRICS Coalition; Its Importance and Areas of Cooperation with Iran."

16. Glosny, Michael A. (2010). "China and the BRICS: A Real (but Limited) Partnership."

17. O'Neill, J. (2001). "Building Better of Global Economic BRICS." *Global Economics Paper*, 66, 1-16.

18. Rachman, (2011). "American Decline." Available at: <https://foreignpolicy.com/2011/01/03/think-again-american-decline>

19. Hounshell, (2011). "A Short History." Available at: <http://forum.china.org.cn>.

20. Ballard, Narclay. (2020). "Failure to Welcome New Members Could Render the BRICS Association Irrelevant—Here's Why." *Word Finance*, <https://b2n.ir/781222>

hand, given the power of Islamic forces within the country and the deep-rooted Islamic sentiments in society, the Pahlavi regime could not, for a long time, take any action against the interests of Muslims. The balance of forces for and against the Israeli regime was such that the Pahlavi regime did not dare to recognize Israel, although in the statements of official authorities, no definitive position was declared regarding recognition or non-recognition. However, the Iranian government, in March 1950, about a year and a half after the establishment of the Israeli regime, recognized it de facto.

Some forces opposed relations between Iran and Israel and de facto recognition. These oppositions included popular opposition, clerics and religious scholars, and perhaps parts of the governance structure internally, as well as opposition and pressure from Arab and Islamic countries externally. Then, in 1951, Dr. Mosaddegh, in accordance with the principle of negative balance and considering public protests and some parliament members, revoked the de facto recognition of Israel and publicly announced the severance of relations with the Israeli regime.

Nevertheless, the severance of Iran-Israel relations positioned the Israelis and their British supporters against Mosaddegh and the National Movement for the Oil Industry Nationalization. However, with the fall of the national government and the subsequent coup d'état of August 19, 1953, the restored power of Mohammad Reza Pahlavi gradually re-established Iran-Israel relations.

Iran-Israel relations were a prominent example

of political covert actions and public appeasement. During this period, Iran's foreign policy towards Israel was based on the fact that Iran and Israel had active representatives and a serious presence in each other's capitals. However, even when relations were at their peak, they were handled unofficially to avoid Arab protests, and these relations were never formalized.

From 1963 to 1979, due to the country's political instability and religious movements by the people against the State and Provincial Associations law and the White Revolution, which ultimately led to the June 5, 1963 uprising, and because of the country's instability and people's religious movements, especially the ideas of Imam Khomeini, the US strategic adoption, Iran, and Israel faced a great challenge. This caused bilateral Iran-Israel relations to become increasingly erroneous, and the secrecy of these relations became their main characteristic.



After the June 5, 1963 uprising, Imam Khomeini, along with other Marja's of the Qom Seminary, issued a statement in which it was declared obligatory for Islamic scholars to renounce Israel and inform the Islamic world of the dangers of recognizing Israel.

This article examines the various dimensions of the strategies Iran has employed in response to Israeli threats.

The importance and necessity of this research lie in the fact that the security and military behaviors pursued by the Islamic Republic of Iran and Israel towards each other have extensive effects on regional security and beyond. Examining these security strategies can provide an understanding of the future of security and political developments in the region.

A review of previous research emphasizes the historical and political relations between the two countries, as well as an analysis of Iran's security behaviors against Israeli threats. However, there are gaps in the existing analyses that require more attention, and this article tries to fill this gap with a structured and documented perspective.

This article is divided into a structured format. The first section addresses the history and background of Iran-Israel conflicts. The second section will examine Iran's security strategies. Finally, the third section will point out the security challenges facing Iran in the region. Therefore, it is hoped that this research can provide new insights into Iran-Israel relations and contribute to the existing body of knowledge in this field.

## 1. History of Relations Between Iran and Israel (1-1) The Presence of Jews in Iran

Historically, one of the first instances of shared and mutual contact between Iranians and Jews dates back to 897 BC, when Nebuchadnezzar, the king of Babylon, attacked Jerusalem, plun-

dered it, took thousands of Jews captive, and brought them to Babylon.

In 538 BC, Cyrus the Great, the Achaemenid emperor, overthrew the Babylonian rule and freed the Jews. Cyrus allowed the Jews and their families to return to their homeland, but some Jews remained in Babylon, and groups also gradually entered Iran.

The flexibility and tolerance of Iranian rulers enabled many Jews to engage in various professions. A significant number of them prospered, acquired considerable wealth, and enjoyed religious independence. However, during the Sassanian era and with the increasing intervention of Zoroastrian clerics in state affairs, the influence of the Jewish community was restricted.

In the mid-7th century AD, with the fall of the Sassanian Empire, the status of Jews also transformed. They, as non-Muslim minorities, did not have equal rights with Muslims, but the government was responsible for their security. With the rise of the Safavids in the 16th century, Shia Islam was chosen as the official state religion, and a powerful religious class with unlimited influence in all spheres of life was created. Periods of various hardships were imposed on Jews, which diminished after the fall of the Safavids but were revived during the Qajar dynasty. (Shahbazi, 2014:92)

## (1-2) Iran-Israel Relations During the Pahlavi Era

From May 1948, the time of the establishment of the Israeli regime, until March 1950, when Iran recognized the State of Israel, Iran's policy towards Israel was ambiguous. On one

and connections with Iran. But peace negotiations showed that making peace with Arabs was not impossible, and from this time, Israel adopted a new approach towards the Islamic Republic of Iran.

The events of September 11, 2001, provided a suitable opportunity for Israel to intensify its hostility towards Iran. From Israel's perspective, the international environment after September 11, 2001, made it possible for this regime to extend its struggle against the activities of Hamas and Hezbollah beyond Israel's borders and even the Middle East and pursue it internationally. The main goal was to eliminate governments that supported these groups, namely Iran, Syria, and Iraq.

Finally, after the overthrow of the seemingly anti-Israeli regime of Saddam Hussein in 2003, Iran, as one of the most important regional powers, was considered Israel's main enemy. (Shahbazi, 2014:100).

## 2. Iran's Security Strategies Towards Israel

### (2-1) Iran's Support for Resistance Groups

Countries that have strategic goals aimed at changing the status quo or are not aligned with the goals of great powers find themselves in a situation of security threat. The Islamic Republic of Iran is among the countries with threatening geopolitical status and has different security and strategic goals. Therefore, great powers seek to control Iran's security space, and regional actors such as Saudi Arabia and Israel have made great efforts to limit and counter Iran's security approaches.

Iran's geopolitical position, oil and gas re-

sources, attention to the problems of the Islamic Ummah, anti-arrogance stance, and struggle against Western domination by the Islamic Republic of Iran caused the West, especially America, after the revolution, to design and implement extensive threats against Iran, ranging from war to various sanctions. From the West's perspective, the Islamic Republic system is the most stubborn enemy of America and Israel in the region and the world. This country challenges the security of the energy flow from the Middle East to the West, undermines the peace process in the Middle East, does not recognize Israel, questions its existence, and provides material and spiritual support to resistance groups. It is the herald and promoter of political Islam, which questions American values.

For this reason, America imposed many sanctions against Iran, threatened it with preemptive war, and repeatedly spoke of regime change in Iran. All these actions encouraged Iran to increase its deterrent power.

To advance its foreign policy and oppose conservative countries in the region and the custodians of American Islam, and adhering to the Palestinian cause during the Cold War, Iran did not use conventional tools in international relations. Hostility towards the two superpowers in the belief system of Iran's foreign policy decision-makers caused Iran, without using the known foreign policy tools in the bipolar system, such as the policy of alliance and cooperation with one superpower against the other, to adopt a confrontational and aggressive policy in the region.

What is certain is that Iran-Israel relations were one of the most important issues that fueled public dissatisfaction with the Pahlavi regime and thus played a significant role in the victory of the Islamic Revolution. Finally, with the victory of the Islamic Revolution, the Israelis were forced to leave Iran forever, thus ending the thirty-year relationship between Iran and Israel. (Shahbazi, 2014:94).

### (1-3) Iran-Israel Relations After the Islamic Revolution

The occurrence of the Islamic Revolution in Iran in 1979 transformed the direction of the country's foreign policy. Iran distanced itself from the West and the United States and moved towards supporting Third World issues, non-alignment, and opposition to colonialism. In this path, it revoked the de facto recognition of the previous government towards the Israeli regime, labeled it a "cancerous tumor" that must be eradicated, and severed all economic, political, and cultural relations with this regime.

From that time until now, the Iranian government has not accepted Israel's existence and naturally strongly sympathizes with the Palestinian cause in the struggle against Israel. Since the victory of the Islamic Revolution until now, combating the Israeli regime has been at the forefront of the Islamic Republic of Iran's foreign policy programs. From Imam Khomeini's perspective, if the establishment of an Islamic government

was his first priority inside Iran, outside the country, the liberation of Jerusalem and Palestine constituted his most important intellectual concern and political action.

He, referring to the connection of Zionists with the largest capitalists of the West, especially America, stated the origin and cause of Israel's emergence as follows: Israel was born from the collusion and collaboration of colonial governments of the West and the East and was created to suppress and colonize Islamic nations, and today it is supported by all colonialists. Britain and America, by militarily and politically strengthening Israel or providing it with deadly weapons, incite it to repeated aggressions against Arabs and Muslims.

However, Israel in the early years after the Islamic Revolution was not willing to sever relations with Iran, and the imposed war by Iraq against Iran provided a suitable ground for this relationship. But the principled behavior of Iran's foreign policy, emphasizing Islamic values in dealing with the Israeli regime, remained.

At that time, many Israeli officials believed that since making peace with Arab countries was impossible, Israel should continue its ties



of Iran were transformed under the influence of the international system and to meet the urgent necessities and needs of the country, although inside, the duty-oriented discourse based on ideological principles was still dominant.

For example, Iran, regarding the developments in Central Asia and the Caucasus, considering Russia's considerations, pursued a pragmatic foreign policy, which is notable in the Tajikistan civil war and the Nagorno-Karabakh crisis.

On the other hand, after the Cold War, revolutionary and dissatisfied countries, to resist the pressure of the international system and influence the regional environment, had to obtain more diverse tools. Revolutionary countries, due to the limitations they face, will not be able to easily provide these tools, and they cannot seek to form regional defense pacts. If a country has a revisionist approach, it can only subjugate sub-state actors and social forces under its political, defensive, and security will. Therefore, countries with liberating orientations must find new strategies and audiences to achieve their goals.

This is how Iran tried to invest in anti-arrogance and anti-Zionist groups and movements in the region to advance its confrontational foreign policy strategy.

Iran, with a pragmatic approach, turned to the conventional policy of alliance and thus balancing to counter America, so that it would not have to submit to the new conditions of the international system after the Cold War, i.e., the necessity of accompanying the sole superpower. In other words, the Islamic Republic,



based on the theory of the Islamic government and hostility towards global arrogance and international Zionism, to observe the principle of self-reliance and create deterrence against America and its allies in the region, who had the upper hand in terms of conventional military capabilities, turned to the strategy of forming resistance groups to use as a non-conventional tool to secure its interests and prevent external threats.

In other words, mobilizing groups aligned with

The radical policy of exporting the values of the revolution to various regions and defending Muslims of the world and liberation movements, while arousing the suspicion of the superpowers, created deep concern in the governments of Islamic countries, which were mostly non-democratic regimes, and led to Iran's international isolation. In reality, Iran, with limited capabilities, was facing the international system.

In the eight-year Iran-Iraq war, not only Arab

countries but also the two superpowers of the East and West supported Saddam.

One of the most important results of the eight-year war was that the officials of the Islamic Republic of Iran realized that they could not fight on all fronts simultaneously.

With the collapse of the Soviet Union in 1991, the bipolar structure of the international system disappeared, and the United States was positioned as the world's sole superpower. Many countries of the Eastern Bloc had no choice but to accept American liberal democracy. In this context, the situation of a country like Iran, which had placed itself in conflict with a superpower like America, became more difficult because, based on its ideological and ideal principles, it could not agree with the establishment of a unipolar system that had contributed to the injustices of the previous system.

From then on, the determining factor of Iran's foreign policy was ideological opposition to America. But Iran, using the experiences gained in the war with Iraq, needed new tools to counter the threats from America and the West. Iran realized that to fight its main enemy, America, and its regional ally Israel, it had to turn to the policy of alliance with other actors. The end of the Iran-Iraq war in 1989, on one hand, and the collapse of the Soviet Union in 1991, had prepared this ground.

In fact, the end of the bipolar international system created new security conditions in Iran's regional environment and accelerated the re-orientation of Iran's foreign policy from idealism to pragmatism and alliance-building. In other words, the goals of the Islamic Republic

and expand the sphere of influence and geopolitical borders in West Asia, and concurrently, helping to form Hezbollah in Lebanon in the early 1980s, can be considered the foundations of the formation of Iran's strategic depth policy. Iran-Iraq relations in a historical process have always been full of conflicts. In fact, although at the beginning of the 21st century, US attacks on Afghanistan and Iraq created a threat to Iran's regional interests, this very issue led to the formation of an alliance between Iran, Syria, and Hezbollah in Lebanon, and gradually the ground was prepared for the stabilization of Iran's strategic depth to counter the Zionist regime.

On the other hand, in recent years, Iranian officials and military commanders have always emphasized the policy of strengthening and expanding strategic depth in their strategic environment to counter extra-regional and regional threats, including the Zionist regime. The Zionist regime has also repeatedly declared in recent years that Iran is the most important enemy of this country and the priority of its foreign and security policy is to counter Iran. In response, the Islamic Republic of Iran, using its elements to create deterrence, has acted to expand and strengthen its strategic depth in Iraq, Syria, and Lebanon.

Iran's strategy against the threat of the Zionist regime is based on the idea that the best defense is to have a good offensive capability, and here, a good offensive means having a strong deterrent fortress and borderless warriors alongside the borders of the Zionist regime. The reality is that many governments

that are Iran's rivals at the regional level and are known as the Arab Sunni alliance thought that the ultimate crisis in Iraq and Syria would lead to the weakening of Iran's power and regional influence in these countries. (Esmaili, Ebrahimi, Zamanian, 2023:124)

#### (2-2) Cyber Defense

The main goal of defense is to direct all enemy activities outside one's own systems, and objectives such as recoverability, integrity, and the ability to maintain trust are also real objectives in this field.

Organized and directed measures to prevent attackers from damaging military capabilities in the context of cyber technologies are classified as defensive cyber operations.

The measures used by armed forces in this field are very similar to the methods used by cyber organizations and institutions to keep aggressors away because the tools used in this field are, in many cases, common. For example, the same firewall systems used in military environments are also used in non-military environments and other organizations and institutions.

In the latest version of the Joint Publication for Cyber Operations in 2018, defensive cyber operations are defined as missions performed to defend the Department of Defense information network or other designated cyber forces of the Department of Defense against active threats in cyberspace.

Defensive cyber operation missions are specifically dedicated to preserving friendly forces' capabilities and protecting data, networks, re-

the government's ideology outside Iran's borders was considered a strategy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, and Iran tries to resist America's hostile policies by forming and organizing non-state allies. Thus, the entry of resistance groups into the competition between Iran and the West became a long story that continues from the day after the collapse of the Soviet Union until now.

In fact, the defensive and security function of the Islamic Republic of Iran, which is a symbol of critical power against hegemonic powers, has been the critique and opposition to the movements of the hegemonic power in international politics, and resistance groups and wars are part of the reality of Iran's strategic policy-making in the Middle East.

Iran has extensive geographical borders and is adjacent to threatening neighbors, and it needs more power balance against the enemy. Therefore, Iran, in the absence of independent and anti-hegemon governments in the region, needed strategic cooperation with non-governmental groups opposed to the hegemonic system in the Middle East to be able to defend its existence, security, and national interests against the all-round pressures of the United States and its friends.

In general, the collapse of the bipolar system and the end of the imposed war with Saddam's regime caused the Islamic Republic of Iran to place direct entry into another war at the last priority of its security-defensive policy and to consider the strategy of utilizing non-governmental resistance groups and ideologies against external dangers more appropriate to

its own conditions and requirements.

In other words, the new self-reliance conditions that emerged due to the emergence of a multipolar structure tending towards unipolarity, as well as the country's internal needs after the imposed war, caused a change in the behavior of the Islamic Republic's foreign policy. Therefore, the main reason for Iran's focus on resistance groups was based on strategic logic, stemming from the new self-reliance conditions that emerged due to the new structure of the international system, and not the formation of a Shiite crescent or a Persian empire. (Roumi & Kazemi, 2021-2022).

A fundamental evolution in the context of Iran's national security caused a change in the strategic perception of Iranian elites in the field of defense-security policymaking. The imposed war by the Iraqi regime against Iran, the US war against Iraq in 2003, and the active and prominent presence of American forces in the strategic environment can be considered as a fundamental change in the attitude of Iranian elites.

After the fall of Saddam in Iraq, due to the power vacuum in the Iraqi political scene, conditions were prepared for the role-playing of the Islamic Republic of Iran in the Iraqi political environment and the regional environment. Iraq, due to its territorial contiguity with Iran and its connecting position with other layers of extraterritorial strategy, is considered the most important country for Iran in terms of credibility assessment and prioritization.

The presence of the Islamic Republic of Iran at the regional level of West Asia to increase

- Existence and formation of cyber police and criminal laws related to cyber-crimes and threats.
  - Relative formation of cyber defense organizational structure in military and civil organizations.
  - Existence of cyber defense fields at master's and specialized doctoral levels in the country's universities.
  - Ability to design, produce, and employ indigenous encryption software for use in the country's cyberspace.
  - Ability to discover, identify, and analyze threats and vulnerabilities of critical, sensitive, and important cyber infrastructure.
  - Relative ability in tracking, identifying, locating, and quickly responding to enemy cyber threats.
  - Relative synergy between elites and security sectors of military and civil organizations in safeguarding, supporting, and defending the country's cyber assets. (Sepehri, 2021, p.165)
- Generally, cyber defense and cybersecurity policies are considered as components of soft power and defensive deterrence capability. The 2010 cyber-attack on the Natanz nuclear facility's centrifuges by the Stuxnet virus indicates the importance of cyber defense in the era of modern threats for protecting the country's sensitive facilities.
- In the report of the American Military Power Index in 2016, major threats facing the United States were addressed, and Iran's cyber capability was listed among these threats. Using this report, it is stated that Iran's cyber capa-

bilities are one of the great dangers threatening America and its allies. Iran is the fourth cyber power in the world.

Another important point to consider is the deep and close connection between cyberspace and what is called asymmetric warfare or asymmetric defense. The concept of asymmetry refers to inequality and dissimilarity in forces and equipment. In asymmetric warfare, a state tries, instead of direct and face-to-face confrontation with a power that has superior facilities and equipment, to use indirect confrontation and utilize the principles of first strike, ambiguity, exploiting the enemy's gaps, and focusing on its weaknesses to achieve maximum benefit. These conditions create a unique motivation and ground for entering cyber battles with the aim of striking the enemy. (Khezri & Ghasri, 2017:70)

### (2-3) Military Behavior

After the end of the Cold War and the increasing importance of the principle of self-reliance in the international system, Iran, which, due to its nature, conflicted with the international system, also moved towards increasing its military power, especially after the events of September 11.

In this path, factors such as the experience of the imposed war with Iraq, neighborhood with three nuclear powers (Pakistan, and implicitly Israel/uncertain), Iran's lack of nuclear deterrent capability, the presence of foreign forces in the peripheral security environment, Iran's non-membership in security-military pacts, the increase in violence and threat production in

lated cyber equipment, and other capabilities and equipment exposed to cyber threats. These actions are actually designed and implemented for when current threats succeed in breaking or bypassing security measures implemented within the Department of Defense information network operations, or when there is a probability of their defeat or bypass by threats. Defensive cyber operations are threat-based and periodically support operational objectives. The main goal of defensive cyber operations is to repel the current threat or restore an at-risk network to security and normal functionality. Implementations of defensive cyber operations include:

- Internal Defensive Measures of Defensive Cyber Operations
  - Responsive Activities of Defensive Cyber Operations
  - Defense of Non-Department of Defense Cyberspace (Sajjadi, Azar, 2020) (pp. 12-13)
- Among the strengths of the country's cyber defense are:
- Enjoying the support, emphasis, and backing of the Supreme Leader and other system officials in the field of the country's cyber defense.
  - Existence of upstream documents and general policies of the system in the fields of passive defense and the country's strategic document for passive defense and the strategic document for cyber defense.
  - Suitable facilities and capacities in the field of passive defense and cyber defense of the country, and cooperation of civil and mili-

tary organizations in the field of cyber defense.

- Existence of a suitable cyber defense structure with the formation of the country's cyber defense headquarters in the Passive Defense Organization to monitor and counter threats in the country's cyberspace.
- Capability to design, build, and upgrade cyber equipment in the country in the software and hardware fields.
- Existence of very good scientific, educational, research, and industrial capabilities and a growing trend in military and non-military universities of the country in designing, building, employing, and reverse engineering indigenous software and hardware.
- Relative possession of committed and specialized human resources in the field of the country's cyber defense.
- Relative growth and development of knowledge and indigenous software and hardware technologies of cybersecurity.
- Existence of relative synergy between military and non-military elites in the field of the country's cyber defense.
- Alerting civil and military organizations about the consequences of previous enemy cyber-attacks, threats, and malware on the country's critical, sensitive, and important infrastructure.
- Relative culturalization of cyber defense in military and civil organizations as the fifth dimension of wars.
- Formation of cyber rescue and relief centers in the country.
- Existence and formation of the Supreme Council of Cyberspace in the country.

America in the Persian Gulf and Iran's neighboring countries, and the threats of the Zionist regime, made the defensive self-reliance approach against external threats an inevitable option for the country. This was achieved through the indigenization of missile technology, and considering the choice of deterrence as Iran's main defensive strategy, in the process of modernizing and upgrading military industries, much emphasis was placed on acquiring and enhancing missile technology.

Development and evolution in ballistic missiles and the defensive strategy of the Islamic Republic of Iran, increasing the level of missile capability is a fundamental step in the development of space technologies, which will be achieved by Iran through developing space capacities and building powerful and advanced missiles to create effective deterrence; therefore, one of the effective strategies by Iran, which has efficient flexibility as an indigenous technology and also the ability to counter extensive threats, is increasing the capability of ballistic missiles. (Gholami, 2019:142)

#### (2-4) Deterrence

Thinking about regional security concerns is a priority of Iran's security and defense policy-making, but the threats facing Iran, in addition to the regional dimension, have dimensions beyond the region, which has taught Iranian policymakers to think both regionally and globally in their defensive doctrine.

The procedure of states and other actors in the international community well demonstrates

that adopting such defensive measures against threats has been Iran's legitimate right.

In the 20-Year Vision Document and the Fourth Development Plan Law, and in the political, defense, and security affairs chapter of the general policies of the Fifth Development Plan, enhancing defensive capabilities and deterrence power, and development based on deterrence from the base of the power to act in decisive reaction to ensure national security by the armed forces and the Ministry of Defense have been put on the agenda.

The extensive presence of America in the region and the threat-creating environment surrounding the Islamic Republic of Iran, often due to American provocations and the imposition of international sanctions, especially in the field of weapons and high-level and advanced technologies, and also based on the principle of self-defense, which is consistent with the literature of the neoclassical defensive theory and the logic of international relations, has caused Iran, while thinking about self-sufficiency in the field of conventional weapons, to place attacking the enemy's weaknesses based on conventional capabilities rooted in asymmetric warfare in its defensive policy, so that it can make potential and actual enemies believe that aggression against Iran will impose heavy costs on them.

Iran's weapons have a deterrent nature; many of these types of defensive equipment and weapons can neutralize the offensive capabilities of international countries, especially America.

Today, Iran's security is based on a defensive

the Middle East, and the emergence of terrorist groups such as Al-Qaeda, Taliban, ISIS, and finally the increase in military expenditures of Iran's regional rivals such as Saudi Arabia and Turkey played important roles.

Considering these conditions, Iran moved towards creating balancing against the threats of its security environment and tried, by reviving Iran's regional power, to counter the threats facing it through two strategies: external balancing in the form of establishing close and strategic relations with China and Russia within the framework of the "Look to the East" policy, and internal balancing in the form of increasing its own power. (Vazirian & Shokouri, 2024, p.16)

Undoubtedly, one of the most important axes of Iran's security-military strategies is the effort for comprehensive deterrence and increasing defensive capability.

After the victory of the Islamic Revolution, many efforts were made to increase defensive capability, but planning for investment in the advanced missile industry has been the most important effort in the field of increasing defensive deterrence. Missile power is not only part of Iran's defensive doctrine based on conventional deterrence but is also its center.

Iran's military structure during the second Pahlavi era was shaped for American weapons. Following the revolution and Iraq's attack on Iran, the nascent Islamic Republic found itself very weak in terms of military power, especially the air force, and dependent in terms of international relations; because the air force was only equipped with remaining equipment

from the Pahlavi era, which after the revolution, due to arms embargo, was deprived of its modernization and stagnated during the imposed war. Therefore, to compensate for its shortcomings, it turned to alternative weapons, such as missiles. Missile weapons, compared to fighter jets and other military equipment, do not require very high technology, and their production and development costs are lower. Also, missile production for countries like Iran, which face limitations in accessing advanced technologies, is easier due to requiring less infrastructure. Iran, by investing in the capacities of domestic industries and importing weapons technology from the Soviet Union, China, and North Korea, succeeded in taking big steps towards achieving its defensive goals despite limited access to Western technology. Considering the nature of Iran's enemies, missile power must be enhanced, which will lead to broader military deterrence. The position of missile technology in the security of the Islamic Republic of Iran, achieving missile power, has a special place in the defensive strategy of the Islamic Republic of Iran. The Iraq war against Iran and the first Persian Gulf war showed that the existing limitations in international treaties regarding the use of weapons of mass destruction and the prohibition of using military tools against civilian citizens did not prevent Iraq from using these weapons, and the international community did not take serious action in this regard. Furthermore, the wars showed the very high role of missiles in future forces.

Iran's regional conditions after the collapse of the Soviet Union and the extensive presence of

urity environment that, in each complex and with each member country in each complex, requires a specific kind of relations and interactions.

On the other hand, this region has high sensitivity and human vulnerability, and this point obliges Iran to create strong diplomatic links with regional countries. Therefore, helping to form powerful and capable governments to manage internal conflicts and instabilities, increasing cooperation and participation among regional governments, transparency and information exchange that can lead to improved regional security, and limiting the influence and role of extra-regional powers in the regional security system to help create an indigenous security system, rooting out and controlling sectarian tensions in the security environment of the Islamic Republic of Iran, concluding bilateral security agreements with regional countries, expanding the application of new technologies in identifying terrorist factors, and utilizing various methods of counter-psychological operations are of fundamental importance. (Karami & Alizadeh, 2012:92-93)

### (3-2) Iran's Security Challenges in Confronting Mossad and Other Israeli Organizations Intelligence and Espionage Infiltration:

One of the biggest security challenges for Iran is the intelligence and espionage infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations. Mossad, using advanced espionage techniques and covert networks, has been able to access Iran's sensitive and strategic information. This infiltration includes information

gathering through human spies, electronic means, and cyber-attacks. For example, the theft of Iran's nuclear documents in 2018 and the assassination of Mohsen Fakhrizadeh in 2020 are examples of these infiltrations.

#### Internal Security Weaknesses:

One of the main reasons for Mossad's success in infiltrating Iran is internal security weaknesses. These weaknesses include a lack of coordination between security institutions, corruption in security apparatuses, and a lack of resources and advanced equipment. For example, in some cases, Mossad spies have been able to access sensitive information using bribery and corruption. Also, the lack of coordination between different security institutions has caused information not to be shared properly, and counter-espionage operations are not carried out effectively.

#### Cyber Threats:

Cyber-attacks are another security challenge for Iran in confronting the infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations. Mossad, using advanced cyber techniques, has been able to infiltrate Iran's information systems and computer networks and steal sensitive information. For example, the Stuxnet cyber-attack on the Natanz nuclear facility in 2010 is one of the prominent examples of this type of attack.

#### Regional and International Impacts:

The infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations in Iran has extensive effects on national and regional security. This infiltration has increased tensions between Iran and Israel and fueled regional instability.

strategy, and it must be remembered that the purpose of defensive actions and strategies, except in rare cases, is not only defense against enemy attacks but also to create and strengthen the perception that any enemy attack will be met with a crushing response. (Asgarkhani & Hagh Shenas, 2012:90-91)

### 3. Security Challenges

#### (3-1) The Security Position of the Islamic Republic of Iran

Generally, a security complex is a set consisting of several securitizing neighbor actors. It should be noted that being territory-based and territorial contiguity between all actors are essential, and in this type of complex, one or several external security factors have created connectivity among several securitizing neighbor actors with shared geographical borders.

External security factors in the peripheral security complex are mainly inside the member countries, which have taken shape among the members as a shared issue or problem, and the members play a role in the process of securitizing and de-securitizing it, such as the peripheral security environment between Iran, Turkey, Iraq, and Syria over the Kurds.

Challenges of the security complex refer to the set of actions, behaviors, or situations and phenomena that produce public language or a combination of profit/loss language at the level of the security complex and have an acceptable relation to security. (Karimi & Alizadeh, 2012:77)

Generally, the Islamic Republic of Iran, due to the formation of its peripheral security en-

vironment from the West Asian security complex, the Persian Gulf, Central Asia, and the Eastern security complex, faces extensive risks, challenges, and developments.

West Asia is an exceptional region where no serious sign of the establishment of a security system in it or Iran's peripheral environment is visible. The non-formation of a comprehensive and stable security system, the continuation of insecurities and instabilities in West Asia due to geopolitical position and various other factors, have created threats and challenges for Iran, which we can generally refer to as follows:

- Presence of fragile states in Iran's peripheral security environment (Afghanistan, Pakistan, ...)
- Occurrence of internal and international wars and conflicts in regional countries.
- Spread of religious conflicts and international terrorism, especially in Saudi Arabia, Pakistan, and Afghanistan.
- Agglomeration of non-democratic and developing states in the region.
- The issue of Palestine and the usurping regime of Jerusalem and related cases.
- The efforts of the hegemonic system and the Zionist regime to strike Islamic resistance, including directing the events of Syria in recent years.
- The multiplicity of neighboring countries, so that Iran, after Russia and alongside China, with 15 neighbors, has the largest number of neighbors in the world.

Considering the above characteristics reveals that Iran is located in a truly complex secu-

have extensive effects on the country's domestic policies. These challenges can lead to increased pressure on the government and security institutions for reforms and strengthening internal security. Also, these challenges can lead to changes in the country's security and intelligence policies and increased focus on countering external threats.

#### Impact on the Country's Economy:

The infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations in Iran has negative effects on the country's economy. These infiltrations can lead to increased international pressures and economic sanctions against Iran, which ultimately weakens the country's economy. In addition to these sanctions, sabotage operations in strategic facilities can lead to a reduction in oil and gas production and exports and an increase in security costs. (Jafari, 2024:13-14)

#### Conclusion:

The examination of the security strategies of the Islamic Republic of Iran towards Israel indicates significant complexities stemming from a long history and continuous tensions between the two countries, shaped based on ideological and strategic security needs.

These strategies, which include supporting resistance groups, strengthening cyber defense capabilities, military actions, and deterrence, are designed to reduce security threats from Israel and protect the national interests of Iran at the regional and global levels.

Iran always tries to ensure its security by creating a balance in regional powers and reduc-

ing potential threats. However, Iran's security strategies face numerous challenges that can have significant impacts on their success and effectiveness.

Intelligence and cyber threats, and vulnerabilities in Iran's internal security are all factors that can weaken the effectiveness of these strategies.

On the other hand, the actions of Mossad and other intelligence organizations in the form of espionage infiltration and security threats, especially in the intelligence and cyber fields, have always been a threatening factor for Iran. These threats, in addition to affecting Iran's national security, can challenge the security balance in the Middle East and create tensions in Iran's domestic political space, economic challenges, and complexities in the country's international relations.

Finally, what emerges from this analysis is that Iran must use a multi-faceted approach, while strengthening defensive and security infrastructures, improve its international and regional cooperation, and especially utilize more capacities in the intelligence and cyber fields. Otherwise, the existing challenges can have negative and profound effects on Iran's national security and regional stability.

#### References:

1. Shahbazi, Elham (2014). Iran and Israel from Cooperation to Conflict. Quarterly Journal, No. 12, p.93.
2. Roumi, Farshad & Kazemi, Ehsan (2021). The Position of Resistance Groups in the Foreign Policy Strategy of the Islamic Re-

#### Domestic and International Reactions:

The infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations in Iran is also an important security challenge. Inside Iran, this infiltration has increased concerns and criticisms of the security apparatuses and increased public demands for reforms and strengthening internal security. At the international level, this infiltration has increased pressures and sanctions against Iran and fueled diplomatic tensions between Iran and other countries. (Jafari, 2024:10-11)

#### (3-3) Impacts of Security Challenges on Iran:

##### Impact on National Security:

Iran's security and intelligence challenges have extensive impacts on the country's national security. The infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations into Iran's sensitive and strategic information has reduced trust in the country's security and intelligence apparatuses and endangered national security. These infiltrations can lead to the disclosure of Iran's vital information and strategic programs, which ultimately results in the weakening of the country's defensive and security power.

##### Impact on Nuclear Programs:

One of the most important impacts of the infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations is the impact on Iran's nuclear and military programs. The assassination of Iran's nuclear and missile scientists and sabotage operations in strategic facilities have caused delays in the progress of the country's nuclear and military programs. These delays can lead to a reduction in Iran's deterrent pow-

er and increased international pressure on the country.

##### Impact on International Relations:

The infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations in Iran has extensive effects on the country's international relations. These infiltrations have increased tensions between Iran and Israel and fueled regional instability. Also, these infiltrations can lead to increased international pressures and sanctions against Iran, which ultimately weakens the country's economy and security.

##### Impact on Regional Cooperation:

Iran's security and intelligence challenges have caused the country to seek to strengthen security and intelligence cooperation with its allied countries in the region. These cooperations can lead to an increase in Iran's defensive and security power and counter common threats. For example, Iran's security cooperation with neighboring countries such as Iraq, Syria, and Lebanon can help strengthen regional security and reduce the influence of spies in the region.

##### Impact on Public Trust:

The infiltration of Mossad and other Israeli intelligence organizations in Iran has reduced public trust in the country's security and intelligence apparatuses. This reduction in trust can lead to reduced public cooperation with security apparatuses and increased public concerns and criticisms. To rebuild public trust, security apparatuses need to increase transparency and accountability and strengthen their performance.

##### Impact on Domestic Policies:

Iran's security and intelligence challenges



## Obstacles to Foreign Investment in Iran **Fatemeh Amraei**

Abstract:

Foreign investment is considered one of the key factors in the economic development of countries. In recent decades, many countries have been able to achieve sustainable economic growth and strengthen their position in global markets by attracting foreign investments. Iran, with its rich resources and large market, has a high potential for attracting foreign investors. However, in practice, there are several obstacles that hinder the attraction of foreign investments, which can affect the country's economic development process. The main research question of this study is: What obstacles exist in the path of foreign investment development? The hypothesis of the research is that by identifying the existing obstacles, Iran can move towards sustainable economic development. The research method used in this study is analytical-descriptive.

Key Terms: Resistant Economy, Infrastructure,

Foreign Investments, Economic Sanctions, Economic Development

Introduction:

The development of foreign investment, as one of the fundamental pillars of modern economies, plays a vital role in achieving the developmental goals of countries. In this regard, Iran can become an attractive place for foreign investors with its unique potential. The development of foreign investment in Iran is of significant importance because the inflow of foreign investments brings new financial resources into the country's economy, which leads to infrastructure development. In addition, it creates opportunities for the entry of advanced technologies, the creation of new job opportunities, and the reduction of unemployment rates, among other benefits. However, there are multiple obstacles and challenges in the way of attracting these investments that must be addressed. This article

public of Iran. *International Politics Quarterly*, No. 1, pp.142-146.

3. Sajjadi, Vahid & Azar, Daroud (2020). Promoting the Ability of the Islamic Republic of Iran Army to Counter US Army Cyber Operations. *Military Sciences and Techniques Quarterly*, No. 51, p.13.

4. Sepehri, Mohammad (2021). Developing Cyber Defense Strategies Against Future Enemy Threats in the 2026 Outlook Horizon. *Defense Futurology*, Year 6, No. 33, p.165.

5. Shokouri, Abolfazl & Vazirban, Amirhossein (2019). \*The Revival of Iran's Regional Power (2005-2017) \*. *International Political Research Quarterly*, No. 38, pp.16-18.

6. Zamanian, Alireza; Esmaili, Mohsen & Ebrahimi, Minoos (2023). Strategic Depth Defense of Iran to Counter the Zionist Regime and the National Security of the Islamic Republic of Iran. *Theorizing Quarterly*, No. 3, p.124.

7. Ghezbavi, Nourallah & Khezri, Ehsan (2016). Defense Policy of the Islamic Republic of Iran System. *Scientific Research Quarterly*, No. 37, p.70.

8. Allami, Saeed (2019). Defense Diplomacy of the Islamic Republic of Iran. *Defense Policy Journal*, Year 27, No. 107, p.142.

9. Asgarkhani, Abu Mohammad & Hagh Shenasi, Mohammad Reza (2011). Regional Threats and Armament-Security Strategies of the I.R. Iran. *Defense Strategy Quarterly*, Year 9, No. 33, pp.90-91.

10. Karimi, Reza & Javanzadeh, Mohammad (2012). Security Environment Challenges of the Islamic Republic of Iran from the Perspective of the Peripheral Security Complex. *Scientific Research Quarterly*, Year 11, No. 40.

11. Jafari Hezarjani, Nouredin (2024). Security and Intelligence Challenges of Iran in the Region with the Infiltration of Mossad and Other Israeli Intelligence Organizations, pp.10-14.



ing the survival of societies in the modern world. These infrastructures are used for the production and distribution of goods and services in societies and have a direct impact on life in cities and villages, depending on the quality and quantity of their functioning. (Sultani et al., 2014, p. 84)

### 1.3 Foreign Investment

There are various definitions of foreign investment, some of which are as follows:

A. Foreign investment refers to the production of goods that can be offered in the market, which means the production of goods that generate income for the companies investing.

B. The transfer of funds or materials from one country to another to use the facilities of an economic institution in the host country in exchange for direct or indirect participation in the profits of the institution.

C. It is equivalent to the use of foreign capital in an existing or newly established economic institution, after obtaining an investment permit, which is used for the production and construction of goods, extraction of raw materials, establishing and expanding financial institutions, etc., across national borders. Therefore, the importance of foreign investment in the development of a country is undeniable, to the extent that, without it, development is not feasible, especially in developing countries. Today, even industrialized countries prioritize attracting foreign investors as much as private ownership. (Hossein Emami, Iran Newspaper). It should be noted that in order to utilize foreign investment better, the appropriate conditions and environment must be

in place. Alongside preparing the environment for domestic investment, foreign investment can also complement it.

Some laws regarding foreign investment include:

A. Foreign investment shall be accepted for development, prosperity, and productive activity—including industrial, mining, agricultural, and other such sectors—provided that other prevailing laws and regulations of the country are observed.

B. The investment of foreign governments or foreign governments in the Islamic Republic of Iran is subject to approval by the Islamic Consultative Assembly, depending on the case.

C. The exchange rate applied at the time of the entry or exit of foreign capital is the official exchange rate in the country's official network; otherwise, the free market rate, as determined by the Central Bank of the Islamic Republic of Iran, will apply.

D. The original foreign capital, along with its profits or any portion of the original capital that remains in the country, may be transferred abroad after the completion of all legal deductions and obligations and with the approval of the Minister of Economic Affairs and Finance.

deeply analyzes the obstacles and opportunities for the development of foreign investment in Iran, aiming to identify the factors influencing this field. Research on foreign investment and identifying the barriers is not only an economic necessity but also of significant importance in improving the living conditions of society and ensuring the country's sustainable development. The main goal of this research is to identify the existing barriers and introduce favorable conditions for attracting foreign investors to Iran. By recognizing these barriers, appropriate policies and strategies can be formulated to attract more foreign investment. Previous research in this field has mostly examined various aspects of foreign investment and its impact on the economic growth of countries, but many of these studies have not specifically focused on Iran and the obstacles to foreign investment development in this country. This article aims to address this research gap with a more comprehensive and detailed analysis.

The structure of the article is designed in a way that the first section will focus on identifying key obstacles to foreign investment in Iran. In

the second section, the positive conditions and available opportunities for the development of foreign investment will be examined. Furthermore, the article will conclude with a summary and practical recommendations for improving the foreign investment situation and overcoming the existing barriers. With this approach, it is hoped that this research will serve as a useful resource for policymakers and researchers in this field.

## 1- Definitions of Concepts

### 1.1 Resistant Economy

A resilient and sustainable economy is the best and most appropriate definition that can be given for a resistant economy. In other words, both resilience and sustainability are concepts that are combined in the term "resistant economy." Based on this, it can be said that a resistant economy is one that has the capacity to cope with internal and external shocks, whether economic, social, political, or natural disasters. It can continue its growth and prosperity at an acceptable level even under difficult conditions and quickly return to its initial sustainable equilibrium. According to the above definition, it involves the optimal allocation of limited resources in society, which, when shocks occur, causes minimal damage (economic resilience), along with the process of repairing imposed losses and quickly rebuilding production capacities to restore initial equilibrium (economic sustainability). Together, these form a resistant economy. (Nofresti, 2016, p. 160)

### 1.2 Infrastructure

Infrastructure is one of the key factors determin-



## 2. Obstacles to Foreign Investment:

In the path of attracting and developing foreign investments and achieving a sustainable and dynamic economy in Iran, some challenges make this process difficult and have prevented the country from fully benefiting from the potential advantages of establishing connections with other countries. Below is a classification of the existing obstacles.

### 1.2. Economic Barriers

Multinational companies have the right to choose where to transfer their assets, skills, management abilities, and entrepreneurship to the regions that offer them greater profits. These companies evaluate countries from all perspectives to determine where to invest, based on their specific goals and priorities. Given its large population, oil wealth (which remains a key valuation metric), the benefit of a unique geographical position, and proximity to Central Asian and Persian Gulf countries, Iran represents a highly attractive investment destination. The lack of active and efficient financial and market sectors should be addressed by creating the necessary conditions for improvement.

For companies seeking resources and assets, Iran can sometimes be a suitable target, as foreign investors can benefit from cheap raw materials, inexpensive labor, and a skilled workforce. However, in terms of technical assets, innovation, creativity, and physical infrastructure (ports, roads, energy, and telecommunications), Iran does not appear to be very attractive. From the perspective of companies seeking efficiency, Iran's conditions are not very favorable for investment. This is because production costs, in terms of resource allocation and labor produc-



tivity, determine the cost of production in Iran. According to statistics, for every thousand tons of steel produced in Japan, one person is responsible; in Europe, the same amount is produced by three to five people, in Eastern Europe by ten people, and in Iran, by 26 people. The price of steel in Iran is nearly one and a half times the global price. In contrast, cheap energy is used to compensate for the low productivity of labor. Based on available statistics, the average productive work time in Iranian offices is around 20 minutes per day. Low productivity means high production costs and poor quality, and price and quality are the primary factors determining the competitive advantage of a company. Therefore, the economic policies of the government play a decisive role in attracting foreign investors. Appropriate policies in financial and monetary fields, combined with proper commercial liberalization, can significantly impact the country's ability to attract foreign investments. Speeding up the implementation of privatization programs

E. After deducting taxes, duties, and legal reserves, the profit from foreign investment is transferable abroad upon approval and confirmation by the Minister of Economic Affairs and Finance.

F. In case of disputes between the government and foreign investors regarding investments, if the issue is not resolved through negotiations, it will be dealt with in domestic courts.

G. Every foreign investor is obligated to inform the committee of any changes in the name, legal form, nationality, or changes exceeding 30% in ownership. (Rahman Ghalini, Almira Amseya, 2013)

### 2.10 Economic Sanctions

In general, economic sanctions are a category of concepts that, while having a political nature in international relations, always manifest themselves legally. These sanctions, which appear in

the international economic arena, are used as a weapon by governments and international organizations against a target country. In the traditional view, sanctions are aimed at reducing the resources available to a government, with the expected outcome being a reduction in public assets and creating a sense of deprivation in the target society. It was believed that if people suffered enough, they would pressure their government to change its behavior, leading to the lifting of the sanctions. Moreover, economic sanctions have become a popular tool for governments to resolve international disputes. These sanctions, which include limiting or halting economic activities with a target country, can significantly impact the economy, politics, and society of the targeted nation. Iran is a country that has been under economic sanctions from the international community for decades. (Zamaniyanfar et al., 2013, p. 58)

### 5.10 Economic Development

The definition of economic development is the condition that leads to an improvement in the quality of life of people in a society. Economic development is a broader concept than economic growth. To measure economic development, various indicators such as the Human Development Index (HDI), Purchasing Power Parity, and others are used. Each of these indicators represents a part of the economic development process in societies. Therefore, familiarity with these indicators provides a better understanding of the level of well-being in a society. (Neshat, 2024, p. 3)

industrially. Henri René, a German writer, also stated that there is no nation in the world that is as fearful of displaying its wealth as the Iranians. This fear comes from living in constant fear of the government. Iranians are compelled to keep their wealth under their own control and hide it in places such as gold and jewels buried underground. The lack of judicial security has made it impossible for capitalists to establish companies. Therefore, investments are turned into gold, hidden under the ground, or in other places. Transactions were done very slowly, and days would pass with mere words and pleasantries. On the other hand, things like Basatāning and piercing noses with nails were very common with merchants during this period. One of the biggest capitalists of the Qajar era, Rabab Jamshid, was frequently imprisoned by conspiracy under the rule of Ala al-Dawlah, the governor of Tehran, and was freed by spending large sums of money. Historically, this sense of insecurity has been an obstacle to the country's economic development. Among the many historical challenges that have deep roots in the culture of a country, long-term and expert work is required to tackle them. This includes fostering public cultural growth and establishing a proper constitutional law, as well as educating people about their rights, which will provide the foundation for a civil society. Currently, with the political and economic security present in the country, domestic investors do not have concerns in this regard. However, external pressures and the emergence of internal political conflicts can cause concern among foreign investors. The presence of political coordination and agreements in both domestic and international matters will increase political stability and create incentives for attracting foreign direct

investment. To build trust with foreign investors, extensive activities must be carried out in various sectors. According to reports from specialized economic institutions in London, Iran ranks among the highest countries for investment risk. One of these institutions ranked Iran 58th among 60 similar countries. Many Iranian companies are investing in Dubai, signaling capital outflows and increased investment risks in Iran in recent years. (Taheri, p. 42-43)

## 2.2. Cultural and Social Barriers

The cultural issues present in the country not only hinder domestic investment but also prevent foreign investment. The lack of a developed technological culture, proper use of the country's resources, and the absence of an efficient communication and information network are significant challenges. Furthermore, the lack of motivation for work and greater effort, the failure to institutionalize respect for laws, bureaucracy, traffic problems in cities, time-wasting, and the lack of value placed on punctuality have all contributed to reduced productivity in the country. The inefficiency at both macro and micro levels indicates our inability to optimally utilize resources. The promotion of a culture of waste, which began after the increase in oil prices in 1974, has been one of the main causes of resource wastage. According to existing statistics, nearly 30% of food materials in Iran are wasted, which equals the food consumption of 15 million people. During the 10 years between 1950 and 1999, 25% of the issued permits in the industrial production sector reached the operational phase, and 75% of industrial production were never utilized for various reasons. The culture of optimization at the societal level requires scien-

and creating market-oriented policies are essential steps for improving the environment for foreign investments. (Taheri, p. 41-42)

## 2.2. Resistant Economy

According to statements made by the Supreme Leader, a resistant economy can be defined briefly as follows: an economy that achieves its goals under difficult conditions, threats, and hostility. In essence, a resistant economy is one that, despite turbulence, hostility, and unfavorable circumstances, whether internally or externally imposed, can achieve the goals it has set for itself. Such an economy, which can withstand such pressures and continue its development, would be a resistant economy. The Supreme Leader has emphasized the importance of a resistant economy several times, logically positioning it as a key objective for all countries and governments. The Nature of Resistance Economics: It can be said that Resistance Economics is the contemporary manifestation of the Islamic economic system. In essence, the Islamic economic system

is the practical output of the Islamic economic school, tailored to be implemented in a real-world context, under specific temporal and spatial conditions (Hojat Abdolmaleki, 2014, p. 192).

## 3.2. Historical and Political Barriers

The economic activities of the private sector can only thrive in an environment of security and law. In Iran, historically, both external and internal factors, such as the authoritarian nature of the government, the frequent changes of regimes, and recurrent rebellions, have led to insecurity, with no independent trade unions and weak private wealth and property ownership. James Fraser, who visited Iran during the early Qajar period, wrote about this issue, that the main obstacle to improving and flourishing the country was the insecurity of life, property, and honor. He noted that this insecurity stemmed from the nature of the government and the constant revolutions faced by it. This situation has always hindered the efforts of people to produce



into a country, through increasing foreign exchange reserves, leads to an increase in credit availability for the private sector, which in turn increases production.

- As foreign investment flows into the private sector of the host country, it can have a significant effect on private investment and, consequently, further stimulate growth.

- Foreign investment production in the host country can serve as production data for domestic investors, contributing to increased growth.

- Other explanatory variables (such as gross domestic investment growth, export growth, and previous growth periods) also have a positive effect on economic growth and are statistically significant.

Research on the collective effect of foreign investment and human capital on economic growth shows that this effect is positive and statistically significant. In other words, the effect of foreign investment on economic growth is influenced by human capital. It also shows that the collective impact of gross domestic investment and human capital on economic growth is statistically significant.

In conclusion, foreign investment has a positive impact on economic growth, and this positive effect is significantly influenced by human capital and the openness of the host country's economy (Najarzadeh, Maleki, 2004, p.161).

foreign investors. Given the importance of foreign investment in economic development and improving the country's economic situation, this study has attempted to identify and analyze the key points and existing challenges.

The results in different sections of the paper show that there are several barriers to foreign investment in Iran. These barriers include economic issues such as economic instability, political and legal risks, administrative corruption, lack of financial transparency, and the absence of appropriate infrastructure for attracting investors. Furthermore, insufficient information dissemination about investment opportunities and the lack of governmental support were also identified as deterrents.

The key findings of the research indicate that attracting foreign investment in Iran requires fundamental changes in the country's economic, social, and cultural policies and strategies. Strengthening political and economic stability, creating a transparent and clear legal environment, and providing adequate infrastructure are essential for attracting foreign investors.

In conclusion, it is recommended that the Iranian government prioritize actions such as reforming investment laws, reducing unnecessary bureaucracy, and promoting transparency and accountability in the public sector. Additionally, it is necessary to design and implement training programs to familiarize foreign investors with investment opportunities and challenges in Iran. With these actions, Iran can attract foreign investments and, as a result, strengthen the country's economic foundation.

Other Proposed Solutions for Overcoming Barriers to Foreign Investment and Promoting Its

scientific research and education, from the elementary level to university. Another cultural barrier is the risk of increasing corruption. Preventing corruption and bribery in society is a key issue that needs to be addressed seriously. Administrative corruption undermines the credibility of laws and regulations, resulting in significant social and economic costs. The spread of a culture of mediation and diversion from production paralyzes the country's economy and eliminates the favorable conditions for attracting foreign direct investment (FDI). (Taheri, p. 40-41)

### 3. Advantages and Positive Impacts of Foreign Investment in Iran:

Attracting and developing foreign investments in a country brings many advantages. Some of the key benefits are as follows:

- **3.1. Decrease in Exchange Rate:** Under a floating exchange rate regime, the influx of foreign investment increases the value of the domestic currency. This reduces the tendency of people in a country to buy foreign assets, preventing them from converting their assets into foreign markets. As a result, the demand for foreign currency decreases, and the value of the domestic currency strengthens. This leads to an increase in the purchasing power of the domestic currency and a reduction in inflation.

- **3.2. Decrease in Interest Rates:** The inflow of foreign investment increases the flow in the financial system, thereby reducing interest rates. Lower interest rates increase demand for domestic assets (the domestic currency), and due to the inverse relationship between interest rates and investment, this also stimulates foreign investment. Additionally, the potential for higher profits further encourages foreign in-

vestments.

- **3.3. Development of Exports and Reduction of Imports:** With the increase in foreign investment and the establishment of various factories, production volumes rise. This not only satisfies the country's needs for specific imports but also allows for the export of surplus products to other countries. Investment companies can open access to export markets for goods and services already being produced in the host country, thereby assisting in expanding domestic markets to international ones.

- **3.4. Increase in Employment:** The influx of foreign investment and participation in setting up and running factories increases labor demand, thus raising employment levels.

- **3.5. Economic Growth:** The entry of foreign capital lowers the cost of capital (a scarce production factor in developing countries). This, in turn, reduces the financing costs for investment, increases the profit potential, and generates employment. Given the population growth and its associated rate, unemployment decreases. Furthermore, the increased economic growth rate helps reduce capital outflows. (Qae-di and et. al., 2006, p. 39)

Scientific summary on the Effects of Foreign Investment:

Foreign investment has a positive impact on economic growth, and this effect is statistically significant. The positive impact of foreign investment may be due to the following reasons:

- Since foreign investment is defined as a combination of cheap capital, efficient management, and advanced technology, it has a positive effect on economic growth.

- The influx of foreign investment



## The Impact of Development Policies on Environmental Crises

**Nasim Feyzi**

### Abstract:

The environment and its preservation as the living space of humanity have become one of the most important concerns of today's world. This issue has attracted the attention of planners and researchers across various fields. In recent decades, Iran has faced several major environmental crises that could affect the future lives of its citizens. Identifying the roots of these crises and consequently making efforts to resolve them has become increasingly important. At the same time, the development programs in Iran, especially the expansion of industries that are considered environmental pollutants, the rise in urban population, and the development of wa-

ter-intensive agricultural products, may have negatively impacted the creation and exacerbation of ecological crises. The central question posed here is, whether the development policies in Iran have played a role in creating or intensifying environmental crises? The main hypothesis is that the development policies in Iran, due to the unplanned growth of industrial activities and short-term economic development goals, have had an impact on the environmental crises. This research, using a descriptive-analytical method, aims to analyze the available data and statistics from reputable organizations and institutions (such as development programs, which serve as the high-level development documents

### Growth Include:

- **Securing Investment:** Ensuring the protection of investors' capital and rights through international treaties and local laws.
- **Providing Financial Incentives:** Offering tax reductions, subsidies, and financial facilities to foreign investors can increase the attractiveness of investment.
- **Developing Infrastructure:** Improving transportation, energy, and communication infrastructure can provide a suitable environment for investment.
- **Establishing Free Trade Zones and Special Economic Areas:** These areas can offer favorable conditions for foreign investors with specific regulations and laws.
- **Focusing on New Industries and Technologies:** Supporting new industries and advanced technologies can help attract foreign investments in these areas.
- **Increasing International Cooperation:** Strengthening diplomatic and economic relations with other countries and creating trade agreements can facilitate foreign investments.

By implementing these strategies, Iran can create favorable conditions for attracting foreign investment and achieve sustainable economic development.

### References

1. Taheri, Abolqasem. "Barriers to Foreign Investment in Iran." *Research in Law and Politics*, pp. 40-43.
2. Abdolmaleki, Hojjatollah. (2014). "Analysis of the Impact of Private Sector Activities and Participation on Regional Development

in Iran: A Data-Based Econometric Approach." *International Conference on Accounting and Economics*, p. 192.

3. Qalini, Rehman & Amseya, Elmira. (2013). "Effects of Sanctions on Foreign Investment in Iran." *National Conference on Management and Accounting in the Modern Business World, Economy and Culture*, Aliabad Katoul, Islamic Azad University of Aliabad Katoul, p. 15.

4. Qaedi, Mahnoush & Mousavi, Seyed Alireza. (1996). "Foreign Direct Investment in Iran." *Journal*, n. 173 p. 10.

5. Fetros, Mohammad Hassan. Nasrin Doost, Meysam. (2009). "The Relationship Between Air Pollution, Water Pollution, Energy Consumption, and Economic Growth in Iran (1959-1983)." n. 21.

6. Soltani, Ali & Zali, Seyed Reza. (2017). "Analysis and Evaluation of Regional Infrastructure Risks from the Perspective of Non-Military Defense." *Quarterly Journal of Regional Planning*.

7. Nouforosti, Mohammad. (2016). "Resilient Economy and Paths to Achieving It." *Quarterly Journal of Strategic Policy Studies*, pp. 157-168.

8. Zamaniyan, Leila. Pakniat, Yekta. Seraaj, Shahrzad. (2024). "Strategies for Enhancing Resilience Against Economic Sanctions on Iran as a Foreign Policy Tool." *Journal of Scientific Non-Military Defense Studies*, p. 58.

9. Najarzadeh, Rana & Maleki, Mehran. (2005). "The Impact of Foreign Direct Investment on Economic Growth with Emphasis on Oil Exporting Countries." n. 23. *Quarterly Journal of Iranian Economic Studies*.

in agriculture, soil erosion, water shortages, and excessive water waste in industry and agriculture, which have all affected Iran's environment.

Currently, unfortunately, Iran does not rank well in terms of sustainability and environmental protection indices. Statistics indicate the destruction of many wildlife species and plant cover in Iran, and the necessary awareness remains at a low level. Some programs in Iran, despite the significant damage they have caused to the environment, remain in place. Therefore, this research aims to examine the impact of development policies in Iran on environmental crises. If a positive relationship is found, policy changes will be necessary.

#### The Need for Sustainable Development Policies:

It seems necessary to focus on development policies that can, while overcoming existing crises, protect the environment from future damage and harm.

#### Definition of Concepts:

- Development Policy:

Development: According to the definition, development refers to all the activities and actions that humans engage in to improve their lives within the environment (Kosto, 1991). If this development is to be sustainable in the long run, it must take into account the environmental and natural resource constraints. Typically, development can be considered in various dimensions: political development, cultural development, social development, and economic development.

When development is discussed in an absolute sense within a society, it refers to development across various dimensions. Undoubtedly, a developed society is one in which development has been achieved in these multiple dimensions. Development is seen as a comprehensive phenomenon that includes more than just the economic aspect. While economic growth and the forces driving development are crucial, other dimensions such as environmental sustainability, social justice, democracy, and peace must also be considered (Boutros-Ghali, 2002).

- Development Policies: These include macro-level planning and general policies that shape the course of development. Particularly, the first through seventh development plans are included in this framework.

- Environmental Crises: These refer to a collection of problems and conditions that threaten the health and sustainability of the environment. For example: air pollution, water scarcity, soil degradation, deforestation, and the destruction of pastures, etc.

#### Human Impact on the Environment:

Although humans make up only a very small percentage of the biomass (weight or volume) of living organisms on Earth, they are the domi-

in Iran) based on prior research and resources.

Keywords: Environment, environmental crises, development, development policies, Iran

#### Introduction:

Today, humanity faces numerous challenges, including ecological crises, and the relationship between humans and the environment has never been as concerning as it is now. According to some researchers, development is one of the factors that causes environmental crises and environmental degradation. Undoubtedly, the contemporary world is more aware than ever of the importance and value of the environment and is seeking solutions to preserve and maintain it. This accelerating process of changes and transformations in the life systems has become an urgent concern.

Hazards such as high levels of consumption in industrialized countries and economic and cultural poverty in developing countries, which threaten the environment, have raised concerns. Population growth, economic development, environmental activities, and technological advancements have led humanity to exploit the environment recklessly in an attempt to satisfy

its endless needs, resulting in environmental destruction.

The reality is that humans today are influencing the environment through their actions, and with the growth of science and new technologies, the scope of human interference in the environment is constantly increasing. It should be noted that industrialization is an undeniable necessity for increasing production on the path of development; however, if industrial activities expand, it will not only lead to economic growth but also contribute to environmental challenges. Experts have proposed strategic solutions to prevent environmental destruction, such as maintaining environmental mechanisms.

Today, Iran faces numerous environmental problems, and it seems that the implementation of development policies has played a significant role in increasing pollution and, in some cases, ecological crises in Iran. In fact, some development policies have exacerbated these crises; industrial waste treatment operations, excessive dam construction, which has caused the drying up of the country's wetlands, and led to a water crisis, are among the causes of these crises. These crises themselves pose a serious challenge to the country. The establishment of various, often large, industries has also contributed to the migration from rural areas to urban centers, resulting in increased traffic and the production of greenhouse gases. Additionally, the destruction of forests and pastures for industrial growth has led to disruptions in the ecosystem and adverse weather conditions. Other major environmental problems include soil and groundwater pollution due to the use of chemical fertilizers and pesticides



to generate wealth. Successful national development means creating comprehensive well-being through a process that increases individual and social productivity. In other words, development refers to the increase in available choices for people. However, the precondition for expanding people's choices is economic development, which means more output with fewer inputs and the creation of new products and services (Amir Mohammad Haji Yousefi, 1999).

Unfortunately, Iran does not rank well in terms of development indices. It has experienced low economic growth and is still facing many environmental problems, as we have previously discussed.

The Impact of Development Policies on Environmental Crises:

In general, development policies can be categorized into the following dimensions:

Economic Indicators:

- Gross Domestic Product (GDP) Growth: The growth rate of the country's GDP.
- Unemployment Rate: The percentage of the active population that is unemployed.
- Inflation Rate: Changes in the prices of goods and services over a specific period.
- Foreign Direct Investment (FDI): The amount of investment made by foreign companies and individuals in the country.

93 Social Indicators:

- Human Development Index (HDI): A composite measure that includes life expectancy, education level, and per capita in-

come.

- Poverty Rate: The percentage of the population living below the poverty line.
- Access to Healthcare: The number of healthcare centers and the public's access to medical services.
- Literacy Rate: The percentage of the population over the age of 15 who can read and write.

Environmental Indicators:

- Air Pollution: The level of pollutants in the air (like PM2.5).
- Renewable Resource Use: The percentage of energy produced from renewable sources such as solar and wind.
- Biodiversity: The number of plant and animal species present in a given area.

Governance Indicators:

- Transparency and Anti-Corruption: The country's ranking on administrative corruption indices (like CPI).
- Institutional Quality: The effectiveness of public and private institutions.
- Public Participation: The level of public involvement in decision-making processes.

Technology and Innovation Indicators:

- Research and Development (R&D) Investment: The percentage of GDP spent on research and development.
- Registered Patents: The number of patents registered, reflecting the level of innovation in the country.

Cultural Indicators:

nant species. At the beginning of the Pleistocene era, humans, like other creatures, were fully influenced by environmental factors. Since then, humans have advanced and gradually become capable of dramatically altering the physical environment around them (Kiani, 2006). In fact, the relationship between humans and the environment has changed with the evolutionary progress of humans and the technologies they have used. While humans in past eras, particularly early humans, were deeply influenced by the environment, today they have the power to shape it.

The Impact of Human Behavior on the Environment:

In the past, humans were influenced by the environment, but today, it is humans who have significantly affected the environment through their actions and behaviors. The reciprocal and growing relationship between nature and society—equipped with technical tools that continuously extract and consume necessary resources from nature and release waste from vital and productive activities—is an undeniable reality. The study of the system of “human,” society, and the environment, in terms of the constant and intense exchanges of materials and energy between the components of the system, which result from the ongoing and increasing social production, the increasingly complex structure, and the use of raw materials from lands that are continually being exhausted, is of great importance (Krasimov et al., 1993).

However, the impact humans have on the environment is due to their behavior and actions in

their surrounding environment. Actions such as exploiting natural resources, cutting down trees, building homes, establishing factories, etc., in natural environments, change the appearance of the environment and can, if this process continues unchecked, contribute to the destruction of the environment. The reality is that humans, through the development of science and technology, have been able to increase their interference and impacts on the environment day by day, directing it toward achieving greater material wealth and prosperity. While technology has likely delayed the population crisis, in the end, it has increased human impact on the environment. Technology not only increases the use of resources but also enables modern humans—compared to early humans who used simple tools like stone and bone for hunting and gathering—to affect the environment in new ways (Davoodian & Sani, 2017).

Development in Iran:

The concept of development is one of the most debated and discussed topics in political and economic literature. Only when the concept of development is defined and clarified can specific development strategies be proposed or critiqued. It is only then that the benefits and shortcomings of various development theories can be assessed. Development is a multi-dimensional process that includes the reorganization and redirection of the entire social, political, and economic system. National development, as a comprehensive concept, refers to both human development and economic development. The main goal of human development is “expanding people's choices.” On the other hand, economic development is a process through which capacities are created

compasses all issues related to industry, culture, economy, and politics. Therefore, when we say that the environment, unlike in the past, is no longer just limited to pollution or wildlife, we mean that it includes all aspects and phenomena that, in one way or another, affect human life. This process has progressed to the extent that in many developed countries, environmental planning is integrated into national planning. For example, in countries like Canada or Australia, environmental planning is considered in all aspects, including work methods, strategies, budgeting, timelines, and organizational structure in five-year plans (Makhdoom, 1998, p. 5).

One of the major crises in Iran is the environmental crisis. This can almost be accepted without the need for empirical evidence (Fazli, June 2021, p. 13). Most of Iran's territory suffers from overuse, desertification, or deforestation. Industrial and urban waste have polluted rivers, coastal waters, and groundwater. Wetlands and freshwater sources are increasingly being destroyed due to the expansion of industry and agriculture, and oil spills and chemical leaks have harmed marine life in the Persian Gulf and the Caspian Sea. Drought is another natural hazard, mainly resulting from the mismanagement of water resources (Morad Haselhossein, 2006, p. 8).

Iran claims that international pressure to develop oil and gas reserves in the Caspian Sea will expose the region to new environmental threats (Bahrapour, 2009, p. 10). Although the Iranian Department of Environmental Protection has existed since 1971, due to prioritizing short-term economic goals, Iran has not yet developed a policy for sustainable development (Babaoghli,

2013, p. 15).

Some of the environmental crises in Iran include:  
Water Crisis:

Of the total water on Earth, 97.14% is saltwater in seas and oceans, which is not usable due to its salinity. Freshwater reserves make up only 2.6% of Earth's total water resources, most of which is in the form of ice at the poles and underground water. Thus, only 0.014% of Earth's water is usable, and human life is dependent on this limited amount of water. It is observed that, although water covers most of the Earth's surface, only a very small portion of it is usable by humans, and all human planning must be done with these limitations in mind (Mohammadjani & Yazdani Bahar, 2014, p. 3).

The inherent limitations of water resources have led to severe droughts in parts of the country, and one of the causes of drought is the mismanagement of water resources. Drought is not an unnatural event, but its dimensions and destructive effects vary depending on the severity and geographical location. Iran has a climatic drought cycle that typically occurs every 10 to 30 years, and although it is beyond our control, we must deal with its consequences. Successfully managing the effects of drought requires forecasting and planning for drought cycles, as well as creating the necessary capacities for both supply and consumption sustainably to navigate through drought periods (Rosta, 2009, p. 19). The importance of this vital resource is not the same across all regions, and in areas with water scarcity, it becomes a matter of conflict that can even lead to conflicts on various scales. Follow-

- Access to Higher Education: The number of universities relative to the population.
- Cultural Diversity: The presence of minorities and diverse cultures within the country.

These indicators can serve as tools for measuring and assessing the effectiveness of development policies. (Naseh, 2018, pp. 12-17)

In the early 1970s, Iran showed serious interest in creating a healthy environment. Although no one expected Iran to sacrifice economic growth for the environment, some principles were incorporated into the Constitution that allowed environmental pollution control and protection programs to be integrated with ongoing development programs. This integration ensured that environmental activities were considered part of national development. The relationship between economic progress and the environment has always been a subject of debate. One of the main goals of development programs in Iran has always been achieving economic growth. When planners consider economic growth, what typically comes to mind are the numerous benefits it brings: increased life expectancy, reduced infant mortality, higher incomes, and the expansion of goods and services available to the population, among others. But what about the costs of economic growth?

At the top of the list of economic growth costs are environmental issues such as pollution, depletion of natural resources, and desertification. (Dehshiri, 2014, pp. 9-11). So far, development has not been accompanied by the preservation and maintenance of the environment, but rather

it has led to environmental destruction. In developing countries like Iran, population growth has caused the exploitation of natural resources beyond the Earth's capacity, creating harmful consequences for the environment. In these countries, development programs have had highly damaging effects on the environment. For example, one can mention the borrowing of these countries from industrialized nations under the guise of economic development (Raisi, 2017, p.7).

The debt crisis of these countries, under the banner of development, has pushed them toward further environmental destruction. A case in point is Singapore, where agricultural lands have been heavily exploited and invaded, resulting in increased debt without significant improvements in conditions (Lavasani, 1996, p. 9). Another perspective suggests that development is not only harmful to the environment, but that sustainable development leads to the optimal use of all environmental resources and capacities, resulting in genuine and sustainable improvements in human living standards. What is important here is that development, without sustainability, will have harmful effects on the environment. If development policies are to avoid harming the environment, they must be directed toward sustainable development. (Bashirzadegan, 2001, p. 17)

Environmental Crises in Iran:

In the third millennium, the concept of the environment has gained a new meaning, and it is no longer possible to explain it using old models and frameworks. Today, the environment en-

of the country's water resources are consumed by agriculture, it is crucial for us to focus on improving agricultural water use.

Water efficiency in agriculture can be defined as the amount of production per unit of water consumed, and it reflects the optimal use of water for production. The efficiency of water consumption can be improved by increasing production per unit of water, allocating water to economically valuable crops, or reallocating water from some agricultural sectors to others where water has higher added value (Zarei, 2003). In fact, the greatest improvement in water efficiency is not only due to an appropriate irrigation system but also results from better management practices.

Currently, the average water efficiency in Iran is 0.17 kilograms per cubic meter. The limitation of water resources in the country highlights the importance of addressing water conservation, reducing water losses, and optimizing water use. In addition to technical measures that can be implemented during production (irrigation systems) to save water, reducing agricultural product losses is a practical, cost-effective, and low-risk solution that can complement the reduction of water wastage. (Adib, 2014, pp. 6-7)

#### Air Pollution:

One of the most important problems that humanity faces today is air pollution. Due to the unchecked increase in industrial activities, the consumption of fossil fuels, and population density in certain cities, the issue is becoming more severe. Air pollution is a serious, continuous, and widespread threat to the health of living organisms and the environment. In addition to en-

vironmental problems and endangering human health and other living organisms, it also has adverse economic and social consequences, which manifest gradually and irreversibly. The uncoordinated and inadequate performance of relevant authorities in fulfilling their legal duties regarding the prevention and control of air pollutants has intensified this alarming issue, leading to the worsening current situation.

Air pollution could be considered the most significant environmental problem in the cities of the country, which, in recent years, has led to widespread consequences, such as health damage to citizens, decreased quality of life, and closures of schools, offices, and businesses. Given the complex and dynamic nature of air pollution, effective and efficient policy and executive actions in this area require dynamic analysis. The World Health Organization (WHO) reports that more than 3 million people die annually due to breathing urban air, and if no action is taken, this figure will double by 2050. Most major cities in developing countries are violating air pollution strategies. In the last five years, air pollution has increased by 8%, and according to estimates by the World Health Organization (WHO), this pollution causes 3 million premature deaths annually, making air pollution one of the greatest health risks to humanity. The latest air pollution statistics from 2011 to 2015 show that 98% of cities with more than 100,000 inhabitants in countries with medium and low incomes do not comply with the World Health Organization's air pollution guidelines (Soleimani, 2017).

According to the Ministry of Health statistics from 2020, more than 30,000 Iranians have

ing the industrial revolution and the increase in human dominance, water resources were subjected to increasing human intervention due to the growing needs of humans, driven by population growth and the expansion of agricultural and industrial activities. This resulted in a serious decline in both the quantity and quality of water, which has also negatively impacted the environment due to reduced water rights and water quality.

Although the increased awareness of humans has reduced environmental degradation in some parts of the world due to the decline in water quality and quantity, it remains a significant issue, particularly in developing countries (Lehsayi Zadeh, 2011, p. 13).

We are also facing numerous issues regarding water resources. These include being located in a dry region of the world, with an average annual rainfall of 250 millimeters, uneven rainfall distribution across different areas, and the unchecked increase in population, which has been exacerbated by global climate change. (Rosta, 2009, p. 6).

On the other hand, due to low rainfall, which is even lower than the Middle Eastern average, Iran relies on groundwater, which is non-renewable. (IRNA News Agency, 2018, p. 18). Due to the excessive use of groundwater for agriculture, in some areas of the country, water wells must be dug up to 200-250 meters deep. Meanwhile, the global average annual rainfall is 833 millimeters per square meter. In some areas of Iran, this amount of rainfall is as low as 50 millimeters. Other issues contributing to the water crisis

in Iran include climate change, global warming, and, most importantly, excessive water wastage in the agricultural sector. In the following, the agricultural sector's role in the water crisis will be specifically examined as one of the most critical concerns.

#### Agricultural sector:

The agricultural sector in Iran is one of the most important economic sectors. However, water scarcity is the main limiting factor for agricultural and food production. About 93% (80 billion cubic meters) of the country's renewable water resources are used in agriculture, but the agricultural output (51 million tons) does not meet the country's food needs. Various studies and research show that in the agricultural sector, water is wasted in multiple ways, with irrigation efficiency ranging from 33% to 37%. This means that about 70% of water resources are lost through evaporation, deep infiltration, surface runoff to drains, and rivers that either flow into the sea or cross the country's borders (Adib, 2009, pp. 12-14).

High water wastage in agricultural fields, improper use of existing irrigation systems, water leakage from water transmission canals, inappropriate farm sizes relative to the available water, lack of awareness among farmers about optimizing irrigation efficiency, failure to use proper irrigation methods, inappropriate water pricing, and poor water quality—especially groundwater (which threatens both the quantity and quality of water resources)—are among the factors contributing to inefficiency in the agricultural sector. The average water efficiency in agriculture is estimated to be less than 30%. Given that 93%

of these phenomena are studied using various techniques and methods. Countries located in the dry and semi-dry belt of the world, including Iran, have always dealt with dust storms. The occurrence of unrelenting droughts in recent years and the potential consequences of climate change in terms of desertification have put dust storms at the center of attention for many researchers. Dust storms, as a type of air pollution, have various negative and long-term effects, including reduced agricultural yield and productivity, exacerbation of damage caused by pests and plant diseases, increased road accidents due to reduced visibility, flight cancellations and related financial losses, increased treatment costs, higher water consumption for cleaning, shut-downs of industrial units, services, educational institutions, financial damages, increased fuel consumption, water resource contamination, disruptions in power supply systems, increased erosion of buildings, reduced lifespan of structures, decreased efficiency of solar photovoltaic systems due to air pollution, and psychological problems for humans due to reduced visibility (Shafiei, 2021, pp. 8-10).

One of the environmental problems in western Iran is the activity of dust storms and dust particles in the atmosphere of cities. This phenomenon has affected most of the western and southern provinces of the country since 1988. Dust and sand storms occur due to various reasons, including human interventions such as the irrational use of surface and groundwater resources, the destruction of plant cover, soil degradation from agricultural processes, and natural factors such as drought and climate change (Shahkoyi & Rahmani, 2019). Millions of Iranian citizens

suffer from these conditions, and their lives are in danger. One of the main environmental problems in Iran is unhealthy air, and within this, the increase and spread of dust storms is a significant issue that has affected a large portion of cities and rural areas. The entire city is filled with yellow and red dust, and people rush in the streets and alleys, wearing masks or without them, feeling short of breath. People are deprived of fresh air for a simple life because industrial pollution and dust storms have contaminated the air. Dust storms consist of particles smaller than two microns, which are created by wind erosion. This phenomenon is increasingly common in southern, western, and central cities, including Tehran. One of the results of this pollution is a serious threat to the health of the country's citizens. According to the World Health Organization (WHO) review, several Iranian cities, in terms of annual dust and particulate matter concentration, rank among the most polluted cities in the world. For example, in 2011, the World Health Organization recognized Ahvaz as the most polluted city in the world in terms of dust and particulate matter concentration in the air (Eizadi, 2012, p. 9). Evidence shows that on days with high particulate matter air pollution, hospitals



directly lost their lives due to air pollution. In Tehran alone, this number is estimated to be 8000 (Ministry of Health, Ministry of Treatment and Medical Education). According to Abbas Shahsooni, head of the Air Quality and Climate Change Health Group at the Ministry of Health, the costs and consequences of air pollution on the health system amount to 20 to 30 trillion IRR annually, imposed by the healthcare system for treating patients. The solution to combat air pollution is not treatment, but rather prevention. A very important aspect of air pollution is its impact on population growth and pregnancy.

Almost all researchers agree that air pollution can have a detrimental role in reproduction (Report from the Health Center of Arak County, 2015). There is significant evidence linking air pollution to asthma, chronic obstructive pulmonary disease (COPD), lung cancer, and reduced lung function. However, evidence regarding the link between air pollution and the onset of asthma is limited and insufficient. According to a report from the International Agency for Research on Cancer (IARC) of the World Health Organization in 2013, air pollution and particulate matter are classified as carcinogenic for humans. Four vulnerable groups exist in relation to air pollution: pregnant women, children, the elderly, and athletes. Studies have shown that air pollutants pose a serious health threat from the embryonic stage to old age.

Tehran is known as one of the most polluted cities in the world. Studies show that the most significant air pollutants in Tehran are particulate matter (PM10 and PM2.5), which, compared to other pollutants, are more dangerous and have

more severe consequences for health. Research indicates that reducing air pollution can reduce the burden of diseases such as stroke, heart disease, lung cancer, and both acute and chronic respiratory diseases (Soleimani, 2017, pp. 7, 10, 11).

The level of health and hygiene in a society, which is a factor of sustainable development, has a direct relationship with air pollution. Studies have shown the impact of air pollution on human health and other living organisms, and the harmful effects of this destructive phenomenon, in addition to acute effects, include long-term and chronic diseases such as asthma, respiratory and heart diseases, genetic diseases, increased emergency room visits, and higher mortality rates, along with increased air pollution. Furthermore, the relationship between air pollution and economic growth is an issue that has not been overlooked by researchers. Several studies have demonstrated a link between air pollution and economic growth (though some of these costs may not even be quantifiable). Overall, air pollution has a destructive impact on all quality of life indicators, including attractiveness, health, public welfare, social well-being, happiness, satisfaction, etc., and in both subjective and objective quality of life approaches, it reduces the livability in cities (Soleimani, 2017).

#### Dust Storms:

Dust and sandstorms are some of the most significant meteorological phenomena and natural disasters, attracting considerable attention from researchers in various fields of science, including atmospheric sciences. The origin, formation mechanisms, transfer, spread, and consequences

that areas with high economic development rates are usually more prone to environmental crises. For instance, increased industrial production in these regions has always been accompanied by a rise in the emission of greenhouse gases. Furthermore, land-use changes for agricultural and urban purposes have led to a reduction in forest areas and natural habitats.

Unfortunately, the country is facing a severe water shortage, and some policies have exacerbated this crisis. Although there are environmental protection programs in the country, they face weaknesses in execution, a lack of public awareness due to insufficient education, avoidance by individuals and factories of policies and laws, and inadequate budget allocation for this sector. However, the results indicate that sustainable development could be a solution to reduce these crises. Countries that have implemented effective environmental policies alongside their development programs have been able to significantly reduce environmental damage. For example, investment in clean technologies and renewable energy sources has not only helped preserve the environment but has also created jobs and promoted economic growth.

In Iran, due to a lack of support for environmental activists and the absence of coordination between economic stakeholders and environmental protection authorities, the situation in this field is far from ideal. Ultimately, this paper emphasizes that to achieve sustainable development, policymakers must strike a proper balance between economic needs and environmental protection. Collaboration between governments, the private sector, and civil society is also key

to success in this regard. Overall, the findings of this research indicate the need for a serious reassessment of current development approaches so that we can ensure a better future for the next generations. Moreover, in addition to Iran's geographical location, development policies in the country have played a role in exacerbating environmental crises.

#### Proposed Solutions:

1. Proper Education and Raising Public Awareness about the Environment
2. Drafting Strong Laws and Regulations for Industrial Factories to Manage Wastewater and Waste
3. Allocating More Budget to Environmental Protection and Hiring Specialists in this Field

#### References:

- Mousavi Fazlollah (2016) International Environmental Law
1. Makhdoom, Majid (2006), Environment, Sustainable Development, and the Future of Iran, Monthly Report, pp. 60-65, Issue 176
  2. Lahasai, Zadeh Abdolali (2011) Environmental Crisis and Comprehensive and Sustainable Development, Sociology of Iran, Issue 6
  4. Pour Asghar Sanko, F. Salehi, A., and Dinavandi, M. (2013) Comparison of Regional Sustainable Development Measurement Methods Using Composite Indicators, Environmental Research, Year 4, Issue 7
  5. Gharakhloo and Hosseini, Samira (2011) Sustainable Urban Development Indicators, Geography and Regional Development

report an increased number of patients with cardiovascular and respiratory problems. Research by the Environmental Protection Agency and Behesht Zahra Organization shows that in 2014, there was an increase in hospital admissions due to dust-related health issues.

In Tehran, 158,000 people have lost their lives due to respiratory problems. There is also a significant correlation between mortality from the diseases studied and air pollution. Among the deceased, 2,898 were men, 2,152 were women, and 102 were infants. Of these, 3,002 deaths were due to respiratory issues (Report from Asre no Magazine, 2015, p. 5). The extent of the damage caused by this phenomenon is not only limited to agricultural lands, industries, etc., but has also become a serious environmental threat by disrupting the normal lives of people, causing a public reaction. Recent droughts, the imposed war, agriculture, dam construction, water wars, and policies of transferring water from water-abundant regions to water-scarce regions in Khuzestan and Ilam—two areas significantly

affected by dust storms—have contributed to the dust storm phenomenon in western and southern Iran, endangering the health of Iranian citizens (Shahkoyi & Rahmani, 2019, p. 11). In some cases, the implementation of certain policies has exacerbated the dust storm crisis and intensified its impacts. (Barzagar, 2012, pp. 11-13)

#### Conclusion:

Today, the development issue is a concern in both developed and developing countries. However, development without considering the environment and its effects is not feasible. Development cannot take place at the cost of losing resources. The increasing environmental crises in Iran, as mentioned in this paper, have created a dangerous situation. Data analysis shows that economic development, while leading to social growth and progress, also has significant negative effects on the environment. The studies conducted in this paper reveal that the increase in industrial and urban activities, especially in developing countries, has led to ecosystem destruction, air and water pollution, and a decrease in biodiversity. From the collected data, it is clear



Journal, Issue 8

6. Roosta, Zahra, Manouri, Masoud, Darvishi, Mehdi and Fallahati, Fatemeh (2012) Application of Remote Sensing Data and Geographic Information Systems in Extracting Land Use Maps of Shiraz City, Land Planning Journal, Issue 7

7. Mirdelmi, Zahra, Hashemi, Gholamali and Hemat, Zadeh Yalda (2011) Land Use Planning of the Small Watershed Based on GIS Model in Land Planning with Bi-Composite Method, Journal of Remote Sensing and Natural Resources Science, Issue 3

8. Engineering Water Sciences Association (2018) Report on the Phenomenon of Ground Subsidence: What is it?

9. Babaoghli, Mohammad (2013) Overview of the Environmental Crisis in Iran with Focus on Air Pollution and Resource Degradation, Economic Journal, Issues H

10. Boujani, Mohammad Hossein and Fazli, Dariush (2011) Environmental Challenges and Their Consequences, Dust Storms and Their Effects in Western Iran, Policy Research Quarterly, Year 2, Issue 3, pp. 125-130

11. Bahrapour, Marzieh (2009) Religion, Nature, and the Environmental Crisis, Master's Thesis in Western Philosophy, pp. 1-2, supervised by Dr. Saeed Bina and consulted by Dr. Yousef Shaghoul, Isfahan University

12. Heydarzadeh, Tahereh and Colleagues (2010) Legal Study of the Increase in Dust Storm Phenomena in Iran and Neighboring Countries with Emphasis on Iraq, Journal of Political and International Studies, Year 8, Issue 4, pp. 110-115

13. Shafiei, Shokoufeh (2017) Causes of Dust Storms and Solutions to Combat Them,

Master's in Environmental Engineering  
14. Land Use Assessment in Agriculture, Natural Resources, and Environment and Desertification Issues in Iran - Fifth International Conference on Agricultural Development, Natural Resources, Environment, and Tourism in Iran

15. Shahkoyi, Esmail and Rahmani, Tahereh (2019) Risk Assessment of Dust Storms in Northwestern Iran, Journal of Spatial Planning (Geography), Summer 2019, pp. 57-80 [Email: shahkoeei@gmail.com]

16. Adib, Samira (2009) Re-Evaluating Water Wastage in Various Agricultural Stages, Master's Thesis, Agricultural Promotion and Education, Islamic Azad University, Birjand Branch, Member of the Young Researchers Club

17. Roosta, Fakhrazoha (2009), Climate Change and the Serious Water Crisis, National Water Management Crisis Conference, March 2009.

18. Journal of Ravand, 21st Year, Issues 65 and 66, Spring and Summer 2014, Pages 117-144.

19. Mohammadjani, Esmail (2013), Analysis of the Water Crisis Situation in the Country and the Requirements for its Management, Nazanin Yazdaniyan.

20. Report, Elaha, Environmental Consequences of Air Pollution, Office: Infrastructure Studies, Water and Environment Group, Study Director: Mohammadvali Samani, Scientific Observers: Hossein Afshin, Mohsen Samadi, Applicant: Ali Mohammad, Literary Editor: Sadegh Agha Shaari, Member of the Agriculture, Water, and Natural Resources Commission.